



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مہر کی

کلمہ قضا

کلمات قصار امام زمان

محمد تقی اعظمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلمات قصار امام زمان (علیه السلام)

نویسنده:

محمد تقی اکبر نژاد

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	کلمات قصار امام زمان علیه السلام
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	مقدمه ناشر
۱۶	مقدمه مؤلف
۱۷	نکته اول: روش آدرس دهی در کتاب حاضر
۱۷	نکته دوم
۱۷	کلمات قصار
۱۷	دعا برای در امان ماندن از فتنه ها (۱)
۱۸	امام و بی نیازی از دیگران
۱۸	امام و نترسیدن از تنهایی
۱۸	امام و تربیت بندگان
۱۸	امام و انتقاد از شیعیان
۱۸	امام و راز امامت
۱۸	امام و استمرار امامت
۱۹	امامت و باطل شدن دین
۱۹	امام و توصیف پدر
۱۹	امام و انتقال علوم
۱۹	امام و عظمت امامت
۱۹	وظایف شیعیان
۱۹	امام و وظایف امامت
۱۹	وظایف شیعیان و کنجکاوی بی مورد
۲۰	وظایف شیعیان و راست و چپ
۲۰	وظایف شیعیان و راه نزدیک شدن به امام

۲۰	امام و دلسوزی نسبت به شیعیان
۲۰	حضرت زهرا علیها السلام الگوی امام
۲۰	نتیجه حماقت و جهالت
۲۰	دعا برای عافیت از آفت ها
۲۱	بدترین زمان ها (۳)
۲۱	امام و توصیف خدا (۴)
۲۱	امام و مبارزه با غلو
۲۱	شیعه مودی
۲۱	امام و شهادت به عقاید حقه
۲۲	امام و بیزاری از غالیان
۲۲	امام و پناه بردن به خدا از گمراهی (۱۰)
۲۲	انتقاد از شیعیان و بی توجهی به روایات
۲۲	امام و ضرورت امامت
۲۲	امام و توصیف پدر
۲۳	امام و توصیف امام
۲۳	امام و عظمت امامت
۲۳	اراده خدا
۲۳	وظایف شیعیان در بازگشت به امام
۲۴	وظایف شیعیان و تجسس ممنوع
۲۴	امامت و معدن حقیقت
۲۴	وظایف شیعیان و ممنوعیت تجسس
۲۴	امام و دفاع از حقوق شخصی (۱۶)
۲۵	دقت امام در مطالعه نامه ها (۱۹)
۲۵	اراده خدا درباره حق و باطل
۲۵	راز بعثت و امامت در اراده الهی
۲۶	امام و بیان سیر نبوت

- ۲۶ امام و بیان سیر امامت
- ۲۶ حکمت نصب امامان معصوم علیهم السلام
- ۲۷ چرا خداوند ائمه را با استعدادهای فوق العاده بیشتری آفرید؟
- ۲۷ امام و جعفر کذاب
- ۲۸ راه خدا در حفظ حق
- ۲۹ امام شدن دو برادر!
- ۲۹ عظمت امام
- ۲۹ امام و توکل بر خدا
- ۲۹ هدیه ای که امام رد کرد! (۲۷)
- ۲۹ امام و تفسیر امّ المؤمنین بودن زنان پیامبر و حق طلاق برای حضرت امیر علیه السلام (۲۸)
- ۳۰ اگر خدا دلیل کند...
- ۳۰ امام و معنای فاخلع نعلیک
- ۳۰ نام حسین و اشک روان بر گونه های زکریا!
- ۳۱ امام و تفسیر که یعیص
- ۳۱ حضرت یحیی علیه السلام تجسمی از امام حسین علیه السلام
- ۳۲ یکی از شباهت های امام حسین و حضرت یحیی
- ۳۲ انتخاب امام؛ مردم یا خدا؟
- ۳۲ اشتباه موسی علیه السلام در انتخاب صالحان امت
- ۳۲ حق اختیار با کیست؟
- ۳۲ چرا مهاجرین و انصار حق انتخاب نداشتند؟
- ۳۳ دلیل مسلمان شدن ابوبکر و عثمان
- ۳۴ طراحی توطئه قتل پیامبر!
- ۳۴ دلیل بیعت طلحه و زبیر
- ۳۴ امام و سفرای او
- ۳۴ امام و خیر مرگ عثمان بن سعید عمری رحمه الله اولین سفیر امام علیه السلام
- ۳۴ تعزیت امام عصر به محمد بن عثمان رحمه الله در ماتم پدرش

- ۳۵ امام و ستایش محمد بن عثمان رحمه الله به عنوان دومین سفیر -
- ۳۵ تقدیر از محمد بن عثمان رحمه الله در نامه ای به محمد بن ابراهیم بن مهزیار رحمه الله (۳۴) -
- ۳۵ امام علیه السلام و لزوم تبعیت از منصوبین ایشان -
- ۳۶ تقدیر امام عصر علیه السلام از حسین بن روح نوبختی سومین سفیر (۳۶) -
- ۳۶ امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمد سمري رحمه الله -
- ۳۶ امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمد سمري رحمه الله -
- ۳۶ خبر مرگ (۳۷) -
- ۳۷ دستورات نهایی -
- ۳۷ خبر از وقوع غیبت کبری -
- ۳۷ زمان ظهور -
- ۳۷ مدعیان نیابت -
- ۳۷ امام و مدعیان دروغین نیابت -
- ۳۷ امام و مدعیان دروغین نیابت -
- ۳۷ امام و لعن احمد بن هلال کرخی (۳۹) -
- ۳۸ جواز عمل به روایاتی که مدعیان دروغین قبل از انحراف نقل کرده اند -
- ۳۸ امام و لعن شلمغانی (۴۰) -
- ۳۸ امام و بیزاری از شلمغانی و پیروان او -
- ۳۹ امام و ترس از مدعیان دروغین -
- ۳۹ امام و مقام تسلیم -
- ۳۹ ادعای شلمغانی و لعن امام (۴۳) -
- ۳۹ امام و علمای اسلام -
- ۳۹ حمایت امام از محمد بن جعفر (۴۴) -
- ۳۹ امام علیه السلام برای حسن بن قاسم بن علاء دعا می کند! (۴۵) -
- ۴۰ نصب حسن بن قاسم بن علاء به جای پدرش! -
- ۴۰ امام و اظهار عشق و شغف به... (۴۹) -
- ۴۰ وصیت پدرم این بود... -

- ۴۰ من منتظرم!
- ۴۰ انتقال علم امامت
- ۴۱ وصیت های پدرم
- ۴۱ اصحاب امام زمان علیه السلام در دوره غیبت از زبان امام حسن عسکری
- ۴۱ مؤمنان مانند پرنده به دنبال لانه می گردند
- ۴۱ ذلت را تحمل می کنند
- ۴۲ اهل قناعتند
- ۴۲ دین شناسند
- ۴۲ سنگ زیرین آسیاب
- ۴۲ بسیار صبورند
- ۴۲ توصیه های پدر
- ۴۲ حکمت صبر
- ۴۲ عزت در لابلای حوادث
- ۴۲ ظهورت نزدیک است!
- ۴۳ پرچم هایت را می بینم
- ۴۳ شیعیان دورت حلقه زده اند
- ۴۳ عنایت خدا به یاران تو
- ۴۴ خدا به به واسطه تو ...
- ۴۵ کودکان و شوق دیدار
- ۴۵ حیوانات وحشی در جستجوی راه
- ۴۵ به نامحرمان نگوا!
- ۴۵ وظایف شیعیان در هنگام ظهور
- ۴۵ امام به فکر همه چیز است!
- ۴۶ امام و دعای ابراهیم بن مهزیار
- ۴۶ امام و قناعت پیشگی
- ۴۶ محبت و نصیحت خالصانه

- فرمایشات امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله (۵۲) ----- ۴۶
- نامه امام به برادرش! (۵۳) ----- ۴۶
- خدا اجازه داد تا نامه بنویسم ----- ۴۷
- نامه را به دیگران هم بده ----- ۴۷
- محل زندگی امام زمان علیه السلام ----- ۴۷
- امام و آگاهی از حوادث ----- ۴۸
- امام و لغزش امت ----- ۴۸
- گلایه از پیمان شکنی شیعیان ----- ۴۸
- امام همیشه بیدار ----- ۴۸
- وظایف شیعیان در کمک به خودشان ----- ۴۸
- نشانه قیام ----- ۴۸
- وظایف شیعیان و تقیه ----- ۴۸
- من ضامن نجات عاقل ها هستم! ----- ۴۹
- وظایف شیعیان و دستورالعمل امام علیه السلام ----- ۴۹
- دعای برادر ----- ۴۹
- نامه امام به برادر ----- ۴۹
- کسی که مایه مباهات امام است! (۵۹) ----- ۴۹
- حفظ اسرار از نامحرمان ----- ۵۰
- امام خانه به دوش ----- ۵۰
- امام و خیر دادن از آینده ----- ۵۰
- نشانه های قیام ----- ۵۰
- وظایف شیعیان و سرنوشت آن ها ----- ۵۱
- وظایف شیعیان و ضمانت امام ----- ۵۱
- وظایف شیعیان و دلیل تأخیر ظهور ----- ۵۱
- امام و نامه به برادر ----- ۵۱
- امام زمان علیه السلام در رثای شیخ مفید رحمه الله (۶۲) ----- ۵۲

۵۲	دستور امام زمان علیه السلام به مرجع تقلید حضرت آیت الله اصفهانی (۶۵)
۵۲	توقیعات فقهی
۵۲	امام و انکار نسبت فامیلی با خدا (۶۷)
۵۲	امام و مَثَلِ جعفر
۵۲	حکم آججو
۵۳	شرایط وجوهات مورد قبول امام
۵۳	زمان ظهور
۵۳	تحریف عاشورا
۵۳	جانشینان امام زمان در دوره غیبت
۵۳	شرط پذیرش وجوهات شرعی
۵۳	درآمد ترانه خوانی
۵۴	امام و لعن ابوالخطاب غالی
۵۴	دست بردن در مال امام
۵۴	کسانی که از پرداخت وجوهاتشان پشیمانند!
۵۴	دلیل غیبت امام
۵۴	کیفیت بهرمندی از امام غایب
۵۴	فواید وجود امام
۵۵	وظایف شیعیان و سؤالات ممنوع
۵۵	وظایف شیعیان و دعای تعجیل فرج
۵۵	فضیلت دعای بعد از نمازهای واجب (۷۷)
۵۵	فضیلت سوره های توحید و قدر در نماز (۷۸)
۵۵	امام و دعا برای شیعیان
۵۵	زایمان در بهشت (۸۰)
۵۶	تسبیحی از جنس تربت حسینی
۵۶	کیفیت نماز خواندن در حرم های مطهر
۵۶	امام و لعن دست اندازی کنندگان در اموال ایشان (۸۳)

- ۵۸ خاک مالی بینی شیطان
- ۵۸ شکایت زمین
- ۵۸ تأخیر نماز صبح و عشاء (۸۵)
- ۵۸ سرزنش صمیمانه (۸۶)
- ۵۸ توجه کامل به مشکلات شیعیان
- ۵۹ دستور العمل امام زمان برای کسانی که خود را
- ۶۰ امام و ستایش دوستان واقعی
- ۶۰ غم امام در مصایب شیعیان
- ۶۱ گفتن نام امام زمان (۹۱)
- ۶۱ تعیین زمان ظهور (۹۶)
- ۶۱ دعاهای امام زمان علیه السلام (۹۷)
- ۶۱ دعا برای ظهور فرج
- ۶۲ امام زمان و گلایه از شیعیان (۹۹)
- ۶۲ دعای مختصر و کامل
- ۶۲ دعای فرج
- ۶۳ سلام به امام زمان علیه السلام (۱۰۱)
- ۶۴ امام و اختیارات
- ۶۵ راز آفرینش
- ۶۵ تولی و تبری
- ۶۵ معامله با خدا
- ۶۵ مصونیت از شر دشمنان (۱۰۲)
- ۶۸ دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان (۱۰۴)
- ۶۸ حرز (۱۰۵) امام زمان علیه السلام
- ۶۸ دعای در زمان غیبت (۱۰۶)
- ۶۸ دعای فرج
- ۷۰ دعا برای مصونیت از شر آخرالزمان

۷۱	شکایت از یتیمی
۷۱	پیروزی در دنیا و آخرت
۷۱	دعای فرج (۱۰۸)
۷۱	در خواست انتقام
۷۱	دعای فرج (۱۰۹)
۷۲	امام زمان روضه خوانی می کند
۷۲	ارادت امام زمان علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام (۱۱۰)
۷۲	آرزوهای امام زمان علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام
۷۳	حسرت امام زمان علیه السلام درباره شهدای کربلاء
۷۳	سیمای امام حسین علیه السلام در کلام امام زمان علیه السلام
۷۶	روضه روز عاشورا
۷۹	حسین تجسم اسلام
۷۹	عزای کل هستی برای امام حسین علیه السلام
۸۰	توسل به خاک کربلاء
۸۰	توسل به معصومین علیهم السلام
۸۱	توسل به پیامبر و قبر امام حسین علیه السلام
۸۲	خواسته های روز عاشورا
۸۴	توسل به امام حسین علیه السلام
۸۵	رابطه با دنیا و آخرت
۸۵	فقیر و غنی
۸۵	بیچاره و بدبخت واقعی
۸۵	بدترین بنده و بهترین خدا
۸۶	بی حیایی!
۸۶	توسل به امام حسین علیه السلام
۸۶	دعای عمومی
۸۶	دعای امام برای شیعیان (۱۱۱)

۸۶	دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه مبارک رمضان(۱۱۲)
۸۹	اقرار به گناهان(۱۱۳)
۸۹	معصیت و انواع آن
۸۹	امام زمان علیه السلام و سلام بر حضرت امیر علیه السلام(۱۱۷)
۹۰	عظمت امام(۱۱۹)
۹۰	معجزات امام زمان علیه السلام
۹۰	وظایف شیعیان و کسب حلال(۱۲۱)
۹۰	امام و یاری یاران(۱۲۳)
۹۰	دیدار با امام زمان علیه السلام
۹۰	منم مهدی(۱۲۶)
۹۰	مدت واقعی غیبت
۹۱	غضب زمین مسجد جمکران(۱۲۹)
۹۱	جمکران، مکانی جدا شده و استثنایی
۹۱	امام و تشویق به عبادت در مسجد جمکران
۹۱	روش خواندن نماز تحیت مسجد
۹۱	روش خواندن نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران
۹۲	ملحقات
۹۲	امام زمان علیه السلام در روزهای اول ظهور
۹۲	امام زمان علیه السلام و یاری خواستن از مردم(۱۳۱)
۹۲	من عصاره تمام پیامبرانم
۹۲	نزدیک ترین به قرآن
۹۲	نزدیک ترین به سنت
۹۳	به حرمت خدا و رسول او و خودم
۹۳	من محمّد و علیم!(۱۳۳)
۹۳	من حسن و حسینم!
۹۳	من ائمه بعد از حسینم!

۹۳ ما وعده قرآن هستيم (۱۳۴)
۹۴ دستور العمل كلي (۱۳۶)
۹۴ دليل غيبت (۱۳۷)
۹۴ فهرست منابع و مأخذ
۹۶ پي نوشت ها
۹۶ ۵۴ تا ۱
۱۰۹ ۹۶ تا ۵۵
۱۲۰ ۱۳۸ تا ۹۷
۱۲۵ درباره مركز

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - عنوان و نام پدیدآور: کلمات قصار امام زمان علیه السلام/ مولف محمد تقی اکبرنژاد. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۱۴۳ ص. شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۸۹-۹: وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری. یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۲] - ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- کلمات قصار شناسه افزوده: اکبرنژاد، محمدتقی شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۵۱/۲/الف ۷ ک ۸ ۷۸۳۱ رده بندی دیویی: ۰۶۶۸۲۱ شماره کتابشناسی ملی: ۰۶۶۸۲۱

مقدمه ناشر

استقبال مردم به خصوص جوانان متدین و غیور کشور اسلامی ایران از معارف اهل بیت علیهم السلام به ویژه معارف مهدوی علیه السلام ما را بر آن داشت که اثر پیش روی شما عزیزان، را که برگرفته از کلام حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام است و با تلاش و تحقیق برادر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین اکبرنژاد جمع آوری شده به زیور طبع آراسته گردد.

امید است مورد تأیید حضرت حقّ و عنایت حضرت صاحب الزمان حجت بن الحسن عسکری علیهما السلام قرار گیرد. ان شاء الله.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مقدمه مؤلف

سلام بر مهدی یگانه منجی عالم بشریت بعد از اتمام کتاب موسوعه توقیعات الامام المهدی، بلافاصله درخواست ترجمه آن برای استفاده هموطنان فارسی زبان داده شد. با اشتیاق از این درخواست استقبال کردم و با تمام توان شروع به ترجمه کتاب نامبرده نمودم. تا شاید بتوانم خدمتی به عرصه فرهنگی و مذهبی جامعه اسلامی کرده باشم.

همزمان با شروع ترجمه کتاب موسوعه توقیعات الامام المهدی تصمیم گرفتم که گلچینی کامل از سخنان قصار و ماندگار آن امام همام را خدمت دوستان عرضه کنم. از آنجا که کلمات قصار امام زمان علیه السلام جمع آوری نشده بود و تنها به بیان چهل حدیث از بیانات ایشان اکتفا شده بود، مصمم شدم تا این کار را به صورت جامع به انجام برسانم. از این رو همزمان با ترجمه موسوعه که کامل ترین مجموعه سخنان امام زمان علیه السلام است، اقدام به انتخاب و گزینش فرمایشات گهربار ایشان کردم. به همین دلیل نیز آن را براساس موضوع بندی و فهرست موسوعه توقیعات منظم کردم. در آغاز آدرس های روایات را به جهت اتکاء به منابع موسوعه نیاورده

بودم. دوستان گرانقدرم در انتشارات مسجد مقدس جمکران توصیه کردند تا آدرس ها و منابع کلمات قصار را بدان بیفزایم. از این پیشنهاد استقبال کرده و منابع را بدان افزودم.

مجموعه ای که پیش رویتان قرار دارد. بی شک کامل ترین مجموعه از کلمات قصار آن حضرت است. در این مجموعه بیشتر به مسائل عمومی و غیر تخصصی پرداخته شده است. به عنوان مثال از نقل مسائل فقهی اختلافی به شدت پرهیز شده است. زیرا این مسائل باید توسط اهل فن آن مورد بررسی های فقهی قرار گیرند.

نکته اول: روش آدرس دهی در کتاب حاضر

اکثریت قاطع منابع و مأخذ روایات مجموعه حاضر، از کتاب شریف بحارالانوار علامه مجلسی رحمه الله نقل شده است. و به همین مقدار بسنده نشده و علاوه بر این دو از منابع دیگری نیز آدرس داده شده است. از آنجا که کتاب های مختلف معمولاً با قدری اختلاف روایات را نقل کرده اند. به همین جهت معیار در نقل ما، تنها کتاب بحارالانوار می باشد.

نکته دوم

با توجه به این که برخی از نامه ها و فرمایشات امام زمان علیه السلام طولانی و حاوی کلمات قصار متعددی می باشند از این رو گاه چندین جمله از یکی از نامه های آن حضرت استفاده شده است.

به همین جهت نیاز به آدرس جدیدی نداشتند. لذا در اولین جمله، آدرس به طور کامل ذکر شده و در سایر جملاتی که از آن نامه استفاده شده است، آدرس نیامده است. بنابراین مادامی که آدرس جدیدی ذکر نشده باشد، بدان معناست که از همان مأخذ قبلی می باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی محمد تقی اکبرنژاد

۱۸/۶/۸۵ مصادف با نیمه شعبان

کلمات قصار

دعا برای در امان ماندن از فتنه ها (۱)

عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَوَهَبَ لَنَا وَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلَّبِ؛

خداوند ما و شما را از فتنه ها مصون دارد. به ما و شما روح یقین عنایت کند و همه ما را از بد عاقبتی، در پناه خود حفظ کند.

امام و غم شیعیان غَمْنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَأَنَّا وَسَأَوْنَا فِيكُمْ لَأَفِيئَا؛

این مسئله ما را ناراحت و آزرده کرد؛ البته نه به خاطر خودم بلکه به خاطر خود شما.

امام و بی نیازی از دیگران

أَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَىٰ غَيْرِهِ؛

خدا با ما است، به همین خاطر ما نیازی به غیر او نداریم.

امام و نترسیدن از تنهایی

الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا؛

حق با ماست، از این رو از روگردانی دیگران هراسی نداریم.

امام و تربیت بندگان

نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا؛

ما تربیت یافتگان خداییم و بقیه مخلوقات، تربیت یافتگان ما هستند.

امام و انتقاد از شیعیان

يَا هَؤُلَاءِ مَا لَكُمْ فِي الرَّيْبِ تَتَرَدَّدُونَ وَفِي الْحَيْرِه تَتَعَكِّسُونَ؟

آقایان! چه شده است که در تردید به سر می برید و در حیرت خود سرگردانید! (از شما بعید است).

امام و راز امامت

أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَىٰ أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

آیا توجه نکردید که خداوند از زمان آدم تاکنون مراکزی را قرار داد تا آن ها را قصد کنید و نشانه هایی را برایتان نصب کرد تا به واسطه آن ها هدایت شوید؟

امام و استمرار امامت

كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ؛

هرگاه نشانه ای گم شد، نشانه ای دیگر جایگزین آن می شود.

إِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛

هرگاه ستاره ای افول می کرد، ستاره ای دیگر طلوع می کند.

امامت و باطل شدن دین

فَلَمَّا قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ أَبْطَلَ دِينَهُ وَقَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ؛

متأسفانه زمانی که پدرم فوت کرد، گمان کردید که خداوند متعال دینش را باطل کرد و واسطه میان خود و خلقش را از میان برداشت!

امام و توصیف پدر

إِنَّ الْمَاضِيَ عَلَيْهِ السَّلَامَ مَضَى سَعِيداً فَقِيداً عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

پدرم با سعادت کامل درگذشت. او روش و سیره پدرانیش را قدم به قدم پیروی کرد.

امام و انتقال علوم

فِينَا وَصِيَّتُهُ وَعِلْمُهُ وَمَنْ هُوَ خَلْفُهُ وَمَنْ يَسُدُّ مَسَدَهُ؛

اکنون نیز وصیت و علم او نزد من است. من جانشین و جایگزین او هستم.

امام و عظمت امامت

لَوْلَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَسِرُّهُ لَا يُظْهَرُ وَلَا يُعْلَنُ لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبَهَّرُ مِنْهُ عُقُولُكُمْ وَيُزِيلُ شُكُوكَكُمْ؛

اگر چنین نبود که اراده خدا بر پوشیده ماندن فضایل ما مغلوب نمی شود و اسرارش فاش نمی گردد، عظمت ما آشکار می شد و عقل های شما را مبهوت خود می کرد و شک و تردیدهایتان را از بین می برد.

وظایف شیعیان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا؛

پس از خدا بترسید و تسلیم اوامر ما شده و مسائل را به ما واگذارید.

امام و وظایف امامت

فَعَالَيْنَا الْأَضْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْأِيْرَادُ؛

صدور و یا عدم صدور امر از و وظیفه ماست.

وظایف شیعیان و کنجاوی بی مورد

لَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ؛

در صدد کشف اموری که از شما پوشیده شده است، نباشید.

وظایف شیعیان و راست و چپ

لَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ؛

از صراط مستقیم به راست و چپ منحرف نشوید.

وظایف شیعیان و راه نزدیک شدن به امام

اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛

توجه تان را نسبت به ما براساس محبت و سنت های روشن شرعی قرار دهید.

امام و دلسوزی نسبت به شیعیان

لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلِ مِمَّا قَدْ إِمْتَحَنَّا؛

آری اگر محبت و علاقه و دلسوزی ما نسبت به شما نبود، از ارتباط و گفت و گوی با شما به امتحانات الهی مشغول می شدیم.

حضرت زهرا علیها السلام الگوی امام

فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أَسْوَأَ حَسَنَةٍ؛

دختر رسول خداصلی الله علیه و آله برای من الگوی مناسبی است. (۲)

نتیجه حماقت و جهالت

سَيُرَدِّي الْجَاهِلُ رِدَاءَ عَمَلِهِ؛

به زودی جاهل گمراه، لباس عملش را به تن خواهد کرد.

دعا برای عافیت از آفت ها

عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمَهَالِكِ وَالْأَسْوَاءِ وَالْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ كُلِّهَا بِرَحْمَتِهِ؛

خداوند همه ما و شما را به واسطه رحمتش از مهلکه ها، بدی ها و آفت ها دور کند.

بدترین زمان ها (۳)

فَإِنَّ الزَّمَانَ أَصْعَبُ مَا كَانَ؛

زمان ما سخت ترین زمان ها است.

امام و توصیف خدا (۴)

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ تَعَالَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ؛

ای محمد بن علی خداوند عزوجل فراتر از آن چیزی است که او را می ستایند. او را منزّه دانسته و ستایش می کنم.

امام و مبارزه با غلو

لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُ فِي عِلْمِهِ وَلَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ؛

ما شرکای او در علم و قدرتش نیستیم. بلکه کسی غیر از او از علم غیب خبر ندارد. (۵)

أَنَا وَجَمِيعِ آبَائِي مِنَ الْأَوَّلِينَ آدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَغَيْرُهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَمِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ وَعَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَغَيْرُهُمْ مِمَّنْ مَضَى مِنَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى مَبْلَغِ أَيَّامِي وَمُنْتَهَى عَصْرِ عِبَادِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

و من و تمام پدرانم از اولین که عبارتند از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر ایشان از پیامبران و از آخرین که محمد فرستاده خدا و علی بن ابی طالب و حسن و حسین و غیر ایشان از ائمه گذشته صلوات الله عليهم اجمعین تا روزگار من و پایان دوره من، همه و همه بندگان خداوند عزوجل می باشیم.

شیعه موذی

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (۶) قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَحَمَقَاؤُهُمْ وَمَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبُعُوضِهِ أَرْجَحُ مِنْهُ؛

ای محمد بن علی! جاهلان و بی خردان از شیعیان، ما را اذیت می کنند و همین طور کسانی که بال مگس بر دین آنان رجحان دارد. (۷)

امام و شهادت به عقاید حقه

أَشْهَدُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَكَفَى بِهِ شَهِيداً وَمُحَمَّدًا رَسُولَهُ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ؛

شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست و برای شهادت بر اعمال کافی است. شهادت می دهم بر محمد که فرستاده اوست و ملائکه و انبیاء و اولیایش.

امام و بیزاری از غالیان

أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ كُلَّ مَنْ سَمِعَ كِتَابِي هَذَا أَنِّي بَرِيٌّ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ يَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ أَوْ نُشَارِكُ اللَّهَ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُحِلُّنَا مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ لَنَا وَخَلَقَنَا لَهُ؛

تو را و همه آن ها که از نوشته من باخبر خواهند شد، شاهد می گیرم که من بیزارم از تمام کسانی که مدعی اند ما علم غیب می دانیم (۸) یا در ملک خدا با او شریک هستیم و یا برای ما جایگاهی غیر از شأنی که خداوند برایمان عنایت کرده است و ما را برای آن خلق نموده، در نظر بگیرد.

فَكُلُّ مَنْ فِيهِمْ كِتَابِي وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَى مَا قَدْ أَمَرْتُهُ وَنَهَيْتُهُ فَلَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَمِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ؛

بنابراین هر کسی که از نوشته من باخبر شود و به آنچه که امر کردم و از آنچه که نهی نمودم، باز نگردد، پس لعنت خدا و بندگان صالحی که از آن ها نام بردم (۹) بر او حلال خواهد شد.

امام و پناه بردن به خدا از گمراهی (۱۰)

أَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعُمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَمِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى وَمِنَ مُوبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَمُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ؛

من از کوری بعد از بینایی و گمراهی بعد از هدایت و از اعمال و فتنه های هلاک کننده به خدا پناه می برم.

انتقاد از شیعیان و بی توجهی به روایات

كَيْفَ يَسَاقُطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَيَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْرَةِ وَيَأْخُذُونَ يَمِينًا وَشِمَالًا فَارْقُوا دِينَهُمْ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَالْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَسَّوْا؛

بنگر که چگونه در فتنه ها سقوط می کنند و در تحیر و سرگردانی می گردند. به راست و چپ می روند و از دینشان فاصله می گیرند. آیا آن ها در مورد حق دچار تردید شده اند؟ یا عناد می ورزند؟ یا این که از روایات راست و خبرهای صحیحی که به آن ها رسیده است، بی خبرند؟ یا این که آن ها را می دانند اما از یاد برده اند؟

امام و ضرورت امامت

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ إِمَّا ظَاهِرًا وَإِمَّا مَغْمُورًا؛

آیا نمی دانند که خدا زمین را خالی از حجت نمی کند؛ حجتی که یا ظاهر است یا پنهان و در پرده.

امام و توصیف پدر

أَفْضَى الْأَمْرِ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْمَاضِي يَعْنِي الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ صِلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَامَ مَقَامَ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ

وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ؛

تا این که دوره امام قبلی یعنی حسن بن علی علیه السلام تمام شد، او جای پدرش نشست و به راه حق و راست هدایت کرد.

كَانَ نُورًا سَاطِعًا وَقَمَرًا زَهْرًا؛

نور درخشان و ماه تابانی بود.

اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ؛

خداوند او را برای علم خودش انتخاب کرده بود.

فَمَضَى عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ عَلَى عَهْدِ عَهْدِهِ وَوَصِيَّتِهِ أَوْصَى بِهَا إِلَى وَصِيِّ؛

او با روش پدرانش زندگی کرد؛ قدم به قدم بر عهد و پیمان و وصیتی که هر وصی بعد از خودش کرد، عمل نمود.

امام و توصیف امام

وَصِيٌّ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايِهِ وَأَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيَّتِهِ لِلْقَضَاءِ السَّابِقِ وَالْقَدْرِ النَّافِدِ وَفِينَا مَوْضِعُهُ وَلَنَا فَضْلُهُ؛

جانشینی که خدا او را تا مدتی پنهان کرده بود و مکانش را مخفی داشته است. البته همه این ها با قضای حتمی قبلی او و قدر جاری او صورت گرفت. (۱۱) محل استقرار جانشینی و فضایل آن در ما است.

امام و عظمت امامت

لَوْ قَدْ أَذِنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ وَأَزَالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَزَى بِهِ مِنْ حُكْمِهِ لَأَرَاهُمْ الْحَقَّ ظَاهِرًا بِأَحْسَنِ حَلِيٍّ وَأَبْيَنِ دَلَالَةٍ وَأَوْضَحِ عِلْمٍ وَعَلَامَةٍ وَالْأَبَانَ عَنْ نَفْسِهِ وَقَامَ بِحُجَّتِهِ؛

اگر خداوند به چیزی که از آن منع کرده است (۱۲) اجازه می داد و آنچه را که از حکم حکیمانه اش جاری کرده است، برمی داشت، حق را آشکارا و با آراستگی تمام و ادله روشن و نشانه های واضح ظاهر می کردم. آن وقت آن حجت پنهان از خودش پرده برمی داشت و ادله خود را بیان می کرد.

اراده خدا

لَكِنَّ أَقْدَارَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالِبُ وَإِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَتَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ؛

لکن آنچه که قدرت خدا است مغلوب نمی شود و اراده او بر نمی گردد و کسی نمی تواند از توفیقش سبقت بگیرد.

وظایف شیعیان در بازگشت به امام

فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ أَتْبَاعَ الْهَوَىٰ وَلْيُقِيمُوا عَلَىٰ أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ؛

آن ها باید از هوس های نفس خود تبعیت نکنند و به اصل خودشان که بر آن بوده اند بازگردند. (۱۳)

وظایف شیعیان و تجسس ممنوع

لَا يَبْحَثُوا عَمَّا سَتَرَ عَنْهُمْ فَيَأْتُوا؛

آنچه را که خداوند پوشانیده است، جست و جو نکنند؛ زیرا در این صورت به معصیت می افتند.

لَا يَكْشِفُوا سِتْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيُنْدَمُوا؛

ستر خدا را بر ندارند؛ زیرا پشیمان می شوند. (۱۴)

امامت و معدن حقیقت

لِيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُّفْتَرٍ وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ؛

شیعیان باید بدانند که حق با ما و در میان ماست. کسی غیر از ما آن را بیان نمی کند، مگر دروغگوی افترا زننده (۱۵) و کسی غیر از ما مدعی آن نمی شود مگر گمراه سرگردان.

وظایف شیعیان و ممنوعیت تجسس

فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَىٰ هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ التَّفْسِيرِ وَيَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّعْرِيفِ دُونَ التَّصْرِيحِ؛

بنابراین بیش از آنچه را که در باب امامت گفتیم، نخواهید. و به اشاره کردن من قناعت کنید. و انتظار تصریح و توضیح نداشته باشید.

امام و دفاع از حقوق شخصی (۱۶)

يَا جَعْفَرُ مَا لَكَ تَعَرَّضَ فِي حُقُوقِي فَتَحَيَّرَ جَعْفَرُ؛

ای جعفر آیا به ارثیه (۱۷) من دست دراز می کنی؟

جعفر از این حرف متحیر و مبهوت شد.

يَا جَعْفَرُ دَارُكَ هِيَ ثُمَّ غَابَ؛

زمانی که جده امام زمان و همسر (۱۸) امام علی النقی علیه السلام وصیت کرد که او را در خانه خودش دفن کنند، جعفر اجازه

دفن نمی داد و می گفت که خانه به من رسیده است و اجازه دفن کسی را نمی دهم. امام علیه السلام دوباره از نقطه نامعلومی پیدا شد و فرمود: «جعفر اینجا خانه توست؟» و ناپدید شد.

دقت امام در مطالعه نامه ها (۱۹)

أَحَاطْتُ مَعْرِفَتِي بِجَمِيعِ مَا تَضَمَّنَهُ عَلَى اخْتِلَافِ أَلْفَاظِهِ وَتَكَرُّرِ الْخَطَاءِ فِيهِ؛

متوجه تمام مطالب آن و تناقض گویی هایی که در نامه جعفر بود و خطاهای تکراری آن، شدم.

اراده خدا درباره حق و باطل

أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقًا؛

خداوند اراده کرده است که حق را تمام کند و باطل را از بین ببرد.

إِنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِصَاحِبِ الْكِتَابِ عَلَى الْمَكْتُوبِ إِلَيْهِ وَلَا عَلَيْكَ وَلَا عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ إِمَامَةً مُفْتَرَضَةً وَلَا طَاعَةً وَلَا ذِمَّةً؛

بی شک خداوند امامت و اطاعت نویسنده نامه (۲۰) را نه بر مخاطب آن و نه بر تو و نه بر احدی از مخلوقاتش واجب نساخته است.

راز بعثت و امامت در اراده الهی

يَا هَذَا يَرْحَمُكَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدًى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا
وَأَلْبَابًا ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتَيْهِ وَيَعْرِفُونَهُمْ مَا جَهَلُوهُ مِنْ أَمْرِ
خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيْنَهُمْ وَيَبَيِّنُ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ وَمَا
آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَالْبُرَاهِينِ الْبَاهِرَةِ وَالْآيَاتِ الْعَالِيَةِ؛

ای احمد - که خدا تو را مورد رحمت خویش قرار دهد - بی تردید خداوند متعال مخلوقش را بی دلیل نیافریده است و آن ها را سر خود رها نکرده است. بلکه آن ها را با قدرت خویش آفریده و آن ها را مجهز به اسبابی چون گوش و چشم و روح (۲۱) و عقل کرده است. بعد از آن، پیامبرانی را جهت بشارت دادن و ترساندن ایشان برانگیخت تا آن ها را به اطاعت او امر کرده و از معصیتش نهی کنند. آن دسته از اوامر الهی و دینی را که با عقل هایشان درک نمی کردند، به ایشان بیاموزند. کتاب هایی را بر ایشان نازل کرد و ملائکه ای را میان خود و ایشان مأمور ساخت. زیرا ایشان را بر دیگران فضیلت داده بود و آن ها را به دلیل های

روشن و نشانه های غالب مجهز کرده بود.

امام و بیان سیر نبوت

مِنْهُمْ مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاتَّخَذَهُ خَلِيلًا؛

یکی از آن ها کسی بود که آتش را برای او خنک و دلنشین ساخت و او را به دوستی خود انتخاب نمود.

مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَجَعَلَ عَصَاهُ تُعْبَانًا مُبِينًا؛

دیگری نیز کسی بود که به وفور با او سخن گفت و عصایش را ازدهای آشکاری قرار داد.

مِنْهُمْ مَنْ أَحْيَا الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ؛

برخی نیز با اذن و اجازه خدا مردگان را زنده می کرد و کور مادرزاد و افراد مبتلا به پستی را شفا می داد.

مِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛

به برخی نیز سخن گفتن با پرندگان را آموخت و از تمام امور او را بهر مند ساخت. (۲۲)

بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَتَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ وَخَتَمَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً؛

در نهایت نیز محمدصلی الله علیه و آله را برای مورد رحمت قرار دادن عالمیان برانگیخت. نعمتش را با بعثت او تمام کرد و نبوتش را با او خاتمه داد و او را به سوی تمامی انسان ها فرستاد.

قَبَضَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَمِيدًا فَقِيدًا سَعِيدًا؛

بعد از انجام رسالت از دار دنیا رفت. در حالی که ستوده و سعادتمند بود.

امام و بیان سیر امامت

جَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَىٰ أَخِيهِ وَإِنِّ عَمَّهُ وَوَصِيَّهُ وَوَارِثَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَىٰ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا وَاحِدًا؛

بعد از خودش، امر خلافت را به برادر (۲۳) و پسر عمویش و وصی و وارثش علی بن ابی طالب علیه السلام و اگذار کرد. بعد از او نیز به فرزندان، یکی بعد از دیگری منتقل ساخت.

حکمت نصب امامان معصوم علیهم السلام

أَحْيَا بِهِمْ دِينَهُ وَأَتَمَّ بِهِمْ نُورَهُ؛

دینش را با وجود آن ها زنده نگه داشت و نور هدایتش را با آن ها به اتمام رساند.

چرا خداوند ائمه را با استعدادهای فوق العاده بیشتری آفرید؟

جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَبَيْنَ عَمَمِهِمْ وَالْمَادِنِينَ فَالْمَادِنِينَ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فُقَانًا بَيْنًا يُعْرِفُ بِهِ الْحُجَّةَ مِنَ الْمَحْجُوجِ وَالْإِمَامَ مِنَ الْمَيَامُومِ بِأَنْ عَصَى مَهْمُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاهِمُ مِنَ الْعِيُوبِ وَطَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَنَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ وَجَعَلَهُمْ خُرَّانَ عِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَأَيْدَهُمْ بِالْأَدْلَالِ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ وَلَا دَعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ وَلَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا الْعَالِمُ مِنَ الْجَاهِلِ؛

میان آن ها و برادران و پسر عموهایشان و تمام نزدیکانشان تفاوت فاحشی قرار داد تا حجت الهی از غیر حجت و امام از مأوم شناخته شود و مشتبه نشود. به این صورت که آن ها را از گناهان مصونیت بخشید و از عیب ها پیراسته ساخت و از پلیدی ها دور کرد و از اشتباهات پاک نمود و آن ها را گنجینه علم و امانت دار حکمت و محل استقرار سرش قرار داد و آن ها را با ادله مختلف یاری کرد. و اگر این تفاوت ها نبود، همه مردم یکسان می شدند و هر کسی مدعی وصیت الهی می شد و حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی شد.

امام و جعفر کذاب

قَدْ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلَا أُدْرِي بِأَيِّهِ حَالَهُ هِيَ لَهُ رَجَاءٌ أَنْ يُتِمَّ دَعْوَاهُ؛

این مرد فاسد که به خداوند افتراهای دروغین می بندد، مدعی امامت شده است و من نمی دانم که به خاطر کدامین فضیلت امید به چنین مقامی دوخته است!؟

أَبْفَقِهِ فِي دِينِ اللَّهِ فَوَ اللَّهُ مَا يَعْرِفُ حَلَالًا مِنْ حَرَامٍ وَلَا يَفْرُقُ بَيْنَ خَطَاءٍ وَصَوَابٍ؛

آیا فقیه دین شناس است؟ به خدا قسم که او حلال را از حرام تشخیص نمی دهد و خطا را از درست جدا نمی کند.

أَمْ يَعْلَمُ فَمَا يَعْلَمُ حَقًّا مِنْ بَاطِلٍ

وَلَا مُحْكَمًا مِنْ مُتَشَابِهٍ وَلَا يَعْرِفُ حَدَّ الصَّلَاةِ وَوَقْتَهَا؛

آیا به علم خود امیدوار شده است؟ در حالی که حق را از باطل تشخیص نمی دهد و محکم را از متشابه نمی شناسد؛ حتی او احکام نماز و اوقات آن را نمی داند!

أَمْ بَوْرَعٍ فَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى تَرْكِهِ الصَّلَاةِ الْفَرَضِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَزْعُمُ ذَلِكَ لَطَبِ الشَّعْوَذَةِ وَلَعَلَّ خَيْرَهُ قَدْ تَأْدَى إِلَيْكُمْ وَهَاتِيكَ ظُرُوفُ مُشْكِرِهِ مَنْصُوبَةٌ وَأَثَارُ عِضْيَانِهِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَشْهُورَةٌ قَائِمَةٌ؛

آیا زهد و ورعش امید امامت را در دل او کاشته است؟ خدا شاهد است که او چهل روز نماز را ترک کرد تا شعبده بازی را یاد بگیرد. شاید به این زودی ها خبر آن به شما نیز برسد. (۲۴) ظرف های شرابش در کنار هم چیده شده اند و آثار معصیت پروردگارش شناخته شده و برپاست.

أَمْ بِآيَةٍ فَلَيَاتِ بِهَا أَمْ بِحُجَّةٍ فَلَيَقِيمُهَا أَمْ بِدَلَالَةٍ فَلَيَذُكُرُهَا؛

آیا نشانه ای بر امامتش دارد؟ پس بیاورد! آیا دلیل بر امامتش دارد؟ پس، اقامه کند! آیا آیه و روایتی بر امامت او دلالت می کند؟ اگر چنین است، آن را ذکر کند.

فَالْتَمِسْ تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لِمَكَ وَامْتَحِنُهُ وَسَلِّهُ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرُهَا أَوْ صِلَاهِ فَرِيضَةٍ يُبَيِّنُ حُدُودَهَا وَمَا يَجِبُ فِيهَا لِتَعْلَمَ حَالَهُ وَمِقْدَارَهُ وَيُظْهِرَ لَكَ عَوَارِئَهُ وَنُقْصَانَهُ؛

خداوند توفیق دهد! از این ظالم درخواست کن و او را امتحان کن و از او درباره آیه ای سؤال کن تا آن را برای تو تفسیر کند. یا از نماز بپرس تا احکام و واجبات آن را برایت توضیح دهد. تا از حال و روز او و شأن و منزلتش برایت روشن شود و ایرادات و نواقصش برایت آشکار گردد.

آراه خدا در حفظ حق

حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ

وَأَقْرَهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ؛

خداوند حق را برای اهلش حفظ خواهد کرد و آن را در محل خودش استقرار خواهد داد.

امام شدن دو برادر!

قَدْ أَبِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَكُونَ الْإِمَامَهُ فِي أَخَوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

خداوند نمی خواهد که امامت بعد از حسن و حسین در دو برادر جمع شود. (۲۵)

عظمت امام

وَإِذَا أَدَّنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَانْحَسَرَ عَنْكُمْ؛

زمانی که خدا به ما اجازه سخن گفتن دهد، حق آشکار می شود و باطل از بین می رود و از تسلط بر شما فرو می ماند. (۲۶)

امام و توکل بر خدا

إِلَى اللَّهِ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَجَمِيلِ الصُّنْعِ وَالْوَلَايَةِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛

کفایت و رفتار نیکو و ولایت را از خدا می خواهم و او ما را کفایت می کند و چه وکیل خوبی است!

هدیه ای که امام رد کرد! (۲۷)

أَيُّجُوزُ أَنْ أُمَّدَّ يَدًا طَاهِرَةً إِلَى هَدَايَا نَجْسِهِ وَأَمْوَالٍ رَجَسِهِ قَدْ شِيبَ أَحْلَاهَا بِأَحْرَمِهَا؛

آیا جایز است که دستان پاکم را به سوی هدایای نجس و آلوده دراز کنم؟! هدایایی که حلال و حرام آن با هم مخلوط شده اند.

امام و تفسیر ام المؤمنین بودن زنان پیامبر و حق طلاق برای حضرت امیر علیه السلام (۲۸)

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَظَّمَ شَأْنَ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَصَّهِنَّ بِشَرَفِ الْأُمَّهَاتِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ هَذَا الشَّرْفَ بَاقٍ لَهُنَّ مَا دُمْنَ لِلَّهِ عَلَى الطَّاعَةِ فَأَيُّتِهِنَّ عَصَتِ اللَّهُ بِعَدِي بِالْخُرُوجِ عَلَيْكَ فَأَطْلِقِي لَهَا فِي الْأَزْوَاجِ وَأَشِيقْطَهَا مِنْ شَرَفِ أُمَمِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛

خداوند متعال به زنان پیامبر شرافت داد و آن ها را به مادر مؤمنین بودن مخصوص کرد. رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز به حضرت امیر فرمودند: ای علی! شرافت ام المؤمنین بودن مادامی است که این ها معصیت خدا را نکنند. هر کدام از آن ها که عصیان کرد و بر تو شورید، او را طلاق بده و او را از شرافت ام المؤمنین بودن ساقط کن.

اگر خدا ذلیل کند...

مَنْ أَخْزَاهُ فَقَدْ أَبْعَدَهُ وَمَنْ أَبْعَدَهُ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقْرِبَهُ؛

اگر خداوند قصد خوار کردن کسی را داشته باشد، او را از رحمت خود دور می کند. و هر که خدا او را دور کرد کسی حق ندارد به او نزدیک شود.

امام و معنای فاخلع نعلیک

إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَى رَبَّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ أَخْلَصْتُ لَكَ الْمَحَبَّةَ مِنِّي وَعَسَيْتُ قَلْبِي عَمَّنْ سِوَاكَ وَكَانَ شَدِيدَ الْحُبِّ لِأَهْلِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ أَيِ انزِعْ حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَةً وَقَلْبُكَ مِنَ الْمَيْلِ إِلَى مَنْ سِوَايَ مَعْشُورًا؛

زمانی که موسی علیه السلام با خدا در وادی مقدس مناجات می کرد. عرض کرد: خدایا بی تردید من تمام محبتم را برای تو خالص کردم و دلم را از محبت غیر تو شستم. این در حالی بود که او علاقه شدیدی به همسر و فرزندان داشت. از این رو خدا فرمود: کفش هایت را در بیاور؛ یعنی اگر محبتت را برای من خالص کرده ای و دلت را از غیر من شسته ای در این صورت محبت خانواده ات را به کلی از دلت خارج کن. (۲۹)

نام حسین و اشک روان بر گونه های زکریا!

أَنَّ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَسْمَاءَ الْخَمْسَةِ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكَرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ سُرِيَ عَنْهُ هُمُهُ وَانْجَلَى كَرْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ خَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهِرَةُ فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدَمَّعَ عَيْنِي وَتَوَوَّرْتُ زَفَرْتِي فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ؛

زکریا علیه السلام از خدا خواست تا اسماهای خمس را به او بیاموزد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و آن ها را به او آموخت. زکریا هرگاه که نام های محمد، علی، فاطمه و حسن را می برد، تمام غم و اندوهش از بین می رفت و گرفتاری اش برطرف می شد، اما هرگاه که نام حسین را می آورد، بی اختیار اشک می ریخت و غم و اندوه دلش را فرا می گرفت. روزی به

خدا عرض کرد: الهی چرا هرگاه نام چهار تن اول را می برم، دلم آرام می شود، اما هرگاه نام حسین را بر زبان جاری می کنم اشکم جاری می شود و طوفانی از غم و اندوه مرا فرا می گیرد؟ پس خدا نیز او را از داستان حسین علیه السلام باخبر ساخت.

امام و تفسیر کهیعص

کهیعص فَالْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَالْهَاءُ هَلَاكُ الْعِثْرَةِ وَالْيَاءُ يَزِيدُ وَهُوَ ظَالِمٌ الْحُسَيْنِ وَالْعَيْنُ عَطَشُهُ وَالصَّادُ صَبْرُهُ؛

کهیعص: «کا» کربلاء، «ها» کشته شدن، عترت پیامبر، «یا» یزید است که به حسین ظلم کرد. «عین» عطش و «صاد» صبر حسین است.

حضرت یحیی علیه السلام تجسمی از امام حسین علیه السلام

فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَمَنْعَ فِيهَا النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَأَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَكَأَنَّتْ نُدْبَتُهُ إِلَهِي أَتَفَجِّعُ خَيْرَ خَلْقِكَ بَوْلِدِهِ أَتُنزِلُ بِلَوَى هَيْدِهِ الرَّزِيَّةَ بِفِنَائِهِ إِلَهِي أَتَلْبَسُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ ثِيَابَ هَيْدِهِ الْمُصْطَبَةِ إِلَهِي أَتَحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْفَجِيعَةِ بِسَاحَتِهِمَا ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي ارْزُقْنِي وَلَدًا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ وَاجْعَلْهُ وَاِرثًا وَصِيًّا وَاجْعَلْ مَحَلَّهُ مَحَلَّ الْحُسَيْنِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَافْتِنِّي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بَوْلِدِهِ فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَجَّعَهُ بِهِ؛

زمانی که زکریا علیه السلام از سر مسئله باخبر شد، سه روز پی در پی از محل نمازش جدا نشد و اجازه نداد کسی نزد او بیاید. مدام گریه می کرد و فریاد می کشید و می گفت: الهی آیا بهترین بندگانت را به مصیبت فرزندش گرفتار خواهی کرد؟! آیا چنین بلایی را بر او نازل خواهی کرد؟! الهی آیا لباس این مصیبت را به تن علی و فاطمه خواهی کرد؟! الهی آیا آن ها را گرفتار این فاجعه خواهی نمود؟! سپس پیوسته عرض می کرد: خدایا در این سن پیری فرزندی به من عطا کن و او را وارث و وصی من قرار بده و او را مانند حسین کن. زمانی که او را به من عنایت کردی، محبت او را در دل و جان من بینداز و آن گاه مرا به مصیبت او گرفتار کن، همان طور که محمد را که دوست

توست به مصیبت فرزندش مبتلا- خواهی ساخت. خداوند نیز دعایش را مستجاب کرد و یحیی را به او عنایت کرد و آن گاه پدرش را به مصیبت او گرفتار کرد.

یکی از شباهت های امام حسین و حضرت یحیی

كَانَ حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَحَمْلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ؛

همان طور که یحیی شش ماه زاده شد، حسین نیز شش ماهه زاده شد. (۳۰)

انتخاب امام؛ مردم یا خدا؟

هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَفْعَ خَيْرَتُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ بِمَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فَسَادٍ

قُلْتُ: بَلَى قَالَ: فَهِيَ الْعِلَّةُ؛

آیا ممکن است که انتخاب مردم اشتباه از آب دربیاید و شخص فاسدی را انتخاب کنند؟ زیرا آن ها از اعماق دل همدیگر خیر ندارند.

عرض کردم: بله ممکن است.

فرمود: علت همان است.

اشتباه موسی علیه السلام در انتخاب صالحان امت

مُوسَى كَلِمَةُ اللَّهِ مَعَ وَفُورِ عَقْلِهِ وَكَمَالِ عِلْمِهِ وَنُزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِ اخْتِيَارَ مَنْ أَعْيَانِ قَوْمِهِ وَوُجُوهِ عَسَاكِرِهِ لِمِيقَاتِ رَبِّهِ سَبْعِينَ رَجُلًا مِمَّنْ لَا يَشْكُ فِي إِيْمَانِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ فَوَقَعَتْ خَيْرَتُهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ؛

حضرت موسی که با خدا سخن می گفت، با آن همه عقل و علم و نزول وحی بر او، بهترین های قومش را که هفتاد تن بودند، برای میقات پروردگارش انتخاب کرد. آن ها کسانی بودند که موسی علیه السلام در ایمانشان و اخلاصشان شک نداشت. اما تمام آن ها منافق از آب در آمدند.

حق اختیار با کیست؟

أَنْ لَا اخْتِيَارَ إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُكِنُّ الصَّمَائِرُ وَيَتَصَرَّفُ عَلَيْهِ السَّرَائِرُ؛

حق انتخاب تنها برای کسی است که از زوایای مخفی قلب ها آگاه باشد و سراپرده پنهان افراد برای او آشکار باشد.

چرا مهاجرین و انصار حق انتخاب نداشتند؟

أَنْ لَا خَطَرَ لِاخْتِيَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ بَعْدَ وُقُوعِ خَيْرِهِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى ذَوِي الْفَسَادِ لَمَّا أَرَادُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ؛

انتخاب مهاجرین و انصار ارزش نخواهد داشت؛ زیرا ما دیدیم که انبیاء زمانی که قصد انتخاب مصلحین را دارند، مفسدین را انتخاب می کنند!

دلیل مسلمان شدن ابوبکر و عثمان

أَسِيْلَمَا طَمَعًا لَأَنْتَهُمَا كَانَا يُجَالِسَانِ الْيَهُودَ وَيَسِيْءَتَخْبِرَانِهِمْ عَمَّا كَانُوا يَجِدُوْنَ فِي التَّوْرَةِ وَسَائِرِ الْكُتُبِ الْمُتَقَدِّمَةِ النَّاطِقَةَ بِالْمَلَاْحِمِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ مِنْ قِصَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنْ عَوَاقِبِ أَمْرِهِ فَكَانَتِ الْيَهُودُ تَذَكُرُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَلِّطُ عَلَى الْعَرَبِ كَمَا كَانَ بُوْحْتُ نَصْرُ سُلَيْطَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا يُدِّدُ لَهُ مِنَ الظَّفَرِ بِالْعَرَبِ كَمَا ظَفَرَ بُوْحْتُ نَصْرُ بَنِي إِسْرَائِيلَ غَيْرَ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِي دَعْوَاهُ فَآتَيْتَا مُحَمَّدًا فَسَاعَدَاهُ عَلَى [قَوْلِ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَبِأَيْعَاهُ طَمَعًا فِي أَنْ يَنَالَ كُلُّ مَنْهُمَا مِنْ جِهَتِهِ وَلا يَهَ بَلَدٍ إِذَا اسْتَقَامَتْ أُمُورُهُ وَاسْتَبْتَبَتْ أَحْوَالُهُ؛

آن ها از روی طمع ایمان آورده بودند؛ زیرا آنان با یهودیان نشست و برخاست داشتند. تا آن ها از تورات و سایر کتب گذشتگان درباره سرنوشت قیام محمدصلی الله علیه وآله خبر دهند. یهودیان به آن ها گفته بودند که محمدصلی الله علیه وآله قطعاً بر تمام عرب مسلط می شود همان طور که بخت النصر(۳۱) بر تمام بنی اسرائیل مسلط شده بود. تنها تفاوتشان در آن است که بخت النصر در ادعای خود دروغگو بود، اما محمدصلی الله علیه وآله صادق خواهد بود.

به همین جهت آن دو نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمدند و او را با شهادت بر یگانگی خدا یاری کردند و به خاطر طمع در این که بعد از پیروزی بر عرب آن ها را بر شهر و دیاری حکمفرما خواهد کرد، با او

بیعت کردند.

طراحی توطئه قتل پیامبر!

فَلَمَّا أَيَسَا مِنْ ذَلِكَ تَلَثَّمَا وَصَعِدَا الْعَقَبَةَ مَعَ أُمَّتَيْهِمَا مِنَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى أَنْ يَقْتُلُوهُ فَدَفَعَ اللَّهُ كَيْدَهُمْ وَرَدَّهُمْ بَعْضُهُمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا؛
زمانی که دیدند پیامبر آن ها را فرمانروا نکرد، صورت خود را با چند نفر دیگر پوشانیدند و از گردنه بالا رفتند تا او را به قتل برسانند. اما خداوند حيله آن ها را برهم زد و آن ها را با عصبانیت تمام برگرداند.

دلیل بیعت طلحه و زبیر

أَتَى طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَايَعَاهُ وَطَمَعَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَنْ يَنَالَ مِنْ جِهَتِهِ وَلا يَهَ بَلَدٍ فَلَمَّا أَيَسَا نَكَنَّا بَيْعَتَهُ وَخَرَجَا عَلَيْهِ؛
طلحه و زبیر با علی علیه السلام بیعت کردند؛ زیرا امیدوار بودند که هر کدام به فرمانروایی شهر و دیاری برسند. به همین خاطر زمانی که مایوس شدند، بیعتش را شکستند و بر علیه او شوریدند.

امام و سفرای او

امام و خبر مرگ عثمان بن سعید عمری رحمه الله اولین سفیر امام علیه السلام

کلمه ترجیع (۳۲)

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضَى بِقَضَائِهِ؛

ما از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت؛ زیرا تسلیم امر او هستیم و راضی به قضای او می باشیم.

امام و ستایش عثمان بن سعید عمری عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّهَ بِأَوْلِيَائِهِ وَمَوَالِيهِ؛

پدرت عثمان با سعادت زیست و با ستودگی درگذشت. خداوند او را رحمت کند و او را با اولیایش ائمه معصومین علیهم السلام ملحق کند.

لَمْ يَزَلْ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْهِمْ نَصَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَه عَثْرَتَهُ؛

او پیوسته در اطاعت اوامرشان می کوشید و در تقرب به خدا و ایشان شتاب می کرد. خداوند او را گشاده رو کند و گرفتاری هایش را برطرف سازد.

تعزیت امام عصر به محمد بن عثمان رحمه الله در ماتم پدرش

أَجْرَلِ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَأَحْسَنَ لَكَ الْعَزَاءَ؛

خداوند در این مصیبت به تو پاداش نیکو دهد و صبر تو را بیشتر کند.

رُزِئْتَ وَرُزِئْنَا وَأَوْحَشَكَ فِرَاقُهُ وَأَوْحَشَنَا؛

مصیبت او تو و ما را داغدار کرد. دوری او تو و ما را گرفتار تنهایی ساخت.

امام و ستایش محمد بن عثمان رحمه الله به عنوان دومین سفیر

أَنَّ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا مِثْلَكَ يَخْلُفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَيَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَيَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ؛

از جمله سعادت های او آن بود که خداوند فرزندی مانند تو را به او عنایت کرد تا راه او را ادامه دهد و جانشین او گردد و بر او رحمت فرستد!

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيكَ وَعِنْدَكَ؛

خدا را ستایش می کنم که ما را به سبب تو و آنچه که در وجود تو و نزد تو قرار داده است، آرامش بخشید.

أَعَانَكَ اللَّهُ وَفَوَّكَكَ وَعَضَّدَكَ وَوَفَّقَكَ وَكَانَ لَكَ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَرَاعِيًّا؛

خداوند تو را یاری کند و موفق گرداند و سرپرست و محافظ و نگهبان تو باشد. (۳۳)

تقدیر از محمد بن عثمان رحمه الله در نامه ای به محمد بن ابراهیم بن مهزیار رحمه الله (۳۴)

الْبَابُنْ وَقَاهُ اللَّهُ لَمْ يَزَلْ ثِقَتَنَا فِي حَيَاةِ الْأَبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ؛

خداوند پسر عثمان را حفظ کند. او حتی در زمان پدرش مورد اطمینان کامل ما بود. خداوند از او راضی باشد... و چهره اش را خوش رو کند.

يَجْرِي عِنْدَنَا مَجْرَاهُ وَيَسُدُّ مَسَدَهُ؛

محمد در نزد من مانند پدرش است و جانشین او می باشد.

امام علیه السلام و لزوم تبعیت از منصوبین ایشان

عَنْ أَمْرِنَا يَا أُمَّرُ الْبَائِسِ وَبِهِ يَعْمَلُ تَوَلَّاهُ اللَّهُ؛

فرزند او از طرف ما امر و نهی می کند و به او امر ما عمل می کند؛ زیرا خدا او را دوست دارد.

فَأَنْتَهِ إِلَيَّ قَوْلُهُ؛

بنابراین سخن او را با جان و دل بپذیر.

عَرَفَ مُعَامَلَتَنَا ذَلِكْ؛

متوجه جایگاه او در نزد ما باش!

مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْعَمْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ فَإِنَّهُ ثَقَتِي وَكِتَابُهُ كِتَابِي (۳۵)

در مورد محمد بن عثمان و پدرش سؤال کرده بودی، او مورد اطمینان من است و نامه هایی که او به شما می دهد، از سوی من است.

تقدیر امام عصر علیه السلام از حسین بن روح نوبختی سومین سفیر (۳۶)

نَعْرِفُهُ عَرَفَهُ اللَّهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَرِضْوَانَهُ وَأَسْعَدَهُ بِالتَّوْفِيقِ؛

حسین بن روح برای ما شناخته شده است. خداوند همه خیرات و بهشت را به او نصیب کند و بر توفیقاتش بیفزاید.

هُوَ ثَقَّتْنَا بِمَا هُوَ عَلَيْهِ؛

او در نیابت مورد اعتماد من است.

أَنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَالْمَحَلِّ الَّذِينَ يَسْرَانِهِ؛

او در نزد من به منزله دو نایب قبلی است.

زَادَ اللَّهُ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ؛

خداوند عنایاتش را نسبت به او بیشتر کند.

امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمد سمري رحمه الله

امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمد سمري رحمه الله

خبر مرگ (۳۷)

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٌ؛

ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر و پاداش برادرانت را که در مرگ تو سوگوار می شوند، زیاد کند. زیرا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد.

دستورات نهایی

فَأَجْمِعْ أَمْرَكَ؛

پس تمام حساب و کتاب هایت را جمع و جور کن.

لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ؛

برای نیابت بعد از خودت به کسی وصیت نکن.

خبر از وقوع غیبت کبری

فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى؛

غیبت کبری واقع شد و ظهور من تا زمانی که خدا اجازه دهد، به تأخیر افتاد.

زمان ظهور

ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا؛

اجازه خدا زمانی صادر می شود که زمانی طولانی بگذرد و قلب ها سنگی و سخت شوند و زمین پر از ظلم و ستم گردد.

مدعیان نیابت

سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ؛

به زودی برخی ادعای دیدار من را خواهند کرد.

أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ؛

آگاه باشید که اگر کسی قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار با من را داشته باشد، دروغگویی افترازننده است. (۳۸)

امام و مدعیان دروغین نیابت

امام و مدعیان دروغین نیابت

امام و لعن احمد بن هلال کرخی (۳۹)

قَدْ كَانَتْ أَشْيَاءُ خَرَجَتْ إِلَيْكُمْ عَلَى يَدَيِ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ وَغَيْرِهِ مِنْ نُظَرَائِهِ وَكَانَ مِنْ ارْتِدَادِهِمْ عَنِ الْإِسْلَامِ مِثْلُ مَا كَانَ مِنْ هَذَا

عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ؛

قبل از این نیز، نامه هایی به شما ارسال شده است که از سوی احمد بن هلال و غیر او از افرادی که مانند شلمغانی مرتد شده اند و مورد لعن و غضب خدا بوده اند، می باشد.

جواز عمل به روایاتی که مدعیان دروغین قبل از انحراف نقل کرده اند

أَلَا مَنْ اسْتَشْبَهَتْ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ فِي خُرُوجِ مَا خَرَجَ عَلَيَّ أَيَّدِيهِمْ وَإِنَّ ذَلِكَ صَحِيحٌ؛

بدانید که ضرری در نامه هایی که از آن ها به دستتان رسیده است، وجود ندارد؛ زیرا آن ها صحیح هستند.

امام و لعن شلمغانی (۴۰)

اعْرِفْ أَطْمَالَ اللَّهِ بَقَاءَكَ وَعَرَفَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَحَتَمَ بِهِ عَمَلَكَ مَنْ تَبَقُّ بِجَدِيدِهِ وَتَشِيكُنْ إِلَى بَيْتِهِ مِنْ إِخْوَانِنَا أَدَامَ اللَّهُ سَيِّعَاتِهِمْ بِأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفَ بِالشَّلْمَغَانِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ لَهُ النَّقْمَةَ وَلَا أُمَّهَلَهُ قَدِ ارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَفَارَقَهُ وَالْحَدَّ فِي دِينِ اللَّهِ وَادَّعَى مَا كَفَرَ مَعَهُ بِالْحَالِقِ جَلَّ وَتَعَالَى وَافْتَرَى كَذِبًا وَزُورًا وَقَالَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا عَظِيمًا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا؛

خدا تو (۴۱) را حفظ کند و به انجام همه خیرات موفق کرده و عاقبت کارت را به خیرات ختم کند.

به تمام کسانی که اطمینان داری بگو که محمد بن علی معروف به شلمغانی - خداوند به او مهلت ندهد و سریعاً او را عذاب نماید - از اسلام برگشته و جدا شده است. او مدعی اموری شده است که با اعتقاد به آن ها کافر می شود. او سخنان باطل و دروغ های بسیاری گفته و به گناه بزرگی آلوده شده است. کسانی که از خدا رویگردان شده اند، دروغ گفته و به گمراهی شدیدی مبتلا شده اند. آن ها زیانکاران واقعی هستند.

امام و بیزاری از شلمغانی و پیروان او

إِنَّا بَرَرْنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ مِنْهُ وَلَعْنَاهُ عَلَيْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ تَتَرَى فِي الظَّاهِرِ مِنَّا وَالْبَاطِنِ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَعَلَى مَنْ شَايَعَهُ وَتَابَعَهُ وَبَلَّغَهُ هَذَا الْقَوْلُ مِنَّا فَأَقَامَ عَلَى تَوَلِّيهِ بَعْدَهُ؛

من از او به خدا و رسول خدا و خاندانش بیزاری می جویم و لعنت همیشگی خدا را برای او طلب می کنم. چه آن گاه که در معرض ما است و چه آن گاه که از ما پنهان است. در هر زمانی و در هر حالی که بوده باشد. نه تنها خودش را

که همه آنان که از او تبعیت کرده و یاری نمودند و بعد از رسیدن نامه من در دوستی خود ثابت قدم ماندند مورد لعن و نفرین من هستند.

امام و ترس از مدعیان دروغین

أَعْلَمُهُمْ تَوَلَّأَكُمُ اللَّهُ أَنَّنَا فِي التَّوَقُّي وَالْمَحَاذِرِهِ مِنْهُ عَلَى مِثْلِ مَا كُنَّا عَلَيْهِ مِمَّنْ تَقَدَّمَ مِنْ نُظْرَانِهِ مِنَ الشَّرِيعِيِّ وَالنُّمَيْرِيِّ وَالْهَلَالِيِّ وَ الْبِلَالِيِّ وَغَيْرِهِمْ؛

به آن ها بگو که من در هراس از او به سر می برم، همان طور که از مدعیان قبل از او در هراس بودم. افرادی مانند شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و غیر آن ها.

امام و مقام تسلیم

عَادَةُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ مَعَ ذَلِكَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ عِنْدَنَا جَمِيلَةٌ وَبِهِ نَثِقُ وَإِيَّاهُ نَسْتَعِينُ؛

سنت خدای بزرگ در این موارد نزد ما زیبا و پذیرفته شده است. (۴۲) ما نیز به او اعتماد می کنیم و از او کمک می گیریم.

ادعای شلمغانی و لعن امام (۴۳)

قَدْ وَقَفْنَا عَلَى هَذِهِ الرَّفْعَةِ وَمَا تَضَمَّتْهُ فَجَمِيعُهُ جَوَابْنَا وَلَا مَدْخَلَ لِلْمَخْذُولِ الضَّالِّ الْمُضِلِّ الْمَعْرُوفِ بِالْعَزَاقِرِيِّ لَعْنَهُ اللَّهُ فِي حَرْفٍ مِنْهُ؛

نامه و تمام مطالب آن را مطالعه کردم. همه آن ها جواب های من است و عزاقری ملعون که گمراه و گمراه کننده است، حتی در یک حرف از آن ها سهمی ندارد.

امام و علمای اسلام

حمایت امام از محمد بن جعفر (۴۴)

بِالرَّيِّ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْعَرَبِيِّ فَلْيُدْفَعْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ مِنْ ثِقَاتِنَا؛

محمد بن جعفر عربی در ری است. می توانید وجوهاتتان را به او پرداخت کنید. او از افراد مورد اعتماد ماست.

امام علیه السلام برای حسن بن قاسم بن علاء دعا می کند! (۴۵)

أَلْهَمَكَ اللَّهُ طَاعَتَهُ وَجَنَّبَ مَعْصِيَتَهُ (۴۶)

خدا تو را به طاعت خودش هدایت کند و از معصیتش دور گرداند.

نصب حسن بن قاسم بن علاء به جای پدرش!

قَدْ جَعَلْنَا أَبَاكَ إِمَامًا لَكَ وَفَعَالَهُ لَكَ مِثْلًا (۴۷)

من پدرت را امام تو و اعمالش را الگوی تو قرار دادم. (۴۸)

امام و اظهار عشق و شغف به... (۴۹)

يَا أَبَا إِسْحَاقَ لَقَدْ كَانَتِ الْأَيَّامُ تَعْدُنِي وَشُكَّ لِقَائِكَ وَالْمُعَاتِبُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَلَى تَشَاخُطِ الدَّارِ وَتَرَاجِي الْمَزَارِ تَتَخَيَّلُ لِي صُورَتَكَ حَتَّى كَأَنَّ لَمْ نَحُلْ طَرْفَهُ عَيْنٍ مِنْ طَيْبِ الْمُحَادَثَةِ وَخَيَالِ الْمُشَاهِدَةِ وَأَنَا أَحْمَدُ اللَّهُ رَبِّي وَلِي الْحَمْدِ عَلَى مَا قَيَّضَ مِنَ التَّلَاقِ وَرَفَّهُ مِنْ كُرْبِهِ التَّنَازُعِ وَالِاسْتِشْرَافِ؛

خوش آمدی ابا اسحاق!

روزها که می گذشتند، و مزده نزدیک شدن دیدار تو را به من می دادند. اگرچه ما از هم دور بودیم. اما چهره تو همیشه در ذهن من حاضر بود. آروزی دیدار و ملاقات با شما حتی به اندازه چشم برهم زدنی از من دور نمی شد. به همین جهت خدا را ستایش می کنم که زمینه دیدار ما را فراهم کرد و رنج دوری را به آسایش وصل، خاتمه داد.

وصیت پدرم این بود...

إِنَّ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُوْطِنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَأَقْصَاهَا إِسْرَارًا لِأَمْرِي وَتَحَصَّ بَيْنًا لِمَحَلِّي مِنْ مَكَائِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَالْمَرَدَةِ مِنْ أَحْدَاثِ الْأُمَمِ الضَّوَالِّ فَتَبَدَّنِي إِلَى عَالِيهِ الرَّمَالِ وَجُبْتُ صَرَائِمَ الْأَرْضِ؛

پدرم صلوات الله عليه با من عهد کرد که در مخفی ترین و دورترین مناطق ساکن شوم. تا در محل زندگی ام از شر حيله های دشمنان و گمراهان در امان بمانم. به این دلیل خدا محل زندگی ام را در بلندای تپه های رملي قرار داد و مرا ساکن ريگزارهای زمین کرد.

من منتظرم!

تُنْتَظَرُنِي الْعَايَةُ الَّتِي عِنْدَهَا يَحِلُّ الْأَمْرُ وَيُنْجَلِي الْهَلْعُ؛

منتظر زمان ظهور باشم. تا فرج فرا برسد و وحشت حکمفرما گردد.

انتقال علم امامت

كَانَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ أَنْبَطَ لِي مِنْ خَزَائِنِ الْحِكْمِ وَكَوَامِنِ الْعُلُومِ مَا إِنَّ أَشَعْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ جُزْءًا أَغْنَاكَ عَنِ الْجُمْلَةِ؛

پدرم صلوات الله عليه گنجینه هایی از علم را برایم جوشانید که اگر تنها پرده از روی برخی از آن ها بردارم، از تمام علوم بی

نیاز خواهی شد.

وصیت های پدرم

إِعْلَمْ يَا أَبَا إِسْحَاقَ! أَنَّهُ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْلِى أَطْبَاقَ أَرْضِهِ وَأَهْلَ الْجِدِّ فِي طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ بِلَا حُجَّةٍ يُسْتَعْلَى بِهَا وَإِمَامٍ يُؤْتَمُّ بِهِ وَيُقْتَدَى بِسُبُلِ سُنَّتِهِ وَمِنْهَا جَاقُضِدِهِ؛

ای ابا اسحاق! پدرم صلوات الله علیه فرمود:

پسرم! هیچ گاه خداوند متعال زمین و بندگان صالحش را از حجتی که با آن کمال یابند و امامی که به او اقتدا کنند و روش او را الگوی خود قرار دهند و به نور وجودش هدایت شوند، خالی نخواهد گذاشت.

أَرْجُو يَا بَنِيَّ! أَنْ تَكُونَ أَحَدَ مَنْ أَعَدَّهُ اللَّهُ لِنَشْرِ الْحَقِّ وَطَيِّ الْبَاطِلِ وَإِعْلَاءِ الدِّينِ وَإِطْفَاءِ الضَّلَالِ؛

پسرم! امیدوارم که تو یکی از آن هایی باشی که خداوند آن ها را برای انتشار حق و برچیدن باطل و راست کردن قامت دین و خاموش کردن شعله های گمراهی ذخیره کرده است.

فَعَلَيْكَ يَا بَنِيَّ! بَلْزُومِ خَوَافِي الْمَارِضِ وَتَتَّبِعِ أَقَاصِمَ بِهَا فَبِإِنَّ لِكُلِّ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عُمْدَةً مَقَارِعًا وَضِدًّا مُنَازِعًا افْتِرَاضًا لِمُجَاهِدِهِ أَهْلِ نِفَاقِهِ وَخِلَافِهِ أَوْلِيَ الْإِلْحَادِ وَالْعِنَادِ؛

پسرم! نقاط مخفی و دور از دسترس زمین را برای زندگی انتخاب کن؛ زیرا برای هر یک از اولیای خدا دشمنی قدرتمند و ضدی جنگ طلب وجود دارد. تا امام با آن ها که اهل نفاق و الحاد و دشمنی هستند مبارزه و جهاد کند.

اصحاب امام زمان علیه السلام در دوره غیبت از زبان امام حسن عسکری

مؤمنان مانند پرنده به دنبال لانه می گردند

فَلَا يُوحِشَنَّكَ ذَلِكَ وَاعْلَمْ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نُرَّعَ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا أَمَّتْ أَوْ كَارَهَا وَهُمْ مَعَشَرٌ؛

اگرچه این دشمنان هستند، از آن ها نترس؛ زیرا تو تنها نیستی. بدان که دل های بندگان خالص خدا شیفته به دنبال توست، همان طور که پرندگان مهاجر با شور و شوق و دسته جمعی به سوی لانه های خود حرکت می کنند.

ذلت را تحمل می کنند

يُطَلَّعُونَ بِمَخَائِلِ الدَّلَّةِ وَالِاسْتِكَانَةِ وَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ بِرَرَةٌ أَعْرَاءٌ؛

آنان ذلت و خواری را احساس می کنند، اما در نزد خدا عزیز و بزرگوارند.

اهل قناعتند

يَبْرُؤُونَ بِأَنْفُسِهِمْ مُخْتَلِفَةً مُحْتَاجَةً وَهُمْ أَهْلُ الْقَنَاعَةِ وَالِاغْتِنَامِ؛

افراد محتاجی به نظر می رسند، در حالی که آن ها اهل قناعت و بزرگواری هستند.

دین شناسند

اسْتَبْتُوا الدِّينَ فَوَازَرُوهُ عَلَىٰ مُجَاهَدَةِ الْأَضْدَادِ؛

دین را به خوبی آموخته اند و در جهاد بر علیه دشمنان از آن کمک می گیرند.

سنگ زیرین آسیاب

خَصَّهُمُ اللَّهُ بِاخْتِمَالِ الضَّمِيمِ لِيَشْمَلَهُمْ بِاتِّسَاعِ العِزِّ فِي دَارِ القَرَارِ؛

خدا آن ها را مبتلا به ظلم کرده است تا در روز رستاخیز به عزت کامل برسند.

بسیار صبورند

جَبَلَهُمْ عَلَىٰ خَلَائِقِ الصَّبْرِ لِتَكُونَ لَهُمُ العَاقِبَةُ الحُسْنَىٰ وَكَرَامَةُ حُسْنِ العُقْبَىٰ؛

آن ها را صبور آفریده است تا حیات نیکو و بزرگواری آخرت را نصیبشان نماید.

توصیه های پدر

حکمت صبر

اقْتَبِسْ يَا بُنَيَّ! نُورَ الصَّبْرِ عَلَىٰ مَوَارِدِ أُمُورِكَ تَفُزْ بِدَرْكِ الضُّعْفِ فِي مَصَادِرِهَا؛

پسرم! از نور صبر در انجام کارها کمک بگیر تا هر کاری را در محل و زمان مناسب آن انجام دهی.

عزت در لابلای حوادث

اسْتَشْعِرِ العِزَّ فِيمَا يُتَوَبَّكُ تُحِظْ بِمَا تُحَمَدُ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

عزت را در اتفاقاتی که برایت می افتد، جستجو کن تا ستوده شوی. ان شاء الله.

ظهورت نزدیک است!

كَأَنَّكَ يَا بُنَيَّ! بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ قَدْ آنَ وَتَيْسِيرِ الفَلْحِ وَعُلُوِّ الكَعْبِ قَدْ حَانَ؛

پسرم! تو به نصرت الهی نزدیک شده ای و روزگار رستگاری و بلند مرتبگی نزدیک شده ای.

پرچم هایت را می بینم

كَأَنَّكَ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَالْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ عَلَيَّ أَثْنَاءَ أُعْطَافِكَ مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَزَمْزَمَ؛

گویا می بینم که پرچم های زرد در اطراف تو و در میان حطیم و زمزم نصب شده است.

شیعیان دورت حلقه زده اند

كَأَنَّكَ بِتَرَاوِفِ الْبَيْعَةِ وَتَصَيُّفِ الْوَلَاءِ يَتَنَاوَمُ عَلَيْكَ تَنَاوَمَ الدَّرِّ فِي مَثَانِي الْعُقُودِ وَتَصَافِقِ الْأُكُفِّ عَلَى جَبَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ تُلُودُ
بِفَنَائِكَ مِنْ مَلَا؛

گویا می بینم که یارانانت به سبب بیعت های محکم و صفای ولایت و دوستی به صورت منظم مانند دانه های تسبیح، در کنار تو چیده شده اند. آن ها در کنار حجرالاسود از سر شوق به تو هجوم می آوردند. به گونه ای که از شدت ازدحام دست هایشان به هم می خورد.

عنایت خدا به یاران تو

بَرَأَهُمُ اللَّهُ مِنْ طَهَارَةِ الْوَلَاءِ وَنَفَاسِهِ التُّزْبِيَةِ مُقَدَّسَهُ؛

خداوند آن ها را به واسطه طهارت ولایت و طینت نفیس، پاک گردانیده است.

قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النَّفَاقِ مُهَدَّبَةٌ؛

دل هایشان از آلودگی دورویی خالی است.

أَفْنَدَتْهُمْ مِنْ رِجْسِ الشَّقَاقِ لَيْئَنَهُ؛

ارواحشان از پلیدی مخالفت، پاک و نرم است.

عَرَانِكُهُمْ لِلدِّينِ خَشِنَةٌ؛

خلقتشان در عمل به دین، خشن و استوار است.

ضَرَأَتْهُمْ عَنِ الْعُدْوَانِ وَاصِحَّهُ بِالْقَبُولِ؛

خلق و خویشان از دشمنی کردن با حسن قبول پاک شده است.

أَوْجُهُمْ نَضْرَهُ بِالْفَضْلِ؛

سیمایشان از فضل خدا، گشاده است.

عِيدَانُهُمْ يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ؛

متدین به دین حق می باشند.

فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَانُهُمْ وَتَقَوَّمَتْ أَعْمَادُهُمْ قُدَّتْ بِمَكَانَتِهِمْ طَبَقَاتُ الْأُمَمِ؛

زمانی که قوای آن ها محکم و استوار شود، دشمنان اسلام متفرق خواهند شد.

إِذْ تَبِعْتِكَ فِي ظِلَالِ شَجَرِهِ دَوْحَهُ بَسَقَتْ أَفْنَانُ غُصُونِهَا عَلَى حَافَاتِ بَحِيرِهِ الطَّبْرِيِّ فَعِنْدَهَا يَتَأَلَّأُ صُبْحُ الْحَقِّ وَيَنْجَلِي ظِلَامُ الْبَاطِلِ؛

زمانی که آن ها در سایه درختی که شاخه های آن تا اطراف بحیره طبریه را گرفته است، دور تو را بگیرند، صبح حق طلوع می کند و ظلمت جای خود را به روشنایی می دهد.

خدا به به واسطه تو ...

يَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ وَيُعِيدُ مَعَالِمَ الْإِيمَانِ وَيُظْهِرُ بِكَ أَسْقَامَ الْأَفَاقِ وَسَلَامَ الرَّفَاقِ؛

خداوند به واسطه تو سرکشی را کم می کند و نشانه های ایمان را باز می گرداند و بیماری دشمنان و سلامتی دوستانت بر همگان روشن می شود.

تَهْتَرُ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بِهَجْهٍ وَتَهْزُ بِكَ أَغْصَانُ الْعِزِّ نَضْرَهُ وَتَسْتَقِرُّ بَوَانِي الْعِزِّ فِي قَرَارِهَا؛

تمام دنیا را شادی و سرور فرا می گیرد. شاخه های عزت و سربلندی به اهتزاز در می آیند و بانیان این عزت در جایگاه خودشان قرار می گیرند.

تَتُوبُ شَوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا؛

دشمنان دین به لانه های خود می خزند.

يَتَهَاطَلُ عَلَيْكَ سَحَابُ الظَّفَرِ فَتَحْنُقُ كُلَّ عَدُوٍّ وَتَنْصُرُ كُلَّ وَلِيٍّ؛

ابرهای پیروزی به سوی تو می آیند پس عرصه را بر دشمنانت تنگ می کنی و

دوستان را یاری می نمایی.

فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ وَلَا جَا حِدٌ غَامِطٌ وَلَا شَانِيٌّ مُبْغِضٌ وَلَا مُعَانِدٌ كَاشِحٌ؛

در نتیجه هیچ متکبر ظالم، منکر خوار، عیب جوی کینه توز و لجوج کینه ورز بر روی زمین نخواهد ماند.

کودکان و شوق دیدار

يَوَدُّ الطُّفْلُ فِي الْمَهْدِ لَوْ اسْتَطَاعَ إِلَيْكَ نُهوضاً؛

کودکان در گهواره های خود آرزوی آمدن به سوی تو را می کنند.

حیوانات وحشی در جستجوی راه

نواسط [نواشيط] الْوَحْشِ لَوْ تَجِدُ نَحْوَك مَجَازاً؛

وحوش بیابان اگر راهی برای دیدارت می یافتند، درنگ نمی کردند.

إِنَّ اللَّهَ بِالْعِ بَالِغِ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛

زیرا خداوند اراده خودش را محقق می کند و برای هر چیز حدود و ضوابطی قرار داده است. (۵۰)

به نامحرمان نگو!

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! لِيَكُنْ مَجْلِسِي هَذَا عِنْدَكَ مَكْتُوماً إِلَّا عَنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْأُخُوَّةِ الصَّادِقَةِ فِي الدِّينِ؛

ای ابا اسحاق! ماجرای این دیدار را از دیگران مخفی کن. مگر از اهل صدق و برادرانی که در دینشان صادقند.

وظایف شیعیان در هنگام ظهور

إِذَا بَدَتْ لَكَ أَمَارَاتُ الظُّهُورِ وَالتَّمَكِينِ فَلَا تُبْطِئِي بِإِخْوَانِكَ عَنَّا وَبِأَهْلِ الْمُسَارَعَةِ إِلَى مَنَارِ الْيَقِينِ وَضِيَاءِ مَصَابِيحِ الدِّينِ تَلْقَ رُشْدًا
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

زمانی که نشانه های ظهور پیدا شد، از دوستانت که به سوی ما می آیند، عقب نمان، کسانی که به سوی نور یقین و روشنایی چراغ های دین می شتابند. در این صورت هدایت خواهی شد. ان شاء الله

امام به فکر همه چیز است!

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! اسْتَعِينْ بِهِ عَلَى مُنْصَرَفِكَ فَإِنَّ الشُّقَّةَ قُدْفَةٌ وَفَلَوَاتِ الْأَرْضِ أَمَامَكَ جُمَّةٌ وَلَا تَحْزَنْ لِإِعْرَاضِنَا عَنْهُ فَإِنَّا قَدْ أَحَدْنَا لَكَ

شُكْرُهُ وَنَشْرُهُ وَأَرْبُضَانُهُ عِنْدَنَا بِالتَّدْكِيرِ وَقَبُولِ الْمِنَّةِ؛

ای ابا اسحاق! آن ها را خرج راحت کن، چون سختی ها و بیابان ها در پیش است.

از این که هدیه های شما را نپذیرفتم ناراحت نشو! زیرا ما پول نگرفته از تو قدردانی کردیم و از این لطف تو یاد خواهیم کرد.
(۵۱)

امام و دعای ابراهیم بن مهزیار

فَتَبَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِيمَا خَوَّلَكَ وَأَدَامَ لَكَ مَا تَوَلَّكَ وَكَتَبَ لَكَ أَحْسَنَ ثَوَابِ الْمُحْسِنِينَ وَأَكْرَمَ آثَارِ الطَّائِعِينَ فَإِنَّ الْفَضْلَ لَهُ وَمِنْهُ؛

خداوند به دارایی ات برکت دهد و برایت حفظ کند و بهترین ثواب نیکوکاران را به تو ارزانی دارد و کریمانه ترین اعمال فرمانبرداران را برایت بنویسد، چون تمام عنایات متعلق به او و از اوست.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَزِدَّكَ إِلَى أَصْحَابِكَ بِأَوْفَرِ الْحِظِّ مِنْ سَلَامَةِ الْأُوبَةِ وَأَكْنَافِ الْغُبْطَةِ بِلَيْنِ الْمُنْصَرَفِ؛

از خدا می خواهم تا تو را با سلامتی کامل به دوستانت ملحق کند و بازگشتت را آسان نماید.

لَا أَوْعَتْ اللَّهَ لَكَ سَبِيلًا وَلَا حَيْرَ لَكَ دَلِيلًا وَاسْتَوْدِعَهُ نَفْسَكَ وَدَيْعَهُ لَا تَضِيعُ وَلَا تَزُولُ بِمَنْنِهِ وَلُطْفِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

راحت را سخت و نشانه های راه را مبهم نکند. خودت را به امانت نزد خدا بسپار تا از فضل خدا تلف نشوی. ان شاء الله

امام و قناعت پیشگی

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ قَنَعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَفَوَائِدِ امْتِنَانِهِ؛

ای ابا اسحاق! خدا ما را به عنایات خودش قانع کرده است.

محبت و نصیحت خالصانه

صَانَ أَنْفُسَنَا عَنْ مُعَاوَنَةِ الْأَوْلِيَاءِ إِلَّا عَنِ الْإِخْلَاصِ فِي النَّيِّهِ وَإِمْحَاضِ النَّصِيحَةِ وَالْمُحَافَظَةِ عَلَيَّ مَا هُوَ أَتَقَى وَأَبْتَقَى وَأَرْفَعُ ذِكْرًا؛

روح و جانمان را مصونیت بخشید تا دوستانمان را نه از سر طمع که از سر اخلاص و خیرخواهی و به قصد رسیدن به ثواب الهی که ماندگارتر و رفیع تر است، یاری کنیم.

فرمایشات امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله (۵۲)

نامه امام به برادرش! (۵۳)

لِلْأَخِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَاؤَهُ مِنْ مُسَدِّ تَوَدِّعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُودِ عَلَى الْعِبَادِ؛

نامه ای به برادر مستحکم در ایمان و دوست کامل شیخ مفید ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان که خداوند عزت او را به خاطر عهدی که بر بندگانش گرفته است، پایدار گرداند.

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَلَّى الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمُخْصُوصُ فِيْنَا بِالْيَقِينِ فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛

سلام بر تو ای دوستی که در دین خود خالص شده ای و در یقین به ولایت ما مورد توجه خاص بوده ای. ما به خاطر داشتن دوستی مثل تو، خدای یکتا را سپاس می گوئیم.

أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِضَرْهِ الْحَقِّ وَأَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَيَّ نُطْقِكَ عَنَّا بِالصَّدْقِ؛

خداوند توفیق تو را در یاری دین خود، بیشتر کند و اجر و پاداشت را به خاطر سخنان صادقانه ات، درباره ما افزایش دهد.

خدا اجازه داد تا نامه بنویسم

أَنَّهُ قَدْ أَذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمَكَاتِبِ وَتَكْلِيفِكَ مَا تُوَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مَوَالِينَا قَبْلَكَ أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَكَفَاهُمُ الْمُهِمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَحِرَاسَتِهِ؛

لازم است به اطلاعاتان برسانم که به من اجازه داده شده است تا شما را با نوشتن نامه تکریم کنم و طی آن شما را مکلف به ابلاغ پیام ما به شیعیانی که نزدتان هستند، بکنم. خداوند آن ها را با فرمانبرداری از خویش عزت بخشد و مشکلات ایشان را برطرف کند.

نامه را به دیگران هم بده

فَقِفْ أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَرْتَهُ وَعَمَلْ فِي تَأْدِيبِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ بِمَا نَزَسِمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

خداوند متعال شما را با نصرت و یاری خود بر دشمنانش مسلط گرداند. چیزی را که برایتان می نویسم مطالعه کنید و آن را به دوستان مورد اعتمادتان برسانید. ان شاء الله.

محل زندگی امام زمان علیه السلام

كُنَّا شَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِعْتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ؛

محل زندگی ما تا زمانی که حکومت های ظلم پابرجا هستند، به خاطر مصلحت ما و شیعیانمان از ظالمان دور است.

امام و آگاهی از حوادث

فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ؛

ما از اخبار شما اطلاع کاملی داریم و هیچ یک از اتفاقاتی که برای شما می افتد از ما مخفی نمی ماند.

امام و لغزش امت

مَعْرِفَتُنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا؛

از لغزش های شما باخبریم. از زمانی که بسیاری از شما از روش گذشتگان صالحان دور شدید.

کلیه از پیمان شکنی شیعیان

تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُوذَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛

عهد خدا را در تبعیت از ما به دست فراموشی سپردید! گویا نمی دانید

امام همیشه بیدار

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛

ما در رسیدگی به مسائل شما کوتاهی نمی کنیم و همیشه به یاد شما هستیم اگر چنین نبود حوادث و بلاها شما را احاطه می کردند و دشمنان، شما را نابود می کردند.

وظایف شیعیان در کمک به خودشان

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى انْتِبَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاَفَتْ عَلَيْكُمْ؛

بنابراین از خدا بترسید و ما را در نجات دادن خودتان از فتنه های آینده، یاری کنید.

نشانه قیام

هِيَ أَمَارَةٌ لِلزُّوْفِ حَرَكَتِنَا وَمُبَاتِّئِكُمْ بِأَمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ... وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛

فتنه ها، نشانه های شروع حرکت ما (۵۴) و اقدامات انقلابی شما به امر و نهی ما است. خداوند نور هدایتش را بر سرتاسر گیتی کامل خواهد کرد. اگر چه مشرکین از به آن راضی نباشند. (۵۵)

وظایف شیعیان و تقیه

اعْتَصِمُوا بِالتَّقِيَّةِ مِنْ شَبِّ نَارِ الْجَاهِلِيَّةِ يَحْشُشُهَا عَصَبُ أُمَوِيَّةٍ تَهُولُ بِهَا فِرْقَةٌ مَهْدِيَّةٌ؛

در برابر شعله های آتش جاهلیت که توسط جریانات اموی (۵۶) برافروخته خواهد شد، به تقیه پناه ببرید؛ (۵۷) زیرا هدف آن ها آسیب زدن به فرقه هدایت یافته شیعه است.

من ضامن نجات عاقل ها هستم!

أَنَا زَعِيمٌ بِنَجَاةِ مَنْ لَمْ يَرْمُ مِنْهَا الْمَوَاطِنَ الْحَفِيَّةَ وَسَلَكَ فِي الطَّغْنِ مِنْهَا السُّبُلَ الرَّضِيَّةَ؛

من نجات کسانی را ضمانت می کنم که در این جریانات مخفیگاه های خود را ترک نکنند و در تبلیغات علیه آنان روش های ملایم تری را اتخاذ نمایند.

وظایف شیعیان و دستورالعمل امام علیه السلام

فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِيٍّ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَّتِنَا وَسَخَطِنَا؛

به دنبال کارهایی بروید که شما را به محبت و دوستی ما نزدیک کند و از کارهایی که باعث دوری و خشم و غضب ما می شوند، کناره گیری کنید. (۵۸)

دعای برادر

وَاللَّهُ يُلْهِمُكَ الرُّشْدَ وَيُلَطِّفُ لَكُمْ بِالتَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ؛

خداوند متعال تو را هدایت کند و توفیقات را افزون گرداند.

نامه امام به برادر

هَذَا كِتَابُنَا عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخُ الْوَلِيُّ وَالْمُخْلِصُ فِي وُدِّنَا الصَّفِيُّ وَالنَّاصِرُ لَنَا الْوَفِيُّ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ فَاحْتَفِظْ بِهٍ؛

این نوشته ما به شماست، ای برادر عزیزی که در محبت ما خالص شده ای و با تهذیب نفس خود ما را یاری می کنی. خداوند تو را با علم همیشه تابانش حفظ کند.

کسی که مایه مباهات امام است! (۵۹)

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ الدَّاعِي إِلَى كَلِمَةِ الصِّدْقِ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ إِلَيْكَ؛

سلام بر تو ای یاور حق و منادی اسلام! ما همیشه خدا را به خاطر داشتن دوستانی چون تو سپاس می گوئیم.

فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُكَ مَنَاجَاتِكَ؛

ما به مناجات تو توجه کردیم. (۶۰)

حفظ اسرار از نامحرمان

لَا تُظْهِرْ عَلَيَّ حَظَنًا الَّذِي سَطَرْنَا بِمَا لَهُ ضَمِنَاهُ أَحَدًا وَأَدَّ مَا فِيهِ إِلَيَّ مَنْ تَشْكُنُ إِلَيْهِ وَأَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

مراقب نامه باش و آن را به کسی نشان نده. مگر این که از افراد کاملاً مطمئن بوده باشند. در ضمن به آن ها بگو که به مطالب آن عمل کنند. ان شاء الله

امام خانه به دوش

شَفَعْنَا ذَرِيَّتَكَ الْآنَ مِنْ مُسَيِّئَاتِنَا يُنْصَبُ فِي شَمْرَاخٍ مِنْ بَهْمَاءَ [بُهَمَى] صَرَزْنَا إِلَيْهِ آفَافًا مِنْ غَمَالِيلَ الْجَأِ إِلَيْهِ السَّبَارِيْتُ مِنَ الْإِيمَانِ وَيُوشِكُ أَنْ يَكُونَ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى صَحْصَحٍ مِنْ غَيْرِ بُعْدٍ مِنَ الدَّهْرِ وَلَا تَطَاوُلٍ مِنَ الزَّمَانِ؛

من این نامه را از بلندای کوهی که برای سکونت انتخاب کرده ایم، برای می نویسم. ما تازه به اینجا آمده ایم. قبلاً در منطقه خوش آب و هوا و خرامانی زندگی می کردیم. اما مردمانی بی تقوا بدانجا آمدند. از این رو ما آنجا را ترک کردیم. البته به زودی به دشتی که نزدیک آبادی است خواهیم رفت.

امام و خبر دادن از آینده

يَأْتِيكَ نَبَأٌ مِنَّا بِمَا يَتَّخِذُ لَنَا مِنْ حِيَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنَ الزُّلْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَاللَّهُ مُوفِّقُكَ لِذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ فَلْتَكُنْ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ أَنْ تُقَابِلَ بِذَلِكَ فِيهِ تُبَسَّلُ نَفُوسٌ قَوْمٍ حَرَّتْ بِاطِلًا لِاسْتِزْهَابِ الْمُبْطِلِينَ وَتَبْتَهِيحِ لِدِمَارِهَا الْمُؤْمِنُونَ وَيَحْزَنُ لِذَلِكَ الْمُعْجِرُونَ؛

از اتفاقات آینده، (۶۱) به تو خبر می دهم. تا اولاً بدانی که به واسطه اعمال صالحی که خداوند توفیق داده، جزو مقربان ما شده ای؛ و از سوی دیگر خودت را برای آن ها آماده کنی. حوادثی که دشمنان را در هم می شکنند و رنجور می کند و دوستان را خوشحال و مسرور می سازد.

نشانه های قیام

آيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَيْدَةِ اللُّوْثَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعْظَمِ مِنْ رِجْسِ مُنَافِقِي مُيَدَّمِ مُسَيِّئَاتِنَا لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ يَعْمُدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ عَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعِيدُونَ لِأَنَّا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلْيُطْمَئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا الْقُلُوبُ وَلْيَتَّقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ؛

نشانه شروع حرکت ما حادثه ای است که در مکه مکرمه رخ می دهد و منافقی پست که ریختن خون مسلمانان را حلال می داند، بر اهل ایمان غلبه پیدا می کند. اما به آرزوی خودش در قتل و غارت ایشان نمی رسد؛ زیرا دعای مستجاب و قطعی ما از پشت سر آن ها را پشتیبانی می کند. بنابراین دل هایشان به این پیروزی قرص و محکم باشد و بدانند که خدا آن ها را کفایت

و یاری می کند. البته مشکلاتی خواهند داشت.

وظایف شیعیان و سرنوشت آن ها

الْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ؛

اگر شیعیان ما از معصیت دوری کنند، پایان کار طبق حکمت خداوند متعال به نفع آنان خواهد بود.

وظایف شیعیان و ضمانت امام

نَحْنُ نَعْتَمِدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ الْمَجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ أَيَّدَكَ اللَّهُ بِنَصْرِهِ الَّذِي أَيَّدَ بِهِ السَّلَفَ مِنْ أَوْلِيَانَا الصَّالِحِينَ أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَخَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ وَمَحْنِهَا الْمُظْلَمَةِ الْمُضْمَلَةَ وَمَنْ بَخَلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَآخِرَتِهِ؛

ای دوست مخلص و مجاهد در راه ما در برابر ظالمان - خداوند شما را با همان نیرویی که گذشتگان از دوستان صالحان را یاری کرد، تقویت کند - من تعهد می کنم اگر برادران دینی ات تقوا پیشه کنند و حقوق واجبی که به گردن دارند به مستحقان آن ها بدهند، از این فتنه های سیاه و گرفتاری های گمراه کننده با آسایش نجات پیدا کنند. اما کسی که نعمت های خدا را که در دست او به عاریت سپرده است، از مستحقان بخل بورزد، در این صورت در دنیا و آخرت زیان خواهد کرد.

وظایف شیعیان و دلیل تأخیر ظهور

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَكَتَعَجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛

اگر شیعیان ما - که خداوند آن ها را به اطاعت خود موفق کند. - با دل های همراه و بهم پیوسته به عهد ما وفا می کردند، برکت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت مشاهده ما همراه با معرفت و شناخت و صداقت در اعمال به زودی نصیبشان می شد.

مَا يَجْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛

آری خیر اعمال زشت و ناپسندی که از آن ها به ما می رسد، باعث کنارگیری ما از آن ها می شود.

امام و نامه به برادر

هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُلْتَمُّ لِلْحَقِّ الْعَلِيِّ يَا مَلَانِيَا وَحَطَّ ثِقَتِنَا فَأَخْفِهِ عَنْ كُلِّ أَحَدٍ وَاطْوِهِ وَاجْعَلْ لَهُ نُسِيخَةً يَطَّلِعُ عَلَيْهَا مَنْ تَسْكُنُ إِلَى أَمَانَتِهِ مِنْ أَوْلِيَانَا شَمَلُهُمُ اللَّهُ بِبَرَكَتِنَا وَدُعَائِنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

ای دوست هدایت یافته به نور حقیقت، این نوشته نامه ای است که با بیان من و خط یکی از نزدیکانم نوشته شده است.

بنابراین آن را از دیگران مخفی کن و از آن رونویسی کن و در اختیار دوستان مورد اطمینان قرار بده. ان شاء الله که خداوند متعال آن هارا مشمول برکات و عنایات ما قرار دهد.

امام زمان علیه السلام در رأی شیخ مفید رحمه الله (۶۲)

لا صوت الناعی بفقدك انه يوم على آل الرسول عظیم ان كنت قد غيبت في حدث الثرى فالعلم والتوحيد فيك مقيم والقائم المهدى يفرح كلما

تليت عليك من الدروس علوم ای كاش صدای مرثیه خوانان در مرگ تو بلند نمی شد؛ زیرا این روز، روزی است که بر خاندان رسول خدا بسیار سنگین و دشوار است.

اگر تو در میان خاک ها پنهان شدی، در واقع علم و توحید نیز با تو مدفون شد. (۶۳) مهدی قائم هرگاه که صدای طلبه هایت را می شنید که علوم الهی را در نزد تو می خواندند، خوشحال می شد. (۶۴)

دستور امام زمان علیه السلام به مرجع تقلید حضرت آیت الله اصفهانی (۶۵)

قُلْ لَهُ رِخْصٌ نَفْسِكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدِّهْلِيْزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُكَ؛

به او بگو: خودت را در دسترس همه قرار بده و دهلیز خانه ات را محل نشستنت قرار بده و حاجت های مردم را برآور. نگران نباش ما یاری ات می کنیم. (۶۶)

توقیعات فقهی

امام و انکار نسبت فامیلی با خدا (۶۷)

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَسَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ؛

میان خدا و هیچ یک از مخلوقاتش نسبت فامیلی وجود ندارد. از این رو کسانی که از نزدیکانم، وصیت مرا انکار می کنند، مثلش مثل پسر نوح است. (۶۸)

امام و مثل جعفر

وَأَمَّا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَوُلْدِهِ فَسَبِيلُ إِخْوَةِ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

اما (۶۹) راه عمویم جعفر و فرزندانش همان راه برادران یوسف است. (۷۰)

حکم آبجو

وَأَمَّا الْفَقَّاعُ فَشُرْبُهُ حَرَامٌ؛

اما خوردن آب جو حرام است.

شرایط وجوهات مورد قبول امام

وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَمَا نَقْبُلُهَا إِلَّا لَتَطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ؛

اما وجوهات شرعیه؛ اگر ما آن ها را می پذیریم به خاطر آن است که اموال شما پاک شود. با این حساب هر کسی که می خواهد بدهد و هر کسی که نمی خواهد ندهد. (۷۱) چون آنچه که خداوند متعال به ما می دهد، بهتر از آن چیزی است که شما می دهید.

زمان ظهور

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛

اما زمان ظهور من به دست خداست و کسانی که برای آن تعیین وقت کنند، دروغ می گویند.

تحریف عاشورا

وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمْ يُقْتَلْ فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلَالٌ؛

اما کسی که گفته است حسین علیه السلام کشته نشده است، سخن کفرآمیز و دروغ و گمراه کننده ای را به زبان آورده است.

جانشینان امام زمان در دوره غیبت

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَايَةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛

اما در حوادثی که پیش خواهد آمد، به روایان احادیث ما مراجعه کنید. زیرا آن ها از سوی من مردم را راهنمایی می کنند و من نیز از سوی خدا آن ها را راهنمایی می کنم. (۷۲)

شرط پذیرش وجوهات شرعی

وَأَمَّا مَا وَصَلْتَنَا بِهِ فَلَا قَبُولَ عِنْدَنَا إِلَّا لِمَا طَابَ وَطَهَّرَ؛

اما آنچه که از وجوهات برایم فرستاده بودی، تنها در صورت پاک بودن از مال حرام، مورد قبول خواهد بود. (۷۳)

درآمد ترانه خوانی

وَتَمَنُّ الْمُغَنِّيهِ (۷۴) حَرَامٌ؛

مزدی که زنان ترانه خوان می گیرند، حرام است.

امام و لعن ابوالخطاب غالی

وَأَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي زَيْنَبِ الْأَجْدَعِ فَإِنَّهُ مَلْعُونٌ وَأَصْحَابُهُ مَلْعُونُونَ فَلَمَّا تَحَرَّ السُّهُلَ مَقَالَتِهِمْ فَإِنِّي مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَأَبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْهُمْ بُرَاءً؛

اما ابو الخطاب محمد بن ابی زینب (۷۵) او و اصحابش ملعون هستند. در مجالس آن ها شرکت نکن. زیرا من و پدرانم از آن ها بیزاریم.

دست بردن در مال امام

وَأَمَّا الْمُتَبَسُّونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ شَيْئًا مِنْهَا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيِّرَانَ؛

اما کسانی که دستشان به اموال ما آلوده شده است، اگر از آن ها بخورند، در واقع آتش می خورند.

کسانی که از پرداخت وجوهاتشان پشیمانند!

وَأَمَّا نَدَامَةُ قَوْمٍ شَكُوا فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى مَا وَصَلُونَا بِهِ فَقَدْ أَقَلْنَا مِنْ اسْتِقَالٍ وَلَا حَاجَةَ لَنَا إِلَى صِلَةِ الشَّاكِينَ؛

اما عده ای که در دین خود دچار شک شدند و از این که وجوهاتشان را برای ما فرستاده بودند، پشیمانند، اگر آن ها بخواهند که وجوهاتشان را پس بگیرند، ما پس می دهیم. ما نیازی به وجوهات تردید کنندگان نداریم.

دلیل غیبت امام

وَأَمَّا عَلَيْهِ مَا وَقَعَ مِنَ الْعَجِيبِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْئَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَشْوُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِّنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاعِيهِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِّنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي؛

اما از علت غیبت من پرسیده بودی. مگر خدا نفرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! از مسائلی که اگر بدانید به زیانتان تمام می شود، سؤال نکنید! (۷۶) هر یک از پدرانم مجبور بودند که با ظالمان زمان خودشان مدارا کرده و با آن ها بیعت کنند. اما من زمانی که خروج می کنم و قیام خودم را شروع می کنم، بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نخواهد بود.

کیفیت بهرمندی از امام غایب

وَأَمَّا وَجْهُ اللَّائِنْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالِائْتِنْفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَبِبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛

اما نحوه بهرمندی از من در زمان غیبت، مانند بهرمندی از خورشید پشت ابر است.

فواید وجود امام

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛

همانا من موجبات امنیت اهل زمین هستم. همان طور که وجود ستارگان باعث امنیت اهل آسمان می شود.

وظایف شیعیان و سؤالات ممنوع

فَاعْلَمُوا أَنَّ أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِيَتُمْ؛

درهای سؤالات بی فایده را بر روی خودتان ببندید و خودتان را به زحمت فراگیری مسائلی که از آن ها بی نیاز شده اید، نیندازید.

وظایف شیعیان و دعای تعجیل فرج

وَكَثِّرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛

برای تعجیل فرج من خیلی دعا کنید؛ زیرا فرج من باعث گشایش مشکلات و گرفتاری های شماست.

فضیلت دعای بعد از نمازهای واجب (۷۷)

فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ التَّوَائِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى التَّوَائِلِ؛

همان اندازه که واجبات بر مستحبات فضیلت دارند، دعا و ذکر بعد از واجبات نیز بر دعا و ذکر بعد از مستحبات فضیلت دارد.

فضیلت سوره های توحید و قدر در نماز (۷۸)

إِذَا تَرَكَ سُورَةَ مِمَّا فِيهَا الثَّوَابُ وَقَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ لِفَضْلِهِمَا أُعْطِيَ ثَوَابَ مَا قَرَأَ وَثَوَابِ السُّورَةِ الَّتِي تَرَكَ؛

اگر سوره ای را با وجود ثوابی که دارد، ترک کند و به جای آن ها قل هو الله احد و انا انزلناه را به خاطر فضیلتشان بخواند، در این صورت ثواب سوره خوانده شده و سوره ای که ترک کرده را یکجا خواهد داشت.

امام و دعا برای شیعیان

جَمَعَ اللَّهُ لَكَ وَلِإِخْوَانِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۷۹)

خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را برای تو و برادرانت یکجا عنایت کند.

زایمان در بهشت (۸۰)

إِنَّ الْجَنَّةَ لَا- حَمِيلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا- وَلاِوَدَةَ وَلَا طَمْتٌ وَلَا نِفَاسٌ وَلَا شَمَاءَ بِالطُّفُولِيهِ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلْمِذُ الْأَعْيُنِ كَمَا قَالَ

سُبْحَانَهُ فَإِذَا اشْتَهَى الْمُؤْمِنُ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبْرَةً؛

زن ها در بهشت نه حامله می شوند و نه می زاینند و نه حیض می بینند و نه نفاس می شوند و نه گرفتاری های تربیت بچه را خواهند داشت. بلکه همان طور که خداوند متعال فرموده است: هر آنچه که دوست داشته باشند و چشمانشان از آن لذت ببرد، برایشان مهیا خواهد بود. (۸۱) حتی اگر اهل بهشت، بچه بخواهند، خداوند بدون حمل و ولادت کودکی را با همان خصوصیات که دوست دارند، برایشان می آفریند. (۸۲) همان طور که آدم علیه السلام را آفرید.

تسبیحی از جنس تربت حسینی

يُسَبِّحُ بِهِ فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنْ التَّسْبِيحِ أَفْضَلَ مِنْهُ وَمِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ السُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ التَّسْبِيحُ؛

ذکری بهتر از ذکری که با تسبیح ساخته شده از تربت باشد، وجود ندارد. حتی اگر صاحب تسبیح ذکر گفتن را فراموش کند و دانه های تسبیح را با انگشتانش بچرخاند، ثواب ذکر را خواهد داشت.

کیفیت نماز خواندن در حرم های مطهر

أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلِهِ وَلَا فَرِيضِهِ وَلَا زِيَارَتِهِ وَالَّذِي عَلَيْهِ الْعَمَلُ أَنْ يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَأَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ وَيَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَا يُتَقَدَّمُ عَلَيْهِ وَلَا يُسَاوَى؛

سجده بر روی قبر در هیچ حالی جایز نیست. آنچه باید بدان عمل کرد، آن است که گونه راستش را روی قبر بگذارد. در نماز می توان قبر معصوم را در سمت قبله قرار داد. اما نمی توان در سه جهت دیگر نماز خواند؛ زیرا کسی حق ندارد جلوتر و یا مساوی با امام بایستد.

امام و لعن دست اندازی کنندگان در اموال ایشان (۸۳)

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ اسْتَحْلَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا دِرْهَمًا؛

لعنت خدا و ملائکه و بندگان صالح بر کسانی که از اموال ما درهمی را حلال بدانند.

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا؛

لعنت خدا و ملائکه و تمامی انسان ها بر کسی است که از مال ما ولو یک درهم بخورد.

مَنْ يَسْتَحِلُّ مَالًا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا أَوْ يَتَصَيَّرُ فِيهِ تَصَيَّرُهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مَلْعُونٌ وَنَحْنُ خُصِمَ مَأْوُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عَثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مَلْعُونٌ عَلَى لِسَانِي وَلِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ مُجَابٍ فَمَنْ ظَلَمَنَا كَانَ فِي جُحْمِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَكَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۸۴)

کسانی که بدون اجازه، در اموال ما مانند اموال خودشان دخل و تصرف می کنند، چنین افرادی ملعون هستند و ما در روز قیامت دشمن آنها خواهیم بود. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: کسی که اموال عترتم را حلال بداند،

توسط من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای لعن شده است. کسی که در حق ما ظلم کند، در زمره ظالمین به ما خواهد بود و طبق صریح آیه قرآن، لعنت خدا بر او خواهد بود. «آگاه باشید ظالمان مورد لعن خدا هستند.»

خاک مالی بینی شیطان

فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِّثْلَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَأَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛

چیزی بهتر از نماز، بینی شیطان را بر زمین نمی مالد. پس نماز هنگام طلوع و غروب را بخوان و بینی شیطان را بر زمین بمال.

شکایت زمین

إِنَّ الْأَرْضَ تَصِحُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛

زمین از بول کسی که ختنه نکرده است، چهل روز ناله می کند.

تأخیر نماز صبح و عشاء (۸۵)

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ وَدَخَلَ الدَّارَ؛

ملعون است ملعون است، کسی که نماز عشاء را تا زیاد شدن ستارگان به تأخیر بیندازد. ملعون است، ملعون است، کسی که نماز صبح را تا ناپدید شدن ستارگان به تأخیر اندازد.

سرزنی صمیمانه (۸۶)

مَتَّعَنِي اللَّهُ بِكَ قَرَأْتُ رُفْعَةَ فُلَانٍ فَأَصَابَنِي وَاللَّهِ مَا أَخْرَجَنِي إِلَيْكَ بِعُضِّ لَائِمَتِكَ؛

خدا تو را برای من نگه دارد. نامه فلانی را خواندم. به قدری ناراحت شدم که می خواهم کمی تو را سرزنش کنم.

توجه کامل به مشکلات شیعیان

سُبْحَانَ اللَّهِ أَنْتَ تَعْلَمُ حَيْثُ مَا حَقَّ وَمِنْ طَاعَتِنَا وَأُمُورِنَا فَمَا مَنَعَكَ مِنْ نَقْلِ الْخَبَرِ إِلَيْنَا لِنَسْتَقْبِلَ الْأَمْرَ بِبَعْضِ السُّهُولَةِ أَوْ جَعَلْتَهُ أَنَّهُ رَأَى رُؤْيَا فِي مَنَامِهِ أَوْ بَلَغَ سِنٌ إِلَيْهِ أَوْ أَنْكَرَ شَيْئًا مِنْ نَفْسِهِ كَانَ يُدْرِكُ بِهَا حَاجَتَهُ وَكَانَ الْأَمْرُ يَخْفُ وَقُوعُهُ وَيَسْهُلُ خَطْبُهُ وَيَحْتَسِبُ هَيْدَهُ الْأُمُورَ عِنْدَ اللَّهِ بِالْأَمْسِ نَذْكُرُهُ فِي اللَّفْظِ بِأَنْ لَيْسَ أَحَدٌ يَضِلُّ لَهَا غَيْرُهُ وَاعْتِمَادُنَا عَلَيْهِ عَلَى مَا تَعْلَمُ نَحْمَدُ اللَّهَ كَثِيرًا وَنَسْأَلُهُ الْإِسْتِمْتَاعَ بِبِعَمَّتِهِ وَبِأَصْلِحِ الْمَوَالِي وَأَحْسَنِ الْأَعْوَانِ عَوْنًا وَبِرَحْمَتِهِ وَمَغْفِرَتِهِ؛

سبحان الله تو از تشیع و ولایت مداری و اطاعت پذیری او خبر داشتی و مرا در جریان مشکل او نگذاشتی؟! تا خیلی زودتر از این ها به راحتی مشکلتش را حل کنیم! یا این که او را رها کرده بودی تا خوابی ببیند و یا مصیبتی به او برسد و یا از خودش چیزی را که می توانست با آن مشکلتش را حل کند، انکار نماید. (۸۷) برخی از مشکلات به آسانی اتفاق می افتند و به راحتی

قابل برطرف کردن هستند. اما این امور در روز قیامت و نزد خدا محاسبه خواهند شد.

راه حل را می نویسم به گونه ای که کسی غیر از او صلاحیت آن را نداشته باشد و تو می دانی که ما چقدر به او اعتماد داریم. ثنای بی کران مخصوص خداست. از او درخواست می کنم تا با رحمت و مغفرتش، ما را از نعمت ها و دوستان صالح و یاران خوب بهرمنند سازد. (۸۸)

دستور العمل امام زمان برای کسانی که خود را

برای مرگ آماده می کنند (۸۹)

مُرْ فَلَانًا لَا فَجَعَنَا اللَّهُ بِهِ بِمَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنَ الصِّيَامِ عَلَى مَا أَصِفُ؛

إِمَّا كُلَّ يَوْمٍ أَوْ يَوْمًا وَيَوْمًا لَا أَوْ ثَلَاثَةَ فِي الشَّهْرِ

وَلَا يَخْلُو كُلَّ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ مِنْ صَدَقَةٍ عَلَى سِتِّينَ مِسْكِينًا أَوْ

مَا يُحَرِّكُهُ عَلَيْهِ النَّيُّهُ وَمَا جَرَى وَتَمَّ وَيَسْتَعْمَلُ نَفْسَهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اسْتِعْمَالًا شَدِيدًا

وَكَذَلِكَ فِي الاسْتِغْفَارِ

وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَالِاعْتِرَافِ فِي الْقُنُوتِ بِذُنُوبِهِ وَيَسْتَعْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا

وَيَجْعَلُ أَبْوَابًا فِي الصَّدَقَةِ وَالْعَتِقِ عَنْ أَشْيَاءَ يَسْمُهَا مِنْ ذُنُوبِهِ وَيُخْلِصُ نَيْتَهُ فِي اعْتِقَادِ الْحَقِّ وَيَصِلُ رَحْمَهُ وَيُنْشُرُ الْخَيْرَ فِيهَا؛

به فلانی که خداوند ما را به مصیبت او مبتلا نکند، برسان که تا می تواند، طبق دستور العملی که خواهم گفت، روزه بگیرد.

یا هر روز یا یک روز در میان و یا سه روز در ماه هر روز یا هر دو روز یکبار به شصت فقیر یا همان مقداری که نیتش به آن تعلق یابد، صدقه بدهد.

به شدت خود را به نماز شب و روز مشغول کند.

همین طور استغفار کند.

و قرآن بخواند.

خدا را یاد کند.

در قنوت ها به گناهانش اقرار کند و از آن ها استغفار نماید.

برای گناهایی که به خاطر دارد، صدقه بدهد و بنده آزاد کند.

نیتش را در اعتقاد به امامت خالص کند و صله رحم کرده و به آن ها نیکی نماید.

امام و ستایش دوستان واقعی

وَنَزُجُو أَنْ يَنْفَعَهُ مَكَانَهُ مِنَّا وَمَا وَهَبَ اللَّهُ مِنْ رِضَانَا عَنْهُ وَحَمْدِنَا إِيَّاهُ (۹۰)

امیدوارم که ارتباط و علاقه او نسبت به ما و رضایت و ستایش ما از او، برایش سودمند باشد.

غم امام در مصایب شیعیان

فَلَقَدْ وَاللَّهِ سَاءَ نِي أَمْرُهُ فَوْقَ مَا أَصِفُ عَلَى أَنَّهُ أَرْجُو أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ وَيُبْطِلَ قَوْلَ الْمُنْجِمِ فَمَا أَطَّلَعَهُ اللَّهُ عَلَى الْغَيْبِ؛

به خدا قسم که وقتی گرفتاری او را شنیدم، به قدری ناراحت شدم که قابل توصیف نیست. گذشته از همه این ها از خدا می خواهم که بر طول عمرش بیفزاید و نظر مُنْجِم را باطل کند؛ زیرا خداوند او را بر غیب خود آگاه نکرده است.

گفتن نام امام زمان (۹۱)

مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛

لعنت خدا بر کسی که نام مرا در اجتماعات عمومی ببرد.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ (۹۲)

کسی که نام مرا در محافل عمومی مردم ببرد، ملعون است، ملعون است.

إِنْ دَلَلْتَهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ (۹۳)

اگر نامم را بدانند، فاش می کنند و اگر از مکان زندگی ام باخبر شوند، (۹۴) سربازان حکومت را به آن راهنمایی می کنند.

(۹۵)

تعیین زمان ظهور (۹۶)

كَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛

کسانی که تعیین وقت می کنند، دروغ می گویند.

دعاهای امام زمان علیه السلام (۹۷)

دعا برای ظهور فرج

إِنَّا لِعَظْمِكَ غَاضِبُونَ وَإِنَّا عَلَى نَصِيرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِمُونَ وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ وَإِلَانِحْيَازِ وَعِيدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعِيدِكَ
بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ؛

ما با غضب تو به غضب می آییم. ما بر یاری حق پافشاری می کنیم و به ورود امر تو در جنگ با آنان، مشتاقیم و منتظر تحقق

وعدۀ تو هستیم و توقع آن را داریم تا دشمنان را در احاطه وعیدت قرار دهی. (۹۸)

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَيْدَتَنِي وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ وَأَنْصِرْ نِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعِيدْ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ
دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ
مِنْ خَلْقِكَ؛

ای کسی که در وعده هایت تخلف نمی کنی، وعده ای را که به من داده ای محقق کن، اصحابم را جمع کن و صبرشان را

بیشتر نما و مرا بر دشمنانم و دشمنان پیامبرت یاری کن و دعایم را برنگردان؛ زیرا من بنده و فرزند بنده و کنیز تو، در برابر

اراده ات اسیر هستم. سرورم! تو بودی که مرا به این مقام مخصوص کردی و بر اکثر مخلوقات فضیلت دادی.

امام زمان و گلایه از شیعیان (۹۹)

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبُلُونَ حِكْمَهُ بِالْغَيْهِ فَمَا تَعْنِ النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِالسَّلَامِ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ؛

نه درباره اراده خدا اندیشه می کنید و نه مطیع اولیای او هستید! «حکمتی است که ابلاغ شده است. اما انذارها و ترساندن ها - برای کسانی که اهل ایمان آوردن نیستند - سودی ندارد.» (۱۰۰) سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا.

دعای مختصر و کامل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّاتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِيرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِمِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْفَاكَ وَقَدْ وَفَيْتَ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتَسَّ عَنِّي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَا حَمِيدُ؛

خدایا با پافشاری درخواست می کنم که بر محمد که پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود فرست و قلبم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیت های خیر و اراده ام را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور شناخت هایی که از توست و چشمانم را از نور بینایی و گوش هایم را از نور حکمت و دوستی و علائقم را از نور محبت محمد و خاندانش علیهم السلام لبریز و مالمال گردانی. مرا به گونه ای کن که وقتی تو را ملاقات می کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترده ات وارد شوم. ای سرپرست و ای ستوده.

دعای فرج

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً؛

خدایا بر جانشین و فرزند جانشینت، کسانی که اطاعتشان را واجب کردی و حقشان را لازم دانستی و پلیدی را از آن ها دور کردی و آن ها را پاک شان گرداندی، درود فرست.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْصُرْ بِهِ لِدِينِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ؛

خدایا او را یاری کن و به واسطه او از دین خود حمایت کن و به یاری اولیاء و شیعیانش بفرست

و ما را از آن ها قرار بده.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ
مَنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَأَقْسِمُ
[أَقْسِمُ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْتُلُ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَأَمْلَأُ
بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

خدایا او را از شر ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقات، پناه بده، و از تمام جوانب او را حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او، فرستاده خود و خاندانش را حفظ کن. و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاری اش کن و یارانش را پیروز گردان و دشمنانش را خوار ساز. خدایا به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و کفار و منافقین و تمام منکرین را هلاک کن. چه در بخش های شرقی زمین باشند و چه در بخش های غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او از عدل و داد پر کن و دین پیامبرت را غالب گردان.

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ؛

خدایا مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار بده و خاندان محمد را به تمام آرزوهایشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می ترسند، مبتلا کن.

سلام به امام زمان علیه السلام (۱۰۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ صَاحِبَ الْمَرْأَى وَالْمَسْمُوعِ الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهُ مَوَائِقَهُ

وَيَبِيدُ اللَّهُ عُهْدَهُ وَيَقْدِرُهُ اللَّهُ سُلْطَانُهُ أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي لَا تَعْجَلُ الْعَصِيَّةَ وَالْكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبْخَلُهُ الْحَفِيظَةُ وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ مُجَاهِدَتْكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيئَةِ اللَّهِ وَمُقَارَعَتْكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ وَصَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاةِ اللَّهِ وَشُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ؛

سلام بر تو ای بینا و شنوایی که پیمان هایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خداست و سلطنتت با قدرت خدا محقق می شود. تو آن بردباری هستی که تعصبات، او را به عجله نمی اندازد و بزرگواری هستی که ثبوت و ضبط مسائل او را به بخل و انانیت نمی دارد، تو آن عالمی هستی که تعصبات کور او را به حماقت نمی اندازد. تلاش تو در راه خدا همان خواسته خداست. قلع و قمع کردند در راه خدا، عین انتقام خداست و صبر تو در راه خدا عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن رحمت خداست.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ وَيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ يَا مَحْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ نُورٌ سَمِعَهُ وَبَصَرَهُ وَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ؛

سلام بر تو ای آن که نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعده ای که خدا ضمانت کرده است و ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است.

امام و اختیارات

أَنَّ رَجَعْتُكُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا؛

شهادت می دهم که رجعت شما حق است و شکی در آن نیست.

روزی که ایمان آوردن در آن، سودی ندارد اگر قبلاً ایمان نیاورده باشد و عمل صالحی مطابق ایمانش انجام ندهد.

أَنْتُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ لَا تَرُدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ مَشِيئَةَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ؛

شهادت می دهم که شما حق شفاعت دارید و شفاعتتان رد نمی شود. البته شما نیز از خواسته خدا سبقت نمی گیرید و بر طبق آن عمل می کنید.

راز آفرینش

خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ قَدْ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ؛

او که جن و انس را برای عبادتش آفرید و از بندگانش چیزی غیر از عبادت نخواسته است. پس عده ای بدبخت و برخی سعادتمند شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادتمند کسی است که اطاعت نماید.

تولی و تبری

وَلِيًّا لَكَ بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ مَاقَاتًا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَإِذَا لِمَنْ أَحَبَّكُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمْوَهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمْوَهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ؛

معامله با خدا

من شما را دوست دارم و از دشمنانتان بیزارم. دشمن دشمنانتان و دوست دوستانتان هستم. حق آن است که از آن راضی باشید و باطل آن است که بر آن غضب کنید. خوب آن است که به آن امر کنید و بد آن است که از آن نهی کنید.

أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبِيحٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شُرْطِهِ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ وَنُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ وَبِرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةً لِثَارِكُمْ أَنَا وَلِيُّ وَحِيدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ آمِينَ آمِينَ؛

مولا-یم؛ من از معامله ای که خدا با مجاهدان راه خود انجام داده و در آن جان های مؤمنین را خریداری کرده است، خوشحالم. زیرا جان من به خدای واحدی که شریکی ندارد، و به رسول خدا و امیرالمؤمنین و به همه شما ایمان دارد، مولا-یم، من به همه شما، از اول تا آخرتان ایمان دارم و یاری ام را برایتان مهیا و دوستی ام را خالص و بیزاری از دشمنانتان را برای قیامتتان، آماده کرده ام و دوست یگانه تان هستم بی تردید خداوند معبود حقیقی است و مرا همان طور قرار بدهد. خدایا! اجابت فرما، اجابت فرما.

مصونیت از شر دشمنان (۱۰۲)

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي

وَأَحْيِ بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسَيِّئِكَ وَعَجَّلْ فَرَجِي وَسَهِّلْ مَخْرَجِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سَيِّطَانًا نَصِيرًا وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا
وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَقِنِي جَمِيعَ مَا أُحَازِرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَاحْجُبْنِي عَنِ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ النَّاصِيَةِ العَدَاوَةِ لِأَهْلِ بَيْتِ

نَبِيَّكَ وَلَا يَصِلُ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ.

فَمَاذَا أَذْنَتْ فِي ظُهُورِي فَأَيَّدَنِي بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَ
أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنُصُورِينَ وَوَفَّقَنِي لِإِقَامَةِ حُدُودِكَ وَأَنْصُرَنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ وَأَنْصُرِ الْحَقَّ وَارْزُقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ
زَهُوقًا

وَأُورِدُ عَلَى مَنْ شِيعَتِي وَأَنْصِيَارِي [وَأَمِنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْأُزُرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأُمَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ؛

خدایا مرا از چشم دشمنانم مخفی کن و مرا با دوستانم جمع کن و وعده ای را که به من داده ای، عملی نما. و مرا در دوره
غیبت تا زمانی که اجازه ظهور بدهی، حفظ کن. فرائض و سنن (۱۰۳) پایمال شده ات را به دست من زنده کن.

ظهورم را سریع و خروجم را آسان نما و با سلطنت و نصرت خود مرا یاری کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه راست
هدایت فرما و از تمام خطرات ظالمان حفظم کن و از چشمان دشمنانی که پایه های عداوت باخاندان رسالت را محکم
کردند، مخفی نما تا از هیچ یک از آن ها، بدی به من نرسد.

زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا به سربازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما
و از مجاهدین در راه خودت قرار بده. همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در بر پاداشتن احکام
و حدودت، موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکامت تعدی کند، یاری کن. خدایا حق را یاری و باطل را از بین
ببر، چرا که باطل از بین رفتنی است.

شیعیان و

یاران و کسانی را که دیدارشان مرشاد و مستحکم می کند، به من برسان و آن ها را در قلعه حمایت خود حفظ کن. با رحمت و کرمیت خودت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان (۱۰۴)

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْجَبْرِ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالشَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ؛

الهی به احترام کسانی که در خشکی و دریا، با تو مناجات کردند و دعا خواندند، با ثروت بر فقراى مؤمنین، با شفا بر بیماران، با لطف و بزرگواری بر زنده ها و مرده های ایشان، با مغفرت و رحمت بر مرده هایشان، با برگشتن همراه با سلامتی و موفقیت بر مسافران ایشان، تفضل کن به حق محمد و آل آن حضرت.

حرز (۱۰۵) امام زمان علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَيَا هَارِمَ الْأَحْزَابِ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَيِّبَ الْأَسْيَابِ سَيِّبْ لَنَا سَيِّبًا لَا نَسِيَتُ طَبْعُ لَهْ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ؛

بنام خدای بخشنده مهربان ای خدای مسلط بر انسان ها و ای در هم کوبنده حزب ها، ای گشاینده درها، ای سبب ساز عالم، سببی را برایمان درست کن که ما قادر بر آن نیستیم. به حق لاماله الا-الله و محمد رسول الله که سلام و درودت بر او و خاندانش باد.

دعای در زمان غیبت (۱۰۶)

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ رُسُومَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رُسُومَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رُسُومَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي؛

خدایا خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، فرستاده ات را نخواهم شناخت.

خدایا فرستاده ات را به من بشناسان؛ زیرا اگر او را به من نشناسانی، حجت بعد از او را نخواهم شناخت.

خدایا حجت را به من بشناسان؛ زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد.

خدایا مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن (۱۰۷) و دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن.

دعای فرج

اللَّهُمَّ فَتَّبِنِي عَلَى دِينِكَ وَاسِدِّ تَعْمَلِنِي بِطَاعَتِكَ وَلِيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَعَيِّفْنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَتَّبِنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ
أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنِّي خَلْقَكَ فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنِّي بَرِيَّتِكَ وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صِيَاحُ أَمْرِ
وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ وَصَبْرِنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أَكْشِفَ
عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ
مِنَ الْجَوْرِ وَأُفْوِضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ؛

خدایا؛ مرا در دینت ثابت قدم کن و مرا به اطاعت خود مشغول کن و دلم را برای ولایت ولی امرت، نرم کن و مرا از امتحانات
خَلَقْتَ، عافیت بخش. و در اطاعت ولی امری که او را پوشانده ای، ثابت قدم کن. او که با اراده تو از مخلوقات، غایب شده

و منتظر امر توست و تو بهتر از همه می دانی که مناسب ترین وقت برای ظهور او چه وقت است، تا امامتش را آشکار و سرش را آشکار کنی. در این انتظار به من صبر بده تا مقدم شدن آنچه به تأخیر انداختی و تأخیر آنچه را که مقدم داشتی را نخواهم. آنچه را که پوشاندی باز نکنم و درباره آنچه که کتمان کردی، جستجو نکنم و در تدبیرت مخالفت نکنم و از چرا و چگونگی آن ها و این که چرا ولایت ظهور نمی کند با این که زمین پر از ظلم شده است، سؤال نکنم و تدبیر تمام امورم را به تو می سپارم.

دعا برای مصونیت از شر آخرالزمان

اَللّٰهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِيْنَ لِطَوْلِ الْاَمَدِ فِيْ غَيْبَتِهِ وَاَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُنَسِّتْنَا ذِكْرَهُ وَاَنْتِظَارَهُ وَاَلِاِيْمَانَ بِهٖ وَقُوَّةَ الْيَقِيْنَ فِيْ ظُهْرِهِ وَاَلدُّعَاءَ لَهُ وَاَلصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتّٰى لَا يُقْنَطُنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهْرِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُوْنَ يَقِيْنُنَا فِيْ ذٰلِكَ كَيَقِيْنُنَا فِيْ قِيَامِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَمَا جَاءَ بِهٖ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيْلِكَ قَوْلًا قَلْبُنَا عَلٰى الْاِيْمَانِ بِهٖ حَتّٰى تَسْلُبْنَا مِنْ يَدِهِ مَنَاجِ الْهُدٰى وَاَلْمَحَجَّةَ الْعُظْمٰى وَاَلطَّرِيْقَةَ الْوَسْطٰى وَقَوْلَنَا عَلٰى طَاعَتِهِ وَبُتْنَتَنَا عَلٰى مُشَايَعَتِهِ وَاَجْعَلْنَا فِيْ حِزْبِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ وَاَلرَّاضِيْنَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذٰلِكَ فِيْ حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتّٰى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلٰى ذٰلِكَ غَيْرُ شَاكِيْنَ وَلَا نَاكِيْنِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكْذِبِيْنَ؛

خدایا یقین ما را به خاطر طولانی شدن مدّت غیبت و بریده شدن اخبار او از ما، سلب نکن. یاد و انتظار و ایمان و شدّت یقین در ظهور و دعا و صلوات بر او را از یاد ما نبر. تا طولانی شدن غیبتش ما را از ظهورش مأیوس نکند و یقین ما در قیام

او مانند یقین ما در قیام رسول خدا و نزول قرآن باشد. دل هایمان را در ایمان به او قوی کن تا ما را به دست او در راه روشن هدایت و راه وسط و اعتدال (صراط مستقیم)، به حرکت بیاوری و ما را در اطاعتش تقویت و در همراهی اش ثابت قدم کن و ما را از گروه و یاران و راضیان به کارهایش قرار بده.

و این توفیق را چه در زمان حیات و هنگام وفات از ما نگیر تا در نتیجه ما، در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم.

شکایت از یتیمی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَعَجِبْنَا وَشَدَّهَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعِ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرِ الْأَعْدَاءِ وَكَثْرَةِ عَدُوِّنَا وَقَلَّةِ عَدَدِنَا؛

خدایا ما در پیشگاه تو از نبودن پیامبران از یک سو و غیبت ولی مان از سوی دیگر و سخت گیری زمانه با ما و بروز و ظهور فتنه های گوناگون و تسلط و فراوانی دشمنان و کمی تعدادمان شکایت می کنیم.

اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِصَبْرِ مِنْكَ تُيسِّرُهُ وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

خدایا همه این گرفتاری ها را با پیروزی سریعی از جانب خودت و صبری از تو که آن را برایمان آسان کنی و امام عادلی که آشکار کنی، برطرف کن. ای معبود حق پروردگار جهانیان!

پیروزی در دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در دنیا و آخرت به برکت آن ها از نجات یافتگان و مقربان قرار بده.

دعای فرج (۱۰۸)

اللَّهُمَّ أَنْجِرْ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛

خدایا وعده ای را که به من داده ای، عملی کن.

در خواست انتقام

اللَّهُمَّ ائْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ؛

خدا به دست من از دشمنانت انتقام بگیر.

دعای فرج (۱۰۹)

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكَلِّ لِمَكَ مُدْعُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّرَنِي لِأَمْرِي وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِينِي حَوَائِجِي السَّاعَةِ السَّاعَةِ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

از تو درخواست می کنم به حرمت اسمی که موجودات را آفریدی و همه به آن اقرار می کنند.

از تو درخواست می کنم که به محمد و خاندان او درود فرستی و کار مرا محقق کنی و در فرجم تعجیل نمایی و مرا کفایت کنی و از شر دشمنان، عافیت بخشی و نیازهایم را برآورده سازی.

همین الآن همین الآن، همین امشب همین امشب؛ زیرا تو توانایی هر کاری را داری.

امام زمان روضه خوانی می کند

ارادت امام زمان علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام (۱۱۰)

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ الْمُخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ الْبَرِيءِ مِنْ أَعْيَادِكَ سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ؛

سلام بر تو، سلام کسی که حرمت تو را می شناسد و در وصیتت خالص شده است و با محبت تو به خدا تقرب می جوید و از دشمنانت بیزار است.

سلام کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح و اشکش به هنگام یاد تو جاری است.

سلام داغداری که محزون و دلدا و برجای مانده است.

آرزوهای امام زمان علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام

سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَيْدَ السُّيُوفِ وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَصَرَ رَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً
وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً؛

سلام کسی که اگر در میدان جنگ با تو بود، تو را با سپر کردن خود در برابر شمشیرها محافظت می کرد؛

و جانش را برای تو فدا می کرد؛

و در مقابلهت مجاهدت می نمود؛

و در برابر متجاوزان، تو را یاری می کرد؛

و جان و جسم و مال و فرزند را فدای تو می کرد.

آری روحش را فدای روح،

و خانواده اش را فدای خانواده ات می نمود.

حسرت امام زمان علیه السلام درباره شهدای کربلاء

فَلَيْنَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورَ وَعَاقِنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا

فَلَا تُدْبِنَكَ صِيحَابًا وَمَسَاءً وَلَا بُكِينَ لَكَ يَدَلِ الدَّمُوعِ دَمًا حَسِيرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسُفًا عَلَيَّ مَا دَهَاكَ وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعِهِ الْمُنْصَابِ
وَعُصْبِهِ الْإِكْتِيَابِ؛

اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری در حد مقدور، محروم کرد. در نتیجه نتوانستم با دشمنان، دشمنی و با کسانی که پایه گذاران خصومت با تو بودند، خصومت نمایم، در مقابل، صبح و شام برایت ندبه و مرثیه می خوانم و به جای اشک خون حسرت می گیرم. حسرت و تاسف بر فاجعه ای که برایت رخ داد و غم و غصه تا زمانی که از شدت مصیبت تو بسوزم و بمیرم.

سیمای امام حسین علیه السلام در کلام امام زمان علیه السلام

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانَ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبَحَلْتَهُ فَأَرْضَ يَتَهُ وَخَشِيَّتَهُ وَرَاقِبَتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ وَسَنَّتِ السُّنَنَ وَأَطَفَأْتَ الْفِتْنَ وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ

وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَلِحَيْدِكَ مُحْتَمِدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا وَإِلَى وَصِيَّتِهِ أَخِيكَ مُسَارِعًا وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا
وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا وَلِلطُّغَاهِ مُقَارِعًا وَلِلْأُمَّهِ نَاصِحًا وَفِي عَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا وَبِحَجَجِ اللَّهِ قَائِمًا وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا وَعِنْدَ الْبُلَاءِ صَابِرًا وَلِلدِّينِ كَالِنَا وَعَنْ حُوزَتِهِ مَرَامِيًا

تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَرْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتَامِ وَعِضْمَةَ الْأَنْامِ وَعِزَّ الْإِسْلَامِ وَمَعِيدَ الْأَحْكَامِ وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ سَالِكًا طَرِيقَ حَيْدِكَ
وَأَبِيكَ مُشَبَّهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ وَفِي الدَّمِ رَضِيَ الشِّيمِ ظَاهِرَ الْكَرَمِ مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلَمِ قَوِيمَ الطَّرَائِقِ كَرِيمَ الْخَلَائِقِ عَظِيمَ
السَّوَابِقِ شَرِيفَ النَّسَبِ مُنِيفَ الْحَسَبِ رَفِيعَ الرُّتَبِ كَثِيرَ

الْمَنَاقِبِ مَحْمُودِ الصَّرَائِبِ جَزِيلِ الْمَوَاهِبِ حَلِيمِ رَشِيدِ مُيَبِّ جَوَادِ عَلِيمِ شَدِيدِ إِمَامِ شَهِيدِ أَوَاهِ مُيَبِّ حَبِيبِ مَهِيبِ كُنْتَ لِلرَّسُولِ
صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ وَاللَّقُرْآنِ مُتَقِدًا وَاللَّأَمَّةِ عَضُدًا وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفَسَاقِ وَبَازِلًا
لِلْمَجْهُودِ طَوِيلِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهَيْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاطِرًا إِلَيْهَا بَعِينِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا آمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَهُ
وَهَمَّتَكَ عَنْ زِينَتِهَا مَضْرُوفَهُ وَالْحَاطِكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَهُ وَرَعْبَتَكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَهُ

حَيْتَى إِذَا الْجَوُورُ مَيَّدَ بَيَاعَهُ وَأَسْفَرَ الظُّلْمَ قِتَاعَهُ وَدَعَا الْعُيَّ أَتْبَاعَهُ وَأَنْتَ فِي حَرَمِ حَيْدِكَ قَاطِنٌ وَلِلظَّالِمِينَ مَيَابِنُ جَلِيسِ السَّبْتِ
وَالْمِحْرَابِ مُعْتَرِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ تُنَكِّرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ
وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ

فَسَبَّرَتْ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهَالِيكَ وَشَبَابِكَ وَمَوَالِيكَ وَصَدَعَتْ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ وَدَعَوَتْ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَمَرَتْ
بِإِقَامَةِ الْخَيْرِ وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ وَوَأَجْهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ فَجَاهِدْهُمْ بِعِيدِ الْإِعَازِ لَهُمْ وَتَأْكِيدِ
الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ؛

شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و مطیع خدا بودی و
معصیتش را نکردی و به او و دستاویزش چسبیدی. در نتیجه او را از خود راضی کردی و ترسیدی و مراقب اطاعتش بودی و
اوامرش را اجابت کردی و سنت هایش را سنت کردی و فتنه ها را خاموش نمودی و به سوی رشد و بالندگی هدایت کرده و
راه های پایداری را روشن و در مسیر او جهاد نمودی.

مطیع خدا و پیرو جدت و گوش به حرف پدرت و عمل کننده به وصیت برادرت و بلند کننده ستون های دین و قلع و قمع
کننده طاغیان و درهم کوبنده سرکشان

و خیرخواه امت و شناور در تنگنای مرگ و مجازات کننده فاسقان و قیام کننده با ادله الهی و دلسوز برای اسلام و مسلمانان و یاریگر حق و صبور در بلا و یاور دین و محافظت کننده از محدوده آن بودی.

و یاریگر هدایت و گسترش دهنده عدالت و پشتیبان دین و نهی کننده از بیهودگی ها و بازدارنده از تعرض افراد پست به انسان های شریف و عدالت پیشه در حکم میان قوی و ضعیف.

تو پناه یتیمان و نگهدار انسان ها و عزت اسلام و معدن احکام و مهمان نواز، رونده راه جدّ و پدرت، عمل کننده به وصیت برادرت، خوش عهد، خوشرفتار، بزرگوار، شب زنده دار، سالک راه های مطمئن، بخشنده به بندگان خدا، سابقه دار بزرگ، با نسب شریف، بلند مرتبه، صاحب فضایل فراوان، نیک سرشت، بسیار بخشنده، بردبار جوانمرد، نیک رفتار، بخشنده، دانای مستحکم، امام شهید، متضرع، انابه کننده، دوست با هیبت بودی.

تو برای رسول خدا، فرزند و برای قرآن، تابع و برای امت، بازو بودی. در اطاعت خدا تلاشگر، حافظ عهد و وفا کننده پیمان بودی، تو اهل رکوع و سجده های طولانی بودی، در دنیا مانند کسی که به زودی عبور می کند، زهد می ورزیدی و از آن وحشت داشتی، برای آن آرزویی نداشتی و برای ترئین آن تلاش نمی کردی و چشمانت از خوشی های آن بسته شده و علاقه ات برای آخرت معروف است. حتی زمانی که ظلم دستش را گشود و نیزه اش را برهنه کرد و یارانش را جمع کرد، تو در حرم جدّت نشسته بودی و از آن ها فاصله گرفته بودی. همنشین خانه و محراب شدی از لذت ها و شهوات دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب

و زبانت، در حد توانت، نهی می کردی. بعد از آن علم تو باعث انکار شد و واجب شد که با ظالمان جهاد کنی. در نزد خانواده و شیعیان و دوستان رفتی و ظالمان را با حکمت و موعظه نیکو، به سوی خدا دعوت کردی و از آن ها خواستی تا احکامت را عملی کنند و از معبودشان تبعیت نمایند و از بدی ها و طغیانگری نهی کردی. آن ها در مقابل با ظلم و دشمنی با تو روبه رو شدند. در نهایت نیز بعد از موعظه و اتمام حجت با آن ها جنگیدی.

روضه روز عاشورا

فَنكَثُوا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتِكَ وَأَسِيخَطُوا رَبَّكَ وَجِدَّكَ وَيَدْيُوكَ بِالْحَرْبِ فَثَبَّتَ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ وَطَحَنَتِ جُنُودَ الْفَجَارِ وَاقْتَحَمَتِ قَسِيظَ ظَلِّ الْعَبَارِ مُجَالِدًا بِهَيْدِي الْفَقَارِ كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتِ الْجَاشِ غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَقَهَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرَّهِمْ وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ الْمِيَاءَ وَوَرُودَهُ وَنَاجَزُوكَ الْفُتَالَ وَعَيَا جَلُوكَ التُّرَالَ وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْإِصْطِلَامِ وَلَمْ يَزْعُوا لَكَ ذِمَامًا وَلَا رَاقَبُوا فِيكَ أَنَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ وَنَهَبَهُمْ رِحَالَكَ وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ وَمُحْتَمِلٌ لِلذِّيَابِ قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ فَأَخْرَجُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأَثَخُنُوكَ بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرِّوَاكِ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ إِلَى الْمَارِضِ جَرِيحًا تَطْنُوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوكَ الطُّغَمَاءُ بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْفِيَاضِ وَالْإِنْبِسَاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ وَقَدْ شَغِلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهَالِيكَ وَأَسِيرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا مُحْمَحِمًا بَاكِيًا فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًا وَنَظْرُونَ سِرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِاطِمَاتِ لِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ

دَاعِيَاتٍ وَبَعِيدَ الْعِزِّ مُدَلَّلَاتٍ وَإِلَى مَضْرَعِكَ مِبَادِرَاتٍ وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَمَوْلُغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ
بِيَدِهِ ذَابِئٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ قَدْ سَكَنْتَ حَوَاشِكَ وَخَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاهِ رَأْسَكَ وَسَبَى أَهْلَكَ كَالْعَيْدِ وَصَفَّدُوا فِي الْحَدِيدِ
فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حُرُّ الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ أَيْدِيَهُمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي
الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاهِ الْفَسَاقِ؛

در عهدی که بسته بودند، پیمان شکنی کردند، و پروردگار و جدت را غضبناک و جنگ با تو را آغاز کردند. تو نیز ضربات خود را آغاز کردی و سربازان فاسق را در هم کوبیدی و در میان گرد و غبار فرو رفتی و با ذوالفقار جنگیدی. گویا که تو علی هستی.

زمانی که آن ها متوجه ثبات قدم و نترسی تو شدند، از در مکر وارد شدند و با حيله هایی که در سر داشتند با تو جنگیدند. آن لعین امر کرد تا لشکریانش راه تو به آب را بستند و با تو قتال نمودند، و به جنگ و مبارزه با تو شتافتند، و تیرها و خدنگ ها به سوی تو پرتاب نمودند، و برای زمین گیر کردنت اقدام کردند، و حرمتی برای تو مراعات نکردند، و از هیچ گناهی در مورد تو خودداری نمودند، چه در کشتن دوستانت، و چه در غارت اثاثیه خیمه ها. آری تو در گرد و غبار جنگ پیش تاختی، و آزار و اذیت های فراوانی تحمّل نمودی، آن چنان که فرشتگان آسمان ها از صبر و شکیبایی تو به شگفت آمدند، پس دشمنان از همه طرف به تو هجوم آوردند، و تو را به سبب زخم ها و جراحت ها ناتوان نمودند، و راه خلاص و رفتن را بر تو بستند، تا

آن که هیچ یآوری برایت نماند، ولی تو حسابگر (عمل خویش برای خدا) و صبور بودی، از زنان و فرزندان دفاع و حمایت می نمودی، تا این که تو را از مرکب انداختند، پس با تنی مجروح بر روی زمین افتادی. اسب ها با سم هایشان تو را زیر دست و پا له کردند و طاغیان و فاسقان بی ارزش بالای سر تو ایستادند. پیشانی ات برای مرگ عرق کرده بود و راست و چپ تنت - از شدت درد - منقبض و منبسط می شدند. چشمانت را به آرامی چرخاندی و به سوی خیمه گاه نگاه کردی، در حالی که فکر تو از جانب آن ها پریشان شده بود. اسبت با سرعت به سوی خیمه ها فرار کرد در حالی که شیشه می کشید و گریه می کرد.

زمانی که زن ها اسب تو را در آن حال پریشانی یافتند و زینش را خالی از تو دیدند، از خیمه ها بیرون ریختند. در حالی که موهای خود را پریشان ساخته بودند. با دست بر صورتشان می زدند. رو بندهایشان افتاده بود و صدایشان به او ایلا بلند شده بود. بعد از عزت به ذلت افتادند و به سوی مقتل تو می دویدند. در همان حال شمر بر روی سینه تو نشست بود، و شمشیر خویش با خون گلویت سیراب می کرد، با دستی محاسن شریف را در مشت می فشرد، (و با دست دیگر) با تیغ آخته اش، سر از بدنت جدا می کرد، تمام اعضا و حواس از حرکت ایستاد، نفس های مبارکت در سینه پنهان شد، و سر مقدست بر نیزه بالا رفت، اهل و عیالت چون بردگان به اسیری رفتند، و در غل و زنجیر آهنین بر فراز جهاز شتران در بند شدند، گرمای (آفتاب) نیمروز

چهره هایشان را می سوزاند، در صحراها و بیابان ها کشیده می شدند، دستانشان را به گردن هایشان زنجیر کرده و در بازارها می گرداندند. ای وای بر این سرکشان گناهکار!

حسین تجسم اسلام

لَعَدُو قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ وَهَيَّدُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وَحَرَفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَهَمَلُوا فِي الْبُغْيِ وَالْعِدْوَانِ لَعَدُو أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا وَعِيَادَ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا وَغُودِرَ الْحَقِّ إِذْ قَهَرَتْ مَقْهُورًا وَفَقَدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّحْرِيمَ وَالتَّحْلِيلَ وَالتَّنْزِيلَ وَالتَّأْوِيلَ وَظَهَرَ بِعَيْدِكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ؛

به تحقیق که با کشتن تو اسلام را کشتند، و نماز و روزه (خدا) را بدون یاور رها نمودند، و سنت ها و احکام (دین) را از بین بردند، و پایه های ایمان را منهدم نمودند، و آیات قرآن را تحریف کرده، در (وادی) جنایت و عداوت پیش تاختند.

به راستی رسول خدا «که درود خدا بر او و آل او باد» (با شهادت تو) تنها ماند! (یا مظلوم واقع شد)، و کتاب خداوند عزوجل میتروک گردید، و آن گاه که تو مقهور و مغلوب گشتی، حق و حقیقت مورد خیانت واقع شد، و به فقدان تو تکبیر خدا و کلمه توحید، حرام و حلال دین، و تنزیل و تأویل قرآن جملگی از بین رفت، و پس از تو تغییر و تبدیل (احکام)، کفر و الحاد و بی سرپرستی دین، هوی و هوس ها و گمراهی ها، فتنه ها و باطل ها جملگی (بر صفحه روزگار) ظاهر شد.

عزای کل هستی برای امام حسین علیه السلام

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ حَيْدِكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ وَاسْتَبِيحَ أَهْلَكَ وَحَمَاكَ وَسَبَّكَ بِعَيْدِكَ ذَرَارِيكَ وَوَقَعَ الْمُخِيدُورُ بِعَثْرَتِكَ وَذَوِيكَ فَانزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعْزِي أَيْكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَقِيَمْتَ لَكَ الْمَأْتَمَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَلَطَمْتَ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ

وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسَيَّكَانُهَا وَالْجِنَانُ وَخُزَانُهَا وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِيَتَانُهَا وَالْجِنَانُ وَوَلَدَانُهَا وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ؛

پس پیکِ مرگ نزد قبرِ جدّت رسول خدا «که رحمتِ بی پایانِ خداوندی بر او و آلِ او باد» ایستاد، و با اشکِ ریزانِ خبرِ مرگِ تو را به وی داد، و این گونه گفت: ای رسول خدا! دخترزاده جوانمردت شهید شد، خاندان و حریمتِ مُباحِ گردید، پس از تو فرزندانِ به اسیری رفتند، و وقایعِ ناگواری به عترت و خانواده ات وارد شد. پس (از شنیدنِ این خبر) رسولِ خداصلی الله علیه و آله مضطرب و پریشان گردید، و قلبِ هراسناکش بگریست، و فرشتگان و انبیاء (به خاطر مصیبتِ تو) او را تسلیت و تعزیت گفتند، و مادرت زهرا (از اندوهِ مصیبتِ تو) دردناک شد، و دسته هایِ ملائکه مقربین درآمد و شد بودند، پدرت امیرمؤمنان را تعزیت می گفتند، مجالسِ ماتم و سوگواری برای تو در اعلا، علین برپا شد، و حورالعین به جهت تو به سر و صورت زدند، (در عزایِ تو) آسمان و ساکنانش، بهشت ها و نگهبانانش، کوه ها و کوهپایه ها، دریاها و ماهیان، [شهر مکه و پایه هایش فردوس ها و جوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم، و مشعرالحرام، و حلّ و حرمِ جملگی گریستند.

توسل به خاک کربلاء

اللَّهُمَّ فَبِحُزْمِهِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ صَلِّ [عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ؛

بار خدایا! به حرمتِ این مکانِ رفیع، بر محمد و آلِ او رحمت فرست و مرا در زمره آنان محشور فرما، و به شفاعت و وساطتِ آن ها مرا داخلِ بهشت گردان.

توسل به معصومین علیهم السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرِعَ الْخَاسِبِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمَكِينِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِالْحَسَنِ الرَّكِيِّ عَضِيْمِهِ الْمُتَّقِينَ وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ وَبِأَوْلَادِهِ الْمُقْتُولِينَ وَبِعِزَّتِهِ الْمُظْلَمِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَبْلَهُ الْأَوَّابِينَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ مُظْهِرِ الْبُرَاهِينَ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُتَهْتِدِينَ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسَى تَخْلُفِينَ وَالْحُجَّهَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ آلِ طَهٍ وَيَسْ وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمَسْلُومِينَ وَالْحَقِيئَةَ بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ وَاصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَيَّاكِرِينَ وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَّامِينَ فِي أَعْلَى عَلِيَّيْنَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

بار خدایا! من به تو توسل می رجویم ای سریع ترین حسابگران، و ای بخشنده ترین کریمان، و ای فرمانروای حاکمان، به حق محمد آخرین پیامبران، و فرستاده تو به سوی تمام جهان ها، و به حق برادرش و پسر عمویش، آن بلند پیشانی میان پُر، آن دانشمند عالی مرتبه، یعنی

علیٰ فرمانروای مؤمنان، و به حق فاطمه سرور بانوان جهانیان، و به حق حسن مجتبی که پاک و مبرا و پناهگاه متقین است، و به حق ابی عبدالله الحسین گرامی ترین شهدا، و به حق فرزندان مقتولش، و خانواده مظلومش، و به حق علی بن الحسین زیور عابدان، و به محمد بن علی قبله توبه کنندگان، و جعفر بن محمد راستگوترین صادقان، و موسی بن جعفر آشکار کننده دلایل و براهین، و علی بن موسی یاور دین، و محمد بن علی اُسوه و الگویی هدایت شوندگان، و علی بن محمد زاهدترین پارسایان، و حسن بن علی وارث جانشینان، و حجت خدا بر تمام آفریدگان، این که درود فرستی بر محمد و آل او، آن راستگویان نیکوکار، همان آل طه و یاسین، و این که مرا در قیامت از کسانی قرار دهی که (از عذاب تو) ایمن و با آرامش خاطر و رستگار و مسرور و بشارت یافته اند.

بار خدایا! نام مرا در زمره مسلمین نوشته، و مرا به صالحین ملحق فرما، و نام مرا بر زبان اُمت های آتیه نیکو قرار ده، و مرا بر علیه ظالمین یاری ده، و از مکر حسودان حفظ فرما، و نیز حيله حيله گران را از من برگردان، و دست ستمکاران را از من دور نگه دار، و بین من و آن سروران با میمنت در اعلا، علین جمع بفرما، همراه با کسانی که بر آن ها انعام فرمودی، یعنی پیامبران، راستگویان در عمل و گفتار، و شهدا و نیکان، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

توسل به پیامبر و قبر امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتَمِمْ وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ الْمِيَسِدِ فِي كَنْفِهِ الْإِمَامِ الْمَعْصُومِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي

مِنَ الْغُيُومِ وَتَضِيرَفَ عَنِّي شَرَّ الْقَادِرِ الْمُحْتُومِ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ اللَّهُمَّ جَلِّلِنِي بِنِعْمَتِكَ وَرَضِّنِي بِقِسْمِكَ وَتَعَمَّدِنِي بِجُودِكَ وَكَرَّمِكَ وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنَقِمَتِكَ اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَأَفْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَالِ وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِي وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ؛

بار خدایا! تو را سوگند می دهم به حق پیامبر معصومت، و به حق حکم حتمی و قطعی ات، و به حق نهی پنهانی ات، و به حق این آرمگاهی که مردم از هر طرف به جهت زیارت بر او گرد می آیند، و این امام معصوم مقتول مظلوم که در جانب آن تکیه زده، این که غم و غصه ها را از من برطرف فرمایی، و شرور قضا و قدر حتمی را از من برگردانی، و مرا از آتش عذابت که دارای بادهای سوزان است پناه دهی و نگه داری.

بار خدایا! مرا با نعمت خود احاطه کن، و به عطایای خود راضی و خوشحال فرما، و به جود و کرمت مرا بیوشان، و از مکر و انتقام خود دورم ساز

خواسته های روز عاشورا

اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَارْحَمْ عَيْبَتِي وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي وَنَفْسِ كُرْبَتِي وَأَعْفُزْ لِي خَطِيئَتِي وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرَيْتِي اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَّطْتَهُ وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلَا فَسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلَا مُضَيِّقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمَلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَّمْتَهُ وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ وَلَا إِتْفَاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ وَلَا حَالًا إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا عِدْوًا إِلَّا أَرَدَيْتَهُ

وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَذْنَيْتَهُ وَلَا شَعْبًا إِلَّا لَمَمْتَهُ وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلِهِ وَتَوَابَ الْآجِلِهِ.

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحِلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنْامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا وَعَمَلًا زَاكِيًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَأَجْرًا جَزِيلًا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَثْبُوعًا وَعَدْوِي مَقْمُوعًا؛

بارخدایا! بر محمد و آل او رحمت فرست و توبه مرا قبول فرما، و بر اشک چشمم ترحم نما، و لغزش مرا چشم پوشی فرما، و خزن و اندوه مرا زایل کن، و گناهم را بر من ببخشای، و خاندان و نسل مرا برایم اصلاح فرما.

بارخدایا! در این مشهد و الامقام و در این محل گرامی، برایم مگذار گناهی را مگر آن که ببخشی، و نه عیبی را مگر آن که مستور نمایی، و نه غم و غصه ای را مگر برطرف فرمایی، و نه رزقی را مگر گسترش دهی، و نه قدر و منزلتی را مگر باقی بداری، و نه فسادی را مگر اصلاح فرمایی، و نه آرزویی را مگر نایل کنی، و نه دعایی را مگر اجابت فرمایی، و نه تنگنایی را مگر بگشایی، و نه امور پراکنده ای را مگر جمع و برقرار نمایی، و نه امری را مگر تمام فرمایی، و نه مالی را مگر فراوانی ببخشی، و نه خلق و زشتی را مگر نیکو گردانی، و نه انفاقی را مگر جایگزین فرمایی، و نه حالی را مگر آباد فرمایی، و نه حسودی را مگر ذلیل نمایی، و نه دشمنی را مگر هلاک گردانی، و

نه شری را مگر منع فرمایی، و نه بیماری را مگر شفا بخشی، و نه دوری را مگر نزدیک فرمایی، و نه اختلافی را مگر جمع و اصلاح نمایی، و نه خواهشی [خواسته ای را مگر عطا فرمایی.

بار خدایا! من از تو درخواست می کنم خیر دنیا و ثواب آخرت را.

بار خدایا! مرا به سبب حالات از حرام مستغنی کن، و به فضل و احسانت از جمیع خلق بی نیاز فرما.

بار خدایا! از تو درخواست می کنم دانشی مفید، قلبی خاشع، یقینی سلامت بخش، عملی صالح و پاک، صبری زیبا، و اجری عظیم را.

بارالها! شکر نعمت را بر من روزی ام کن، و احسان و کرمّت را بر من زیاد فرما، و گفته مرا در میان مردم شنوده نما، و عمل مرا به نزد خویش بالا بر، و سنت باقیمانده مرا در امور خیر مورد پیروی قرار ده، و دشمنم را خوار و ذلیل گردان.

توسل به امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ فَرَجًا قَرِيبًا وَصَبْرًا جَمِيلًا - وَنَصِيرًا عَزِيزًا وَغَنَى عَنِ الْخَلْقِ وَثَبَاتًا فِي الْهُدَى وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا مَرِيئًا دَارًا سَائِغًا فَاضِلًا مُفْضِلًا صَبًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكَدٍ وَلَا مِنْهُ مِنْ أَحَدٍ وَعَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنَّعْمَاءِ وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ حَتَّى تُؤَدِّيَنَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حق این امام بزرگوار، گشایشی نزدیک را، و صبری نیکو را، و پیروزی ای توأم با عزّت را، و بی نیازی از خلاق را، و دوام و استمرار در طریق هدایت را، و توفیق را بر آنچه تو دوست

داری و رضایت تو در آن است، و روزی ای که واسع، و حلال، پاک، و گوارا و ریزان و خوش گوار، فراوان و برتر و پی در پی باشد، بدون هیچ زحمت و مشقتی، و خالی از هرگونه منتی از آخیدی. و (نیز درخواست می کنم) تندرستی از هر بلا و ناخوشی و بیماری را. و شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را. و هنگامی که مرگ ما فرا رسد بر نیکوترین حال طاعت، ما را قبض روح فرمایی، و در حالتی که نگاهبان دستورات تو باشیم، تا آن که ما را به بهشت های پُر نعمت برسانی، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان!

رابطه با دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَآنِسْنِي بِالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ؛

بارخدا! بر محمد و آل او رحمت فرست، و مرا از دنیا در وحشت و هراس قرار ده و به آخرت انیس فرما، چرا که فقط خوف از تو دنیا را وحشت زا می کند، و فقط امید و دلبندی به تو آخرت را انس بخش می کند.

فقیرو غنی

اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مِمَّنْ لا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ؛

بارالها! غنی آن کسی است که به سبب تو بی نیازی جوید و به سوی تو محتاج باشد، و فقیر و درمانده کسی است که از تو (روگردان شده) به جانب مخلوق بی نیازی طلبد، پس رحمت نما بر محمد و آل او، و مرا از خلق خودت به سبب خودت بی نیاز فرما، و مرا چنان قرار ده که هیچگاه دستی جز بسوی تو دراز نکنم،

بیچاره و بدبخت واقعی

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَآمَاهُ التَّوْبَةُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي؛

بارالها! بدبخت کسی است که با این که راه توبه و بازگشت جلوی او و رحمت تو پشتیان اوست ناامید شود، اگرچه عمل من ضعیف و سُست است، لکن امید رحمت تو در من قوی است، پس ضعف عمل مرا در قبال قوت امیدم، بر من ببخشای.

بدترین بنده و بهترین خدا

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَيَّا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَى أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ اغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ؛

بارخدا! اگر تو چنان دانی که در میان بندگانت از من سنگدل تر و پرگناه تر نیست، (در عوض) من هم به یقین می دانم که

هیچ مولا و سرپرستی فضل و عطایش از تو بیشتر نیست، و رحمت و عفویش از تو وسیع تر نیست، پس ای کسی که در رحمت و مهربانی یگانه ای، ببخشای کسی را که در جرم و گناهش تنها و یگانه نیست.

بی حیایی!

اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نُهَيْتُ قَلْبَهُ حَيَاءً وَتَزَكِي اسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعُ لِحَقِّ الرَّجَاءِ؛

بار خدایا! این کم حیایی من است که (از طرفی) در خانه تو استغفار می کنم و (از طرف دیگر) بر مناهی تو پافشاری می ورزم، چنانچه اگر استغفار نکنم با این که وسعت حلم تو را آگاهم، این تباه نمودن حق امیدواری است.

توسل به امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ وَالْأَبَوِيهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ إِذْ رَارَ الرِّزْقُ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا وَصَيِّمًا لِمَا أَحْوَالِ عِيَالِنَا فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مَنْ سَعَهُ وَتَمْنَعُ مَنْ قُدْرَهُ وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلَاحًا لِلدُّنْيَا وَبَلَاغًا لِلْآخِرَةِ؛

خدایا ما به واسطه این بنده خالص و امام به تو متوسل می شویم و به خاطر حقی که برای او و جدش رسول خدا و والدینش علی و فاطمه که اهل بیت رحمت هستند، درخواست می کنم که روزی لازم برای ادامه زندگی و رسیدگی به معاش خانواده مان را پیوسته عنایت کنی؛ زیرا تو آن کریمی هستی که از وسعت نعمتش می بخشد و از با قدرتت مرا عذاب نمی کنی. آری ما آن قدر روزی می خواهیم که صلاح دنیا و آخرتمان در آن است.

دعای عمومی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به همراه والدین و همه مردان و زنان مؤمن و مسلمان، چه زنده باشند و چه مرده، ببخش و در دنیا و آخرت حسنات خود را عنایت کن و ما را از عذاب آتش ننگه دار.

دعای امام برای شیعیان (۱۱۱)

وَأَبْقِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَخِيهِمْ فِي عِزِّنا وَمُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدَوْلَتِنَا

خدایا آن ها را در دوران عزت و حکومت ما، نگه دار، یافرمودند: زنده کن.

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه مبارک رمضان (۱۱۲)

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَيْلَسِبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ

فَزَوَّجْنَا وَمِنَ الْوَالِدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَمَا أَنَّهُمْ لَوْلُو مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنَ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَالْحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعَمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ
وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبَسْنَا

وَلَيْلَهُ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْنِكَ الْحَرَامِ وَفَتَلَّا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوْقَ لَنَا

وَ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا

يَا خَالِقَنَا اسْمِعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا

وَإِذَا جَمَعَتِ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا

وَبِرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ فَارْحَمْنَا

وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تُقْرِنَا

وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تُقْلِبْنَا

وَمِنَ الرُّقُومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا

وَفِي النَّارِ عَلَيَّ وَجُوهِنَا فَلَا تَكْتِبْنَا

وَمِنَ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَائِلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا

وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجِئْنَا؛

خدایا به واسطه رحمت، ما را در زمزمه صالحان وارد کن و به مقام علین بالا ببر و با کاسه ای از آب زلال از چشمه سلسبیل
سیراب و با حورالعین تزویج و از پسران ماندگار بهشتی که مانند لؤلؤ می درخشند، برایمان خادم و از میوه های بهشت و
گوشت های پرندگان آن، غذا و از لباس های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده.

توفیق درک شب قدر و حج بیت الله الحرام و شهادت در راه خودت را به همراه ولی خودت عنایت فرما.

دعاهای صالح و درخواست های خوبمان را اجابت کن.

ای خالق ما دعاهايمان را بشنو و مستجاب کن.

زمانی که اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع کردی، به ما رحم کن.

نجات از آتش و امان از آن را برایمان ثبت کن.

نکن و با شیاطین همنشین ننما.

در خواری و عذابت ما را نگردان.

از زقوم و چرک های دوزخ نخوران.

با صورت ما را در دوزخ نینداز.

از لباس ها آتشین و مس های گداخته نپوشان.

ای کسی که جز تو خدایی نیست، به حق خودت ما را از هر بدی نجات بده.

اقرار به گناهان (۱۱۳)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِكَ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِغَيْبَاتِنَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِأَسْرَارِنَا وَتَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِنَا وَتَعْلَمُ مَا فِي سِرِّبِحَانٍ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ؛

خدایا اگر تو را اطاعت کردیم، حمد و ثنا برای توست. (۱۱۴) و اگر معصیت کردیم، تو علیه ما دلیل داری. راحتی و گشایش از توست. پاک و منزه است کسی که نعمت می دهد و تشکر می کند. (۱۱۵) پاک و منزه است کسی که مقدر می کند و می بخشد. (۱۱۶)

معصیت و انواع آن

قَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ بِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَيَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ؛

خدایا از سر لجبازی و با قصد خروج از عبودیت و انکار به ربوبیت تو، گناه نکرده ام. بلکه فریب هوای نفسم را خوردم و شیطان مرا به لغزش انداخت. با این حال تو می توانی مرا محکوم کنی.

اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر ببخشی به خاطر آقایی و کرم و جود توست.

امام زمان علیه السلام و سلام بر حضرت امیر علیه السلام (۱۱۷)

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالِدَوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضَيَّئَةِ الْمُثْمَرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُنَوَّعَةِ بِالْإِمَامَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَعِيجِكَ آدَمَ وَنُوحَ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ؛

سلام بر درخت نبوت و عظمت هاشمی تابان که ثمره اش از نبوت و رسیدگی آن از امامت است. (۱۱۸)

سلام بر تو و بر دو پیامبری که در کنارت خوابیده اند؛ یعنی آدم و نوح علیهما السلام.

سلام بر تو و اهل بیت پاکت.

سلام بر تو و بر ملائکه گرداگرد و زائر تو.

عظمت امام (۱۱۹)

لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلَقَكَ فَتَقْتُلُهَا وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ يَدُوهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمَنَاءٌ وَأَزْوَادٌ وَحَفْظَةٌ وَرُؤَادٌ فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءُكَ وَأَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

میان تو و آن ها هیچ فرقی نیست. مگر این که آن ها بنده و مخلوق تو هستند. رتق و فتق و آغاز و بازگشت آن ها به سوی توست. آن ها یاوران و شاهدان و هادیان و ذخایر و حافظان و رهبران هستند. تو زمین و آسمان را از آن ها پر کردی تا روشن شود که خدایی جز تو نیست. (۱۲۰)

معجزات امام زمان علیه السلام

وظایف شیعیان و کسب حلال (۱۲۱)

أُخْرِجْ وَكُدَّ عَلَى عِبَالِكَ؛ (۱۲۲)

برو و برای خانواده ات کسب و کار کن.

امام و یاری یاران (۱۲۳)

أَنْتَ نَصْرَتْنَا فَنَصْرْنَاكَ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ نَصَرَهُ؛ (۱۲۴)

تو ما را یاری کردی، ما هم تو را یاری کردیم، «و خداوند یاوران خود را، یاری می کند.» (۱۲۵)

دیدار با امام زمان علیه السلام

منم مهدی (۱۲۶)

أَنَا الْمَهْدِيُّ أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ أَنَا الَّذِي أَمَلُوها عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ؛

من مهدی هستم، همان کسی که قیام می کند و زمین را بعد از پر شدن از ظلم، مملو از عدل می کند. زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نمی ماند.

مدت واقعی غیبت

لا- يَتَّقَى النَّاسُ فِي فِتْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ تَبِيهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَقَدْ ظَهَرَ أَيَّامُ خُرُوجِي فَهَذِهِ أَمَانَةٌ فِي رَقَبَتِكَ فَحَدِّثْ بِهَا إِخْوَانَكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ؛ (۱۲۷)

مردم بیش از ایام سرگردانی قوم بنی اسرائیل، (۱۲۸) از امامت محروم نخواهند ماند و من ظهور خواهم کرد. این دیدار امامتی است که باید آن را حفظ کنی. آن را به برادران شیعه خود، برسان.

غصب زمین مسجد جمکران (۱۲۹)

قُلْ لَهُ إِنَّكَ تَعْمُرُ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْذُ سِنِينَ وَتَزْرَعُهَا وَنَحْنُ نَحْرِبُهَا؛

تو سال هاست که این زمین را می کاری و ما آن را خراب می کنیم. (۱۳۰)

جمکران، مکانی جدا شده و استثنایی

إِنَّ هَذِهِ أَرْضٌ شَرِيفَةٌ قَدْ اخْتَارَهَا اللَّهُ تَعَالَى مِنْ غَيْرِهَا مِنَ الْأَرْضِ وَشَرَّفَهَا؛

این زمین شرافت خاصی دارد و خداوند آن را برای عبادت خودش انتخاب کرده است.

امام و تشویق به عبادت در مسجد جمکران

قُلْ لِلنَّاسِ لِيَرْغَبُوا إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ وَيَعَزِّزُوهُ وَيَصَلُّوا هُنَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ؛

به مردم بگو: تا به این مکان آمده و آن را گرامی بدارند و در آنجا چهار رکعت نماز بخوانند.

روش خواندن نماز تحیت مسجد

رَكَعَتَانِ لِلتَّحِيهِ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ يَقْرَأُ سُورَةَ الْحَمْدِ مَرَّةً وَسُورَةَ الْإِخْلَاصِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَيَسْبِحُ فِي الرَّكُوعِ وَالسُّجُودِ سَبْعَ مَرَّاتٍ؛

دو رکعت است؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید و ذکر رکوع و ذکر سجود هر کدام هفت مرتبه بخواند.

روش خواندن نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران

رَكَعَتَانِ لِلْإِمَامِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَكَذَا يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ فَإِذَا وَصَلَ إِلَى إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ كَرَّرَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقْرُوهَا إِلَى آخِرِهَا وَهَكَذَا يَضَعُ فِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ وَيُسَبِّحُ فِي الرَّكُوعِ وَالسُّجُودِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِذَا أَنْتَمُ الصَّلَاةَ يُهَلِّلُ وَيُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَإِذَا فَرَغَ مِنَ التَّسْبِيحِ يَسْجُدُ وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَنْ صَلَّى فَكَأَنَّمَا فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛

دو رکعت هم نماز صاحب الزمان است. در هر رکعت ایاک نعبد و ایاک نستعین صدبار تکرار می شود. بعد از اتمام نماز، لا اله الا الله گفته و تسیحات حضرت زهرا را می گوید. بعد از آن در سجده صدبار صلوات می فرستد.

سپس فرمود: کسی که این نماز را در این مکان بخواند، مانند آن است که در داخل کعبه خوانده است.

ملحقات

امام زمان علیه السلام در روزهای اول ظهور

امام زمان علیه السلام و یاری خواستن از مردم (۱۳۱)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

ای مردم ما از خدا و کسانی که ما را اجابت کنند، یاری می طلبیم. ما اهل بیت پیامبران محمدیم. ما نزدیک ترین افراد به خدا و محمدیم.

من عصاره تمام پیامبرانم

مَنْ حَاجَّجَنِي فِي النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَأَنَا بَقِيَّةُ مِنْ آدَمَ وَذَخِيرَةُ مِنْ نُوحٍ وَمُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

اگر کسی درباره انبیاء با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن ها هستم.

آیا در گفته های من تردید دارید؟ مگر خدا در محکومات قرآن نفرموده است: «همانا خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر سایر عالمیان برتری داد، نسلی بعد از نسلی دیگر و خداوند شنوا و داناست». (۱۳۲) پس بدانید که من یادگار آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و جانشین محمد علیهم السلام هستم.

نزدیک ترین به قرآن

أَلَا وَمَنْ حَاجَّجَنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ بدانید اگر کسی درباره قرآن با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن هستم.

نزدیک ترین به سنت

أَلَا وَمَنْ حَاجَّجَنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛

بدانید که اگر کسی درباره سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن هستم.

به حرمت خدا و رسول او و خودم

وَأَسِيءَ إِلَيْكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَىٰ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَمَنْعُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَحْفَنَّا وَظَلَمْنَا
وَطَرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانِنَا وَبُعِي عَلَيْنَا وَدُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرِ [فَأَفْتَرِي أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا

فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ؛

به حق خدا و رسول او و خودم که حق ذوی القربی را بر عهده شما دارم، از شما یک چیز می خواهم و آن این است که ما را یاری کنید و جلوی ظالمان حقوقمان را بگیرید؛ زیرا ما همیشه در ترس و ظلم و تبعید و محرومیت از حقوقمان زندگی کرده ایم و ظالمان همیشه بر ما مسلط بوده اند. خدا را، خدا را نسبت به ما در نظر بگیرید، ما را خوار نکنید بلکه ما را یاری کنید تا خدا شما را یاری کند.

من محمد و علیم! (۱۳۳)

أَلَا- وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَهِيَ أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السلام؛

بدانید که اگر کسی بخواهد محمد و امیرمؤمنان را ببیند، این منم محمد و امیرمؤمنان.

من حسن و حسینم!

أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَهِيَ أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؛

بدانید که اگر کسی بخواهد به حسن و حسین نگاه کند، این منم حسن و حسین علیهما السلام.

من ائمه بعد از حسینم!

أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهِيَ أَنَا ذَا الْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

بدانید که اگر کسی بخواهد به امامانی که از نسل حسین هستند، نگاه کند، این منم امامان بعد از حسین.

أَجِيبُوا إِلَيَّ مَسْأَلَتِي فَإِنِّي أُبَيِّنُكُمْ بِمَا بُيِّنْتُمْ بِهِ وَمَا لَمْ تُتَّبِعُوا بِهِ؛

درخواست مرا اجابت کنید؛ زیرا من تمام آنچه را که تا به حال به شما گفته بودند و بیش از آن را خواهم گفت.

ما وعده قرآن هستیم (۱۳۴)

أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛

ای مردم ما همان کسانی هستیم که خداوند وعده آن ها را در قرآن داده است: «کسانی که اگر به آن ها تمکن و قدرت بدهیم، نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و امر به معروف و منکر می کنند و عاقبت امور در نزد خداست». (۱۳۵)

دستور العمل کلی (۱۳۶)

اذکرکم أيتها الناس ومقامکم بین یدی ربکم وقد اکد المحججه وبعث الانبیاء وانزل الكتاب یامرکم ان لا تشرکوا به شیئا وان تحافظوا علی طاعته وطاعه رسوله صلی الله علیه وآله وان تحیوا ما احیا القرآن وتمیتوا ما امات وتکونوا اعوانا علی الهدی ووزراء علی التقوی؛

فان الدنيا قد دنا فناؤها ووالها واذنت بالوداع وني ادعوکم الى الله ورسوله صلی الله علیه وآله والعمل بکتابه وماته الباطل واحیاء السنه؛

ای مردم! خدا را به یادتان می اندازم و این که الآن در محضر خدا هستید. خداوند متعال حجت هایش را اقامه کرده و انبیاء را مبعوث و کتاب را نازل نموده و از شما خواسته تا چیزی را شریک او قرار ندهید و بر اطاعت او و رسولش اهمیت دهید و هر آنچه را که قرآن آن را زنده کرده، زنده کنید و هر آنچه را که میرانده است، بمیرانید. یاور نور و هدایت و طرفدار تقوا باشید. زیرا فنای دنیا نزدیک است و اعلام وداع کرده است و همانا من شما را به سوی خدا و رسول و عمل به کتابش و میراندن باطل و احیای سنت های الهی دعوت می کنم.

دلیل غیبت (۱۳۷)

«فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛

از شما فرار کردم به خاطر ترسی که از شما داشتم و در مقابل، پروردگرم به من حکمت داد و مرا از مرسلین قرار داد. (۱۳۸)

فهرست منابع و مأخذ

(۱) إعلام الوری، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، دار الکتب الإسلامیه تهران.

(۲) إقبال الأعمال، سیدعلی بن موسی بن طاوس، دارالکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۷ ه.ش.

(۳) الإحتجاج، ابو منصور احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی مشهد مقدس، ۱۴۰۳ ه.ق.

(۴) الإختصاص، شیخ مفید، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

(٥) البلد الأمين، ابراهيم بن علي عاملی كفعمی، چاپ سنگی عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر، جمال الدين يوسف بن يحيى مقدسى شافعى دمشقى.

(٦) التهذيب، شيخ طوسى، ١٠ جلد، دار الكتب الإسلاميه تهران، ١٣٦٥ ه.ش.

(٧) الخرائج و الجرائح، قطب الدين راوندى، ٣ جلد، مؤسسه امام مهدي (عج) قم، ١٤٠٩ ه.ق.

(٨) العدد القويه، رضى الدين على بن يوسف حلى، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى قم، ١٤٠٨ ه.ق.

(٩) الغيبه، شيخ طوسى، مؤسسه معارف اسلامى قم، ١٤١١ ه.ق.

(١٠) الغيبه، محمد بن ابراهيم نعمانى، مكتبه الصدوق، تهران، ١٣٩٧ ه.ق.

(١١) الكافى ثقه الاسلام كلينى، ٨ جلدى، دارالكتب الإسلاميه تهران، ١٣٦٥ ه.ش.

(١٢) المصباح، ابراهيم بن علي عاملی كفعمی، انتشارات رضى قم، ١٤٠٥ ه.ق.

(١٣) بحار الأنوار، علامه مجلسى، ١١٠ جلدى، مؤسسه الوفاء بيروت - لبنان، ١٤٠٤ ه.ق.

(١٤) ترجمه كلمه الامام المهدي، مرحوم آيت الله سيد حسن شيرازى.

(١٥) تفسير فرات، فرات بن ابراهيم كوفى، مؤسسه چاپ و نشر، ١٤١٠ ه.ق.

(١٦) تفسير قمى، على بن ابراهيم بن هاشم قمى، ٢ جلد، مؤسسه دارالكتاب قم، ١٤٠٤ ه.ق.

(١٧) جمال الأسبوع، سيد على بن موسى بن طوس، انتشارات رضى قم.

(١٨) رجال الشيخ الطوسى، شيخ طوسى، انتشارات اسلامى جامعه مدرسين، ١٤١٥ ه.ق.

رجال الكشي، محمد بن عمر كشي، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش.

(۲۰) فرج المهموم، سيد على بن موسى بن طاوس، دار الذخائر قم.

(۲۱) كمال الدين، شيخ صدوق، ۲ جلد در يك مجلد، دار الكتب الإسلاميه قم، ۱۳۹۵ ه.ق.

(۲۲) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ ه.ق.

(۲۳) منتخب الأنوار المضيئه، على بن عبدالكريم نيلي نجفی، چاپخانه خيام قم، ۱۴۰۱ ه.ق.

(۲۴) من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ۴ جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

(۲۵) مهج الدعوات، سيد على بن موسى بن طاوس، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۱ ه.ق.

(۲۶) وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ ه.ق.

پی نوشت ها

۵۴۵۱

(۱) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته»؛ الاحتجاج، ص ۴۶۶ ج ۲؛ احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدي.

(۲) زیرا ایشان در حد توان تلاش کردند تا با غاصبان خلافت مبارزه کنند و زمانی که از آن مأیوس شدند، صبر و شکیبایی پیش ساختند. مقصود امام آن است که من نیز مانند مادرم چنین خواهم کرد.

(۳) كمال الدين، ج ۲، ص ۴۸۶، باب ۴۵ «ذكر التوقيعات الواردة»؛ بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۱۸۵ باب ۳۱ «ماخرج من توقيعاته»؛ منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۲۵، الفصل التاسع في ذكر توقيعاته.

(۴) الاحتجاج ص ۴۷۳ ج ۲ احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدي بحار الأنوار ص ۲۶۶ ج ۲۵ باب ۱۰- نفی الغلو فی النبی و الأئمه.

(۵) علم غیب به معنای علم مطلق الهی قطعاً جزو مختصات الهی است و احدی سعه وجودی تحمل آن را ندارد. اما به معنای نازل تر آن، با اراده و اذن خداوند متعال قابل درک برای اولیای الهی می باشد.

(۶) محمد بن علی بن هلال کرخی، او غیر از احمد بن

هلال کرخی است که یکی از مدعیان دروغین نیابت بوده است.

(۷) مثال که امام زده اند. یا از این جهت است که استحکام بال های مگس از استحکام اعتقادات برخی از شیعیان بیشتر است. یا از این جهت است که سنگینی بال های مگس از دین داری برخی از شیعیان بیشتر است.

(۸) مقصود از نفی علم غیب یا از جهت علم مطلق الهی بودن است. یا از جهت استقلال است؛ یعنی ایشان اگر از غیب هم باخبر بوده اند، به اذن خدا بوده است.

(۹) مقصود ملائکه، انبیاء و اولیا می باشد که در جای جای نامه از آن ها نام بردند.

(۱۰) کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۰ توفیق من صاحب الزمان علیه السلام کان خرج بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۹۰ باب ۳۱ «ما خرج من توفیعاته علیه السلام»

(۱۱) مقصود آن است که سنت خدا از گذشته بر آن بوده است که انسان ها خود سرنوشت خود را رقم بزنند و از آنجا که انسان ها انتخاب های بدی انجام دادند. از نعمت امام محروم گردیدند. والا اگر انسان فاقد اختیار بود یا خدا می خواست خلاف مسیر ساخته شده به دست انسان عملی انجام دهد، غیبت پیش نمی آمد.

(۱۲) خداوند اراده کرده است که انسان در عالم حجاب و با وجود محدودهای آن به عالم غیب که شامل ایمان به خدا، ملائکه و انبیاء و ائمه است، ایمان بیاورند. الذین یؤمنون بالغیب و اجازه نداده است که ایشان با اسباب غیر طبیعی پرده ها را بردارند و زمینه امتحان را از ایشان سلب کنند. امام علیه السلام می فرماید: اگر خداوند چنین اراده ای نداشت، حقیقت امامت را به آن ها نشان می دادم. در آن صورت احدی در حقانیت من شک نمی کرد. مویذ این مطلب

توقیعات دیگری است که در آن‌ها به این مطلب اشاره شده است.

(۱۳) اعتقاد به امام.

(۱۴) در روایات فراوانی داریم که خداوند متعال آنچه را که لازم می‌دیده است، بیان کرده است. اگر با مسئله‌ای مواجه شدید که خداوند درباره آن به طور خاص حکمی نداده بود، شما نیز آن را مسکوت عنه بگذارید و درباره آن بحث و بررسی نکنید. زیرا اگر دانستن آن به صلاح شما بود، خداوند متعال آن را بیان می‌کرد.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيِّ الْمَوْسَوِيُّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَنَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَلَمْ يَدْعُهَا نَسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا (و سائل الشيعه ج ۱۵، ص ۲۶۰، باب ۲۴ «وجوب أداء الفرائض».)

بی شک خداوند واجباتی را بر شما واجب کرده است و حدودی را تعیین کرده است؛ پس از آن‌ها نگذرید و شما را از اموری نهی کرده است که آن‌ها را نشکنید. در این میان از بیان برخی چیزها سکوت کرده است و نگفتن آن‌ها به خاطر جهل و فراموشی نبوده است، بلکه مصلحت نبوده است. بنابراین خودتان را درباره آن‌ها به زحمت نیندازید.

شاید بهترین نمونه و مثال برای به تکلف انداختن ماجرای گاو بنی اسرائیل باشد. زیرا زمانی که یکی از آن‌ها دیگری را کشت و قتل رخ داده می‌رفت تا به یک معضل اجتماعی و اختلافات قومی شود. خداوند از حضرت موسی علیه السلام خواست تا از مردم بخواهد که گاوی را بکشند و استخوان آن را به مُرده بزنند تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. خداوند در این

دستور گاو خاصی را تعیین نکرده بود. از این رو آن ها به راحتی می توانستند هر گاوی را که خواستند قربانی کنند. اما مردم از رنگ و سن و سال و انواع آن سؤالات فراوانی کردند. خداوند نیز برای این که آن ها را تنبیه کند. مدام بر شرایط گاو اضافه کرد. گاوی که رنگش طلایی باشد، نه مسن باشد و نه بیچه، گاو شخم زن نباشد و ... شرایط به اندازه ای سخت شد که در کل بنی اسرائیل تنها یک گاو واجد همه این شرایط بود و آن ها مجبور شدند برای خرید آن هزینه هنگفتی پرداخت کنند. بنابراین اگر آن ها طبق امر اولیه امام علیه السلام اقدام به قربانی گاو می زدند. این همه مکافات و زحمت برای خودشان درست نمی شد.

(۱۵) یعنی هیچ کس از آن خبر ندارد و اگر بخواهد آن را بگوید. دروغ خواهد گفت.

(۱۶) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲، باب ۴۳ «ذکر من شاهد القائم علیه السلام وآه»؛ بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۴۲ باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله علیه».

(۱۷) زیرا امام زمان و مادر بزرگوارشان تنها وارثان امام حسن عسکری علیه السلام بودند.

(۱۸) طبعاً ایشان مادر جعفر نیز خواهند بود.

(۱۹) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸ «احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدي»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۹۳؛ الغیبه للطوسی ص ۲۸۷.

(۲۰) جعفر کذاب.

(۲۱) در اغلب آیات و روایات قلب به معنای روح به کار می رود، روحی که در بردارنده تمام استعدادهای انسانی است، روحی که منشاء فطرت خاص انسانی است.

(۲۲) مقصود حضرت سلیمان علیه السلام است.

(۲۳) پیامبر و حضرت امیرعلیهما السلام صیغه اخوت خوانده و برادر صیغه ای همدیگر بودند.

(۲۴) معلوم می شود که امام علیه السلام قبل از دیگران و به واسطه علم الهی از این

مسئله باخبر شده است.

(۲۵) جعفر کذاب عموی امام زمان و برادر امام حسن عسکری علیه السلام بود. از آنجا که او ادعا می کرد که امامت بعد از ایشان به برادرش منتقل شده است امام زمان علیه السلام در اینجا به این مسأله اشاره می کند.

(۲۶) مقصود زمان ظهور ایشان است.

(۲۷) کمال الدین ج ۲ ص ۴۵۴ ۴۳، باب ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه بحار الأنوار ص ۷۸ ج ۵۲ باب ۱۹ «خبر سعد بن عبد الله و رؤيته».

(۲۸) در روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام آمده است که بعد از مرگ من، هر کدام از زنانم را که خواستی طلاق بده. سعد بن عبدالله از امام علیه السلام سؤال کرد، مرگ نوعی طلاق است که زن و مرد را از همدیگر جدا می کند، به همین جهت نیز زن بعد از مرگ شوهر می تواند ازدواج کند. بنابراین طلاق بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله چه معنایی خواهد داشت؟ امام در این جملات سر مسأله را بیان می کنند.

(۲۹) از جمله محکمت دین اسلام که جای هیچ شک و تردیدی در آن نیست، محبت به همسر و فرزند است. شاید کمتر چیزی در اسلام به اندازه مدارا با خانواده و محبت به آن ها و خصوصاً همسر، مورد تأکید قرار گرفته است که برخی از این موارد را می آوریم:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِيَالُ الرَّجُلِ أُسْرَاؤُهُ وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَحْسَنُهُمْ صِدْقاً إِلَى أُسْرَائِهِ (من لا يحضره الفقيه ج ۳، ص ۵۵۵ باب النوادر)

خانواده مرد در مانند اسیران او هستند، محبوب ترین مخلوقات بندگان نزد خدا کسی است که به آن ها بهتر رسیدگی کند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ (الكافي، ج ٥، ص ٣٢٠) «كِتَابُ النِّكَاحِ بَابُ حُبِّ النِّسَاءِ».

دوست داشتن همسر از جمله اخلاق تمام انبیا است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزِدَادُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ؛

هر کس که ایمان واقعیش افزایش یابد، به همان اندازه به همسرش علاقمندتر می شود.

بنابراین علاقه به همسر و فرزند با محبت به خدا قابل جمع است. به شرطی که برای امتثال امر خدا بوده باشد. اما آنچه در روایت مذکور گذشت، از دو حالت خارج نیست:

حسنات الابرار، سیئات المقربین؛ یعنی آنچه که مایه قرب برای خوبان است، برای مقربین معصیت حساب می شود. به عبارتی اگرچه محبت خانواده از عبادات خوبان است، اما اگر ولو اندکی آن ها را از یاد خدا غافل کند، جزو گناهان مقربین خواهد بود.

شاید آن حضرت نتوانسته بودند هماهنگی کاملی که شایسته مقام پیامبران اولی العزم است، را ایجاد کنند. یعنی محبت ایشان نسبت به همسر و فرزندان ایشان را اگرچه به اندازه بسیار کمی از یاد خدا غافل می کرد. از این رو خداوند متعال از ایشان می خواهد تا این حالت را نیز از بین ببرد. مؤید این مطلب آن است که پیامبران همه نسبت به خانوادهشان دلسوز بودند و آن ها را بسیار دوست داشتند.

٣٠) البته میان آن دو بزرگوار شباهت های دیگری نیز وجود دارد؛ مانند این که سر هر دو توسط سلاطین زمان خودشان بریده شد.

خون حضرت یحیی جوشید و

انتقام قاتلان را گرفت و بعد از این که بخت النصر آن زن بدکاره ای را که باعث قتل ایشان شده بود، کشت، خون ایشان آرام گرفت. خون امام حسین علیه السلام اگر چه به صورت ظاهری نجوید. اما جوشش عجیبی در دل ها ایجاد کرد و منتهی به قیام های مختلفی شد و حکومت اموی را سرنگون ساخت. از جمله منجر به قیام مختار گردید و تمام قاتلان ایشان مانند حرمله و شمر و امثال ایشان، به بدترین شکل ممکن به قتل رسیدند.

(۳۱) یکی از سلاطین خونخوار بنی اسرائیل است که بر آن ها مسلط شد و به شدت به سرکوبشان پرداخت.

(۳۲) الخرائج والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۲؛ الغیبه للطوسی ص ۳۶۱، «ذکر ابي جعفر محمد بن عثمان بن سعید»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۸، باب ۱۶ «أحوال السفراء...»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰ باب ۴۵ «باب ذکر التوقيعات الواردة».

(۳۳) فقرات این نامه بیانگر عظمت شأن و جلالت فرزند عثمان بن سعید است؛ زیرا کمتر مشاهده شده است که امام علیه السلام درباره شخصی چنین سخن براند و او را تا این اندازه بستاید.

(۳۴) الغیبه للطوسی ۳۶۲ ذکر ابي جعفر محمد بن عثمان بن سعید بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۴۹ باب ۱۶- أحوال السفراء

(۳۵) وسائل الشیعه، ج ۲۷ ص ۱۴۰ باب ۱۱ «باب وجوب الرجوع...»؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹ «احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي»؛ إعلام الوری، ص ۴۵۲ «الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقيعات».

(۳۶) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۶ «ذکر إقامة ابي جعفر محمد بن عثمان...»؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۷۲ «ذکر إقامة ابي جعفر محمد بن عثمان...».

(۳۷) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰ ذکر إقامة ابي جعفر محمد بن عثمان ... الاحتجاج ج ۲ ص ۴۷۸

احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدي؛ الغيبة للطوسي، ص ۳۹۵ «ذكر أمر أبي الحسن علي بن محمد...».

۳۸) یکی از سؤالات جدی که در اینجا مطرح می شود، آن است که اگر مدعیان دیدار امام علیه السلام دروغگو هستند و امام علیه السلام خودشان را به کسی نشان نخواهند داد، در این صورت دیدارهای بسیاری که از علما و عرفا نقل شده است، چه تکلیفی خواهند داشت؟ آیا آن ها همه دروغگو بوده اند؟! یا این که مقصود امام علیه السلام چیز دیگری است؟

در پاسخ از این سؤال باید اضافه کنیم که اصل تحقق دیدار با امام زمان علیه السلام امری کاملاً مسلم است و به تواتر ثابت شده است. کسانی ادعای دیدار داشته اند که احدی در وثاقت و راستگویی آن ها کوچک ترین تردیدی ندارد، اشخاصی مانند سید بن طاووس، علامه حلی و هزاران عارف والا مقام که کسی در صدق گفتار ایشان کوچک ترین تردیدی به خود راه نمی دهد.

اساساً دیدار امام زمان علیه السلام با این بزرگان جزو امدادهای غیبی الهی به سایرین است؛ زیرا اگر این دیدارها نبود، ایشان به کلی از یادها می رفتند و اعتقاد به مهدویت از هم می گسست. از این رو امام علیه السلام با ملاقات این اشخاص اعتقادات ایشان را تقویت می کنند.

بنابراین اصل دیدار قطعی است. از سوی دیگر توقیع صادره نیز به اندازه ای شهرت دارد که کسی در آن تردید نکرده است.

زمانی که هر دو مطلب را در کنار هم قرار دهیم و اندکی در محتوای نامه دقت به خرج دهیم، مقصود واقعی امام روشن خواهد شد؛ زیرا همان طور که امام علیه السلام پیش بینی کرده بودند، بعد از سمری عده ای از شیعیان مدعی بابت شدند و افراد زیادی را به

ضلالت و گمراهی کشاندند. مقصود امام علیه السلام مشاهده خالی نیست. بلکه مشاهده همراه با ادعای باییت و نیابت است. چنین شخصی دروغگو است. زیرا امام کسی را بعد از سمری به نیابت انتخاب نکردند.

این مطلب زمانی روشن تر خواهد شد که ما فضای حاکم در شرایط زمانی نامه را در نظر بگیریم؛ زیرا

مردم پیوسته پی گیر آن بودند که آیا سمری جانشینی برای خود تعیین خواهد کرد؟ او کیست؟ در این فضا بحث فقط مشاهده تنها نبوده، بلکه همه سؤال ها و ذهن ها متوجه نیابت است. از این رو مقصود امام علیه السلام نیز کسانی است که مدعی نیابت باشند.

دیگر مؤید این مسأله آن است. که هیچ یکی از افراد عامی و عالم کسی را که واجد شرایط دیدار با حضرت باشد، و ادعای دیدار داشته باشد، تکذیب نکرده اند. در حالی که همه از مضمون نامه خبر داشته اند.

(۳۹) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»؛ الغيبة للطوسی، ص ۳۷۳ «ذكر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان».

(۴۰) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۷۴؛ «احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي»؛ الغيبة للطوسی، ص ۳۹۷ «ذكر المذمومين الذين ادعوا البايه»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۸۰، باب ۱۷ «ذكر المذمومين الذين ادعوا البايه».

(۴۱) مخاطب امام علیه السلام سومین سفیر ایشان؛ یعنی حسین بن روح نوبختی رحمه الله می باشد.

(۴۲) یعنی ما تسلیم قضا و قدر الهی هستیم. اگر سنت خدا بر آن است که انسان ها با اختیارات خود چنین مصیبت هایی را به بار آورند و وسیله امتحان برای خودشان و دیگران باشند، ما نیز می پذیریم و به فرمان او عمل می کنیم.

(۴۳) بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۰ باب ۳۱- ما خرج من توقيعاته عليه السلام..... الغيبة للطوسی

ص ۳۷۳ ذکر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان (۴۴) بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۶۲ «ذكر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان»؛ الغيبة للطوسي، ص ۴۱۳ ذکر المذمومين الذين ادّعوا البايه».

(۴۵) الخرائج والجرائح، ج ۱ ص ۴۶۶ «الباب الثالث عشر في معجزات الإمام؛ بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۱۳ باب ۱۵ «ما ظهر من معجزاته»؛ الغيبة للطوسي ص ۳۰۸.

(۴۶) خطاب به حسن فرزند قاسم بن علاء وکیل امام علیه السلام در آذربایجان.

(۴۷) حسن جوانی شرابخوار بود که قبل از وفات پدرش موفق به توبه شد و امام زمان علیه السلام در نامه ای که برای تسلیت پدرش فرستاده بود، برای او دعا کرد و او را به جای پدرش نصب کرد.

(۴۸) ظاهر این سخن و فرستادن نامه به حسن آن است که امام او را به جای پدرش نصب کرده بود. به همین خاطر می فرماید که پدرت را الگویی عملی تو قرار دادم، تو هم باید مانند او عمل کنی.

(۴۹) الخرائج والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۲؛ الغيبة للطوسي، ص ۶۱ «ذكر أبي جعفر محمد بن عثمان بن سعيد»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۸ باب ۱۶ «أحوال السفراء؛ الاحتجاج ج ۲ ص ۴۸۱ «ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان؛ کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۰ باب ۴۵ «باب ذکر التوقعات الواردة».

(۵۰) یعنی خداوند متعال با قوانینی که در عالم قرار داده است، همه مسائل را رهبری می کند و طبق اراده خودش کارها را پیش می برد.

(۵۱) ابو اسحاق نقل می کند که قبل از وداع با امام دیدار کردم و خواستم پنج هزار دیناری که به همراه داشتم خدمت ایشان تقدیم کنم، امام نپذیرفتند و برای این که من ناراحت نشوم این کلمات را بیان کردند.

محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد دیده به جهان گشود.

شخصیت علمی شیخ مفید از چهره های بسیار درخشان شیعه در جهان اسلام می باشد.

او هم متکلم است و هم فقیه.

ابن ندیم در فن دوم از مقاله پنجم «الفهرست» که درباره متکلمان شیعه بحث می کند، از او به عنوان «ابن المعلم» یاد کرده و او را ستایش می نماید. کتاب معروف او در فقه نیز «المقنه» است.

ابو یعلی جعفری که داماد مفید بوده است، می گوید: «مفید شب ها مختصری می خوابید و بقیه شب را به نماز یا مطالعه یا تدریس یا تلاوت قرآن مجید می گذرانید.»

آغاز تحصیلات شیخ مفید از شاگردان ابن ابی عقیل است. و در حومه بغداد دیده به جهان گشود و دانش های ابتدایی را در خانواده و زادگاه خویش به پایان برد.

او در یک خانواده پر سابقه و اصیل در تشیع و از سلاله نیکان و پاکان به دنیا آمد. سراسر وجود خاندان او مالا مال از عشق به اهل بیت رسالت علیهم السلام بود.

وی راهی بغداد گردید و در آنجا از محضر اساتید و دانشمندان کسب علم و دانش نمود تا در علم کلام، فقه و اصول سرآمد دانشمندان گردید.

شیخ مفید و بزرگان شیخ مفید از دیدگاه دانشمندان شیعه و سنی دارای جایگاهی رفیع است که به کلماتی از بزرگان اشاره می کنیم:

شیخ طوسی، شاگرد ارزنده مکتب او، درباره استاد در «فهرست» می نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان، معروف به ابن المعلم، از متکلمان امامیه است. در عصر خویش ریاست و مرجعیت شیعه به او منتهی گردید. در فقه و کلام بر هر کس دیگر مقدم بود. حافظه خوب و

ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سؤالات، حاضر جواب بود او بیش از ۲۰۰ جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد.»

عماد حنبلی، یکی از دانشمندان اهل سنت درباره او می گوید: «او بزرگی از بزرگان امامیه و رئیس بخش فقه و کلام و مباحثه می باشد. او با پیروان هر عقیده به مباحثه و مناظره می پرداخت. موقعیت شایان توجهی در تشکیلات دولت آل بویه داشت. او صدقه فراوان می داد. بسیار اهل خشوع و تهجد و اهل نماز و روزه و خوش لباس بود.

او مورد زیارت و ملاقات عضد الدوله قرار می گرفت. نزدیک ۷۶ سال عمر کرد و بیش از ۲۰۰ جلد تألیف دارد. تشیع جنازه او شهرت دارد. در تشیع او بیش از ۸۰ هزار نفر از شیعیان شرکت جستند و در گذشت او در ماه رمضان بود. رحمت خدا بر او باد...».

اساتید

از جمله اساتید اویند:

۱ - ابن قولویه قمی ۲ - شیخ صدوق ۳ - ابن ولید قمی - و ...

شاگردان ۱ - سید مرتضی علم الهدی ۲ - سید رضی ۳ - شیخ طوسی ۴ - نجاشی - و ...

وفات شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری، در بغداد و پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده در گذشت و مورد تجلیل فراوان مردم و قدردانی علما و فضلا قرار گرفت. به نقل از برنامه نرم افزاری جامع الاحادیث نور.

(۵۳) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۵، «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»

(۵۴) این مطلب نشانگر آن است که قرار نبود، غیبت امام علیه السلام تا فراتر از مرز هزار و صد و شصت سال ادامه پیدا کند.

بلکه از برخی از فرمایشاتی که در ادامه خواهیم آورد معلوم می شود که قرار بر آن بوده است که قیام آن حضرت در دوره غیبت صغری اتفاق بیفتد.

بعد از شروع دوره جدیدی از غیبت نیز تقدیر الهی بر آن نبوده است که غیبت آن حضرت الزاماً تا هزار سال به تأخیر افتد؛ زیرا همان طور که گذشت، امام علیه السلام مژده نزدیک شدن زمان ظهور و دیده شدن نشانه های آن را به شیخ مفید می دهد.

این مطلب نشانگر آن است که ظهور آن حضرت چیزی نیست که تنها با دعا حاصل شود. بلکه مسأله ای است که کاملاً در اختیار خود ما است. یعنی اگر ما بخواهیم و آستین همت را بالا بزنیم و در مسیر سازندگی قرار بگیریم. ظهور آن حضرت در یک چشم به هم زدن محقق می شود. اما اگر در زندگی به یاد همه چیز غیر از ظهور باشیم. در این صورت معلوم نیست که دعاها یا ناچاریمان موثر باشد! باید کار کنیم. برنامه بریزیم. جای تعجب است که ما برای برنامه بیست ساله کشورمان برنامه ریزی می کنیم. برای مدارس، دانشگاه ها و حوزه ها برنامه ریزی می کنیم و می دانیم که کارهای بزرگ بدون برنامه پیش نمی رود. اما آیا برای ظهور مهدی امت که در واقع ظهور بخت و اقبال خودمان است، برنامه ای می ریزیم؟! راستی قیام جهانی آن حضرت کمتر از برنامه یک کشور و یا یک نهاد است؟ راستی چرا ما عادت کرده ایم که مهم ترین کارهای خود را به دست تقدیرات بسپاریم و برای کارهای درجه دو و سه برنامه ریزی کنیم؟!

چه می شد که در برنامه زندگی خودمان تجدید نظر کنیم و آن حضرت را در سرلوحه تمام برنامه های خودمان

قرار دهیم؟ راستی تا به حال چند بار برنامه زندگیمان را برای آن حضرت ریخته ایم؟ چند بار حرکتی را انتخاب کرده ایم که اگر دیگران هم آن طور حرکت می کردند، امام ظهور می کرد و ما را مهمان آغوش امامت می نمود. بعد از سال های سال یتیمی دیدن و بی دست نوازش پدر سر بر بالش غم نهادن، دست نوازشش را بر روی سرمان احساس می کردیم. راستی چه لحظه های خاطره انگیزی است.

اما با بروز انقلاب اسلامی در ایران اسلامی که با مجاهدت شهدا و حضرت امام رحمه الله رخ داد، عامل مهمی در زمینه سازی ظهور ایشان می باشد. ما نصف راه را رفته ایم؛ انقلاب ما پایگاه خوبی برای تکیه امام زمان خواهد بود. انقلاب ما باعث بیداری عجیبی در میان ملت ها شده است. انقلاب ما

[تنها انقلابی است که پرچم آن به مهدی تقدیم خواهد شد. انقلاب ما تنها انقلابی است که بهترین های امت رسول خدا بر عریکه حکومتش تکیه زده اند. والیان صالحی که تاریخ اسلام کمتر شاهد امثال آن ها بوده است. ما باید آن ها را قدر بدانیم و دقیقاً آن طور که می فرمایند عمل کنیم. بارها با خود اندیشیده ام اگر عده قابل توجهی از ما طبق دستورات رهبری معظم انقلاب عمل می کردیم، قطعاً ظهور محقق می شد. البته ما خیلی وقت ها مدعی تبعیت می شویم. اما در رفتارمان کوچک ترین تغییری دیده نمی شود.

بنابراین باید نصفه دیگر راه را ما که وارث انقلاب هستیم پیماییم. تا زمینه های ظهور آن حضرت را به طور کامل فراهم نماییم.

۹۶ تا ۵۵

(۵۵) صف/۸؛ البته آخر آیه و لو کره الکافرون است.

(۵۶) البته ممکن است که خود جریان از نسل امویان نباشد. اما از آنجا که روح حرکت و تفکر حاکم بر آن

اموی است، امام آن‌ها را به امویان نسبت می‌دهد.

(۵۷) تقيه در لغت به معنای برحذر بودن است و در اصطلاح به معنای پنهان کردن عقاید خود از دشمن به کار می‌رود. حضرات معصومین علیهم السلام تقيه را به عنوان سلاحی کارا در مقابل دشمنان تشیع به کار می‌بردند تا جان خود و شیعیانشان را در دوره‌های ملامال از خطر و خفقان حفظ نمایند. تقيه از ضروریات مذهب شیعه است و ادله فراوانی در مشروعیت آن وارد شده است.

«رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ» (غافر / ۲۸).

مرد مؤمنی از خاندان فرعون که دین خودش را مخفی می‌کرد... این آیه دلالت بر وجود حکم تقيه در امت‌های سابق می‌کند.

يَا مُعَلَّى! إِنَّ التَّقِيَةَ مِنْ دِينِي وَدِينِ آبَائِي وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ. يَا مُعَلَّى! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ. يَا مُعَلَّى! إِنَّ الْمُدْبِعَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاوِدِ لَهُ.

[الكافي، ج ۲، ص ۲۲۳، باب الكتمان].

ای معلی! تقيه از دین من و پدران من است. کسی که تقيه ندارد، در واقع دین ندارد. ای معلی خدا همان طور که عبادت آشکار را دوست دارد، عبادت سری را هم دوست دارد. ای معلی! کسی که تشیع را آشکار کند، مانند کسی است که با آن می‌جنگد.

این روایت در عصری صادر شده است که افراد را به جرم تشیع از هستی ساقط می‌کردند؛ برخی را می‌کشتند. برخی را روانه سیاه چال‌ها می‌کردند. برخی دیگر را نیز جریمه می‌کردند. در این شرایط ترویج تشیع باعث افزایش حساسیت حکومت نسبت به آن می‌شد و همین امر بارها و بارها باعث بر زمین ریخته شدن خون‌های پاک و بی‌خانمانی کودکان

و زنان فراوانی گردید.

۵۸) همین مطلب، سرّ ظهور است؛ یعنی هر انسانی در هر جایگاهی که هست، کاری کند که او را به ولایت ایشان نزدیک کند و سنخیت و همرنگی میان او و اهل بیت علیهم السلام افزایش یابد؛ به گونه ای که اهل بیت از نسبت دادن او به خودشان احساس شرم نکنند.

۵۹) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۸، ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان؛ بحار الأنوار، ج ۵۳ ص ۱۷۶، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته.....».

۶۰) ظاهراً مقصود امام آن است که دعاهای تو را در تعجیل فرج شنیدم. زیرا امام علیه السلام در ادامه از نزدیک شدن زمان ظهور خبر می دهد.

۶۱) همان طور که گذشت، فرج امام زمان علیه السلام بارها و بارها تا مرز وقوع پیش رفته بود.

۶۲) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۵۵؛ الحکایه الخامسه و العشرون مجالس المومنین ص ۲۰۶.

۶۳) یعنی چنین نیست که با مرگ تو، تنها تنت از دیدگان پنهان شده باشد. بلکه علم دین و توحید آسیب فراوانی از این مرگ دیدند. این بیت دلالت بر عظمت علمی و میزان تأثیرگذاری ایشان داشته است.

۶۴) قبول این حکایت از جهاتی مشکل است؛ زیرا کسی حضرت صاحب الامر را ندیده است. بلکه دیده اند که این ابیات بر روی قبر ایشان نوشته شده است. از این رو معلوم نیست خود حضرت آن را نوشته است یا این که یکی از آشنایان و شاگردان شیخ این کار را کرده است. کسانی که گمان کرده اند این ابیات منسوب به حضرت است، به بیت آخر آن توجه کرده اند که مهدی قائم وقتی که صدای درس و بحث تو را می شنید، خوشحال می شد. در حالی که این بیت هیچ

نوع دلالتی بر صدور سخن از امام علیه السلام ندارد؛ زیرا ممکن است که کس دیگری همین مطلب را بیان کرده باشد؛ مانند این که ما بگوییم. امام زمان علیه السلام در مرگ امام خمینی رحمه الله گریست. یا بگوییم: زمانی که امام زمان علیه السلام سخنرانی های انقلابی امام رحمه الله را می شنید خوشحال می شد.

(۶۵) ترجمه کتاب کلمه الامام المهدي.

(۶۶) اگر چه مخاطب نامه مرحوم آیت الله اصفهانی است، اما این دستور العمل شامل تمام مراجع تقلید می شود.

(۶۷) الاحتجاج؛ ج ۲، ص ۴۶۹ گک احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي بحار الأنوار؛ ج ۵۳، ص ۱۸۰ باب ۳۱- ما خرج من توقيعاته عليه السلام... إعلام الوری ص ۴۵۲ الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقيعات.

(۶۸) یعنی این طور نیست که انتساب به خاندان عصمت نوعی قرابت و فامیلی با خدا ایجاد کند و در نتیجه باعث مصونیت از خطا و یا دوزخ شود. بلکه هر انسانی طبق عملکرد خود رشد می کند. از این رو نیز حتی اگر کسی از خاندان ما منحرف شود به عذاب الهی مبتلا خواهد شد.

(۶۹) هر یک از «اما»هایی که می آید، پاسخ از سؤالی است که اسحاق بن یعقوب از امام سؤال کرده است.

(۷۰) یعنی همان طور که برادران یوسف به او حسادت ورزیدند و تصمیم به از میان برداشتن او گرفتند، عمویم جعفر نیز به من حسادت برده و قصد از بین بردن مرا دارد.

(۷۱) این سخن بدان معنا نیست که می توان وجوهات شرعی را نداد. بلکه بدان معناست که وجوهات شرعی منتهی برای ما نیست. بلکه ما در حق شما لطف می کنیم و اموالتان را پاک می کنیم. نقل می کنند که قبل از انقلاب یکی از تجار خدمت حضرت امام رحمه الله وجوهات آورده بود

و با حالتی متکبرانه آن‌ها را پرداخت کرده بود. حضرت امام پول‌ها را با بی‌اعتنایی به خودش پس داده بود و فرموده بود: شما در حق من لطف نمی‌کنید. بلکه من در حق شما لطف می‌کنم و خیال شما را از جهت وجوهات آسوده می‌کنم و خودم مسؤولیت خرج و مخارج آن را به عهده می‌گیرم.

(۷۲) نکته جالب آن است که امام علیه السلام در این روایت نفرموده اند: در مسائلی که برایتان پیش می‌آید، بلکه فرموده اند: در حوادثی که برایتان اتفاق می‌افتد به فقها مراجعه کنید. این مسأله نشانگر آن است که فقها از سوی آن حضرت به عنوان ولی اجتماعی نصب شده اند. به همین جهت این روایت یکی از ادله تئوری ولایت فقیه و حکومت اسلامی می‌باشد.

(۷۳) این روایت بیانگر آن است که حتی نذر و احسان و سفره‌هایی که به نام ایشان و خاندانشان برپا می‌باشد و ای بسا پول‌های هنگفتی در آن‌ها صرف می‌شود، تنها در صورتی مهر قبولشان به پای این مخارج خواهد خورد که از مال حلال تهیه شده باشد و همراه با حرام نباشد.

(۷۴) غناء در اصطلاح فقهی به صدایی گفته می‌شود که منجر به تحریک شهوت شده و زمینه فحشاء را فراهم می‌آورد. معیار تشخیص غناء، مناسبت با مجالس رقص و پایکوبی می‌باشد.

(۷۵) او یکی از کسانی بود که در مورد امام صادق علیه السلام غلو کرد و مورد لعن و نفرین ایشان قرار گرفت. نام اصلی او محمد بن مقلاس الأسدی و کنیه او ابا اسماعیل و ابا خطاب است. در روایات فراوانی مورد لعن قرار گرفته است که در ادامه یکی از آن‌ها آورده می‌شود.

حمدویه و ابراهیم ابنا نصیر

قالا حدثنا الحسين بن موسى عن إبراهيم بن عبد الحميد عن عيسى بن أبي منصور قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام وذكر أبا الخطاب فقال: اللهم العن أبا الخطاب فإنه خوفني قائماً وقاعداً وعلى فراشي اللهم أذقه حر الحديد.

خدایا ابوالخطاب را از رحمت خویش دور کن. زیرا او مرا در همه احوال اعم از ایستاده و نشسته و خوابیده، ترسانیده است. خدایا طعم شمشیر را به او بچشان.

رجال الکشی، ص ۲۹۰؛ رجال الطوسی، ص ۲۹۶.

(۷۶) مائده/۱۰۱؛ مقصود امام آن است که شما نباید درباره مسائلی که اهمیت زیادی ندارند، سؤالات زیادی کنید. زیرا آنچه که مهم است، این است که با اطاعت از ما و فراهم سازی زمینه ظهور به وظیفه خودتان عمل کنید. اما اگر قرار باشد، این مسائل را رها کنید و مدام پی گیر مسائل کم فایده باشید، مصداق آیه قرآن خواهید بود.

(۷۷) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۸۵، ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۹، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

(۷۸) الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۸۱ «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۱ باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»؛ الغیبه للطوسی، ص ۳۷۴ «ذکر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان»

(۷۹) دعای امام به حمیری و دوستانش.

(۸۰) الاحتجاج ص ۴۸۷ ج ۲ «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۶۲؛ باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

(۸۱) زخرف/۷۱.

(۸۲) البته روشن است که کودک خلق شده اگر چه به صورت انسان باشد، اما انسان نخواهد بود.

[همان طور که حور العین و خدمتکاران بهشتی در صورت انسان و مورد پسند انسان هستند. اما انسان نیستند. از نظر عقلی نیز

انسان موجودی است که باید از خاک خلق شود و همین سیر متعارف را طی نماید. این تعبیرات نشانگر اوج توجه و محبت امام علیه السلام نسبت به شیعیان حقیقی شان می باشد.

(۸۳) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴۱ باب ۹ «وجوب إيصال حصه الإمام من الخ»؛ بحار الأنوار، ج ۵۳ ص ۱۸۳، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

(۸۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹ «ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ الغیبه للطوسی ص ۲۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰ «الدعاء في غيبه القائم عليه السلام...».

(۸۵) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹ «ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۶۰ باب ۸ «وقت العشاءين...».

(۸۶) فرج المهموم ص ۱۱۴ الباب الرابع؛ بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۲۵۵، باب ۱۰ «علم النجوم والعمل به وحال».

(۸۷) این تعبیرات نشانگر اوج توجه و محبت امام علیه السلام نسبت به شیعیان حقیقی شان می باشد.

(۸۸) این مطالب در سرزنش یکی از وکلای امام که در یاری یکی از شیعیان به نام معلقه بن اسحاق کوتاهی کرده بود و امام را به موقع در جریان مشکل او نگذاشته بود، صادر شده است.

(۸۹) این دستور العمل متعلق به معلقه بن اسحاق از اصحاب شایسته امام علیه السلام می باشد. طبق خبر منجمی ایشان احساس کرده بودند که زمان مرگشان نزدیک شده است. از این رو به یکی از وکلای امام علیه السلام نامه می نویسد و از او درخواست می کند که از امام دستور العملی برای ایام پایانی زندگی اش بگیرد.

(۹۰) امام این مطلب را در مورد معلقه بن اسحاق فرموده اند.

(۹۱) كشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱ «الفصل الثالث في ذكر بعض التوقيعات»؛ کمال الدین ج ۲، ص ۴۸۳

(۹۲) وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۴۲ باب ۳۳ «تحریم تسمیه المهدی علیه السلام»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲ باب ۴۵ «ذکر التوقیعات الواردة».

(۹۳) الکافی ج ۱ ص ۳۳۳ «باب فی النهی عن الاسم...»؛ وسائل الشیعه ج ۳۳ ص ۲۴۰ باب ۱۶ «تحریم تسمیه المهدی علیه السلام».

(۹۴) البته فاش کردن و یا راهنمایی سربازان همیشه به خاطر دشمنی و جاسوسی نیست. بلکه از سر شوق همه روانه دیدار خواهند شد و نام ایشان را در مجالس خود به جهت تبرک خواهند برد، در نتیجه در اثر محبت و علاقه فراوان آن حضرت را گرفتار خواهند کرد.

(۹۵) یکی از سؤالاتی که در ذهن هر خواننده ای ایجاد می شود و از سوی دیگر محل ابتلا است، این است که آیا اکنون نیز آوردن نام ایشان حرمت دارد، یا این که این حرمت مخصوص عصر غیبت صغری بوده است؟ آیا مقصود از حرمت نام بردن از آن حضرت منحصرأ کلمه «محمد» است یا این که هر اسمی که به نحوی دلالت بر ایشان کند، شامل این روایات می شود؟ به عبارتی آیا کلمات مهدی، ابا القاسم، ابا صالح و اموری از این قبیل نیز داخل در این روایات هستند، یا از محدود آن ها خارج می باشند؟

برای این که جواب این سؤال ها به وضوح روشن شود، مقدمه ای را ذکر می کنیم:

عصر امام حسن عسکری علیه السلام از سویی مردم از ظلم و جور خاندان عباسی خسته شده بودند و از سوی دیگر یاد و خاطره حکومت عدل علوی همچون رؤیایی دلنشین در اذهان مردمان، یادآور مدینه فاضله ای بود که همه به دنبال آن بودند. این دو عامل باعث توجه روز افزون مردم به خاندان عصمت و سلاله پاک

علوی شده بود. با وجود تبلیغات شکننده ای که در مورد ایشان صورت می گرفت، عملکرد روشن و پر جذبه ایشان باعث گرایش همگان می شد. همین عامل نیز باعث شد تا حساسیت حکومت های وقت نسبت به ایشان افزایش یابد. توجه به کاهش عمر ائمه بعد از امام رضاعلیه السلام گواه این مطلب می باشد.

امام محمد تقی تنها بیست و پنج سال امام علی النقی تنها چهل سال امام حسن عسکری بیست و هشت سال با وجود موارد ذکر شده، امام حسن عسکری علیه السلام از یک ویژگی ممتازی برخوردار بود که باعث افزایش مراقبت ها نسبت به ایشان شده بود. آری ایشان پدر امامی بودند که پیامبر اسلام در اخبار متواتری بشارت تولدش را داده بود. همان طور که با آشکار شدن علایم تولد حضرت موسی علیه السلام فرعون مراقبت های خود را افزایش داد. عباسیان نیز با نزدیک شدن زمان تولد یگانه منجی عالم، مراقبت های خود را به شدت افزایش دادند. مانند این که امام را در داخل پادگانی محصور کردند و در یک محیط بسته ایشان را تحت نظر گرفتند. در حالی که چنین حساسیتی در مورد هیچ یک از ائمه قبل از ایشان نظیر نداشت. یا این که به صورت مداوم قابله هایی را به خانه حضرت می فرستادند تا وضعیت همسر ایشان را از نظر حاملگی بررسی کنند.

حساسیت حکومت نسبت به ایشان به حدی بود که برخی از نزدیکان و اصحاب خاص امام برای دیدار ایشان، مجبور به شغل دست فروشی می شدند و به بهانه روغن فروشی و غیره خود را به خدمت امام می رساندند!

زندگی امام زمان در عصر غیبت صغری امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری مأمور بودند تا در میان

مردم زندگی کنند و ارتباط نسبتاً ملموسی با ایشان داشته باشند. از این رو مجبور بودند که در اختفای کامل بسر ببرند.

از سوی دیگر ایشان دارای نوابی بودند که واسطه میان ایشان و سایر مردمان بودند. از این رو در صورت بی احتیاطی ممکن بود که دستگیر شده و به قتل برسند. لذا دوره غیبت صغری دوره ای ملامال از خطر برای ایشان و نواب ایشان بود. از این رو باید در نهایت اختفاء زندگی می کردند و از هر کاری که منجر به ایجاد حساسیت در مورد ایشان می شد، پرهیز می کردند.

تحریم نام بردن از ایشان با بیان مقدمه مذکور دلیل حرمت نام بردن از ایشان روشن می شود. زیرا در صورتی که اصحاب و شیعیان نام ایشان را ذکر می کردند، باعث ایجاد حساسیت می شد و توجه عمال حکومت را نسبت به ایشان و نواب ایشان افزایش می داد. همان طور که در برخی از موارد حکومت موفق به یافتن محل اختفای امام زمان شده بود. چنان که در بخش معجزات آمده است، باری که ایشان در سرداب مشغول مناجات بودند، مأموران حکومت موفق به شناسایی ایشان می شوند و منطقه را به محاصره خود در می آورند. البته امام به طرز معجزه آسایی نجات پیدا می کنند.

مؤید این مطلب نوع بیان روایاتی است که از خود ایشان نقل شده است.

در روایت اول ایشان می فرمایند کسی که نام مرا در اجتماعات عمومی مردم ببرد، ملعون است. این بدان معناست که صرف نام بردن از ایشان در محافل خصوصی که خطر ایجاد حساسیت نباشد، حرام نیست.

در روایت دوم نیز فرموده اند که اگر نام مرا بدانند، (در میان مردمی که اکثراً سنی بوده اند) فاش می کنند و

اگر محل زندگی مرا بدانند، به همدیگر نشان می دهند.

نکته جالب آن است که در روایتی از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی آمده است که نام ایشان را کسی غیر از کافر نمی برد! حال سؤال آن است که نام بردن از ایشان چه جرمی است که منجر به کفر شود؟ آیا کسی که نام ایشان را مثلاً در زمان ما از روی محبت و ارادت برد، کافر می شود؟ یا کسی که در عصر غیبت صغری با ذکر نام ایشان باعث به خطر افتادن ایشان و نوابشان شود، دچار کفر می شود.

نکته بعدی آن است که وقتی حضرات معصومین علیهم السلام می فرمودند که نباید اسم ایشان را ببرید، کسی تعجب نمی کرد. زیرا آن ها در همان اوضاع خطرناک زندگی می کردند، از این رو این حرمت و تحریم با همه تأکیدهایی که داشت، برایشان قابل درک بود.

با توجه به همه این مسائل به صورت قطع و یقین روشن می شود که این حرمت به زمان غیبت صغری منحصر می شود و در زمان ما نه تنها حرمتی ندارد، بلکه مانند نام های سایر حضرات معصومین علیهم السلام جزو مستحبات است.

پاسخ از سؤال دوم:

مقصود از نام چیست؟ آیا کلمه محمد است یا هر اسمی که به نحوی بر ایشان دلالت کند، حتی اگر لقب و یا کنیه باشد؟

با توجه به مطلب قبلی روشن می شود که کلمه محمد خصوصیتی ندارد. بلکه مقصود حضرات از تحریم ذکر نام ایشان، حفظ و مصونیت خود آن حضرت و واسطه های ایشان بوده است. از این نظر تفاوتی میان این که محمد گفته شود یا مهدی و یا هر نام دیگری، وجود ندارد. زیرا خطر ایجاد حساسیت و توجه دادن افراد به

ایشان در همه این موارد به یک اندازه وجود داشته است. بنابراین در عصر غیبت صغری چه نام مهدی و چه نام محمد و هر نام دیگری که علم بر آن حضرت بوده باشد، حرام بوده است و در زمان ما هر نامی ولو کلمه شریف محمد جایز و مستحب است.

مؤید قطعی این مطلب روایتی است از امام حسن عسکری علیه السلام که در طی آن به یکی از اصحاب می فرمایند: بر شما حلال نیست که نام او را ببرید. راوی سؤال می کند که پس او را چگونه خطاب کنیم؟ امام فرمودند کنیه او را بگویید و یا از القابی چون مهدی که مخصوص به ایشان است استفاده کنید. بلکه فرمودند: بگویید: حجتی که از آل محمد است.

دلیل این فرمایش امام آن است که حجتی که از آل محمد است، لقبی است که بر تمام ائمه صدق می کند. بنابراین مردم گمان می کنند که منظور ائمه قبلی هستند. از این رو ایجاد حساسیت نمی کند و ابداً معلوم نمی کند که ایشان مقصود هستند.

۹۶) کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱، الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳ - باب ۴۵ ذکر التوقیعات الواردة.

۱۳۸۶۹۷

۹۷) مهج الدعوات، ص ۶۷ قنوت مولانا الحجه محمد بن الحسن علیه السلام؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳ باب ۳۳ - فی القنوتات الطویلہ المرویہ.

۹۸) وعده زمانی به کار برده می شود که چیزی خوبی در انتظار باشد. اما اگر اتفاق بدی در انتظار باشد، به آن وعید گفته می شود.

۹۹) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲ «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۱۷۱، باب ۳۱ «ما خرج من توقیعاته...».

۱۰۰) قمر/۵.

۱۰۱) بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶ باب

(۱۰۲) المصباح للكفعمی ص ۲۱۹، الفصل السادس والعشرون فی الحجب؛ بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۷۸ باب ۵۲ «الاحتجابات المرویه»؛ مهج الدعوات ص ۳۰۲ «حجاب مولانا صاحب الزمان علیه السلام...».

(۱۰۳) در اصطلاح روایات، فرایض به احکام قرآنی، و سنت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات معصومین علیهم السلام فرموده اند، اطلاق می شود.

(۱۰۴) مهج الدعوات ص ۲۹۴؛ بحار الأنوار ج ۹۲، ص ۴۵۰ باب ۱۳۰ «فی ذکر بعض الأدعیه».

(۱۰۵) حرز در لغت به معنای قلعه ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می شود. از این رو به ادعیه ای که جهت ایجاد مصونیت در برابر مسائلی چون، بلایا، بیماری ها، حیوانات درنده، ساحران و اجنه و امثال آن ها، صادر شده است، حرز گفته می شود.

بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶۵، باب ۵۰ «بعض أدعیه القائم علیه السلام و احرازه»؛ مهج الدعوات ص ۴۵ «حرز لمولانا القائم علیه السلام...».

(۱۰۶) کمال الدین ج ۲، ص ۵۱۲ «الدعاء فی غیبه القائم علیه السلام...»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۸۷ باب ۳۱ «ما خرج من تویعاته علیه السلام...».

(۱۰۷) روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است.

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَيْفَوَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً. قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِيَّةً كُفْرًا وَنِفَاقًا وَضَلَالًا.

الكافي ج ۱، ص ۳۷۷ «باب من مات و ليس له إمام من أئمه».

(۱۰۸) من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰ «باب نوادر الحج...».

(۱۰۹) بحار الأنوار ج ۹۱، ص ۳۶۵، باب ۵۰، «بعض أدعیه

القائم عليه السلام و احرازه» العدد القويہ ص ۷۴ «نبذه من أحوال الإمام الحجج عليه السلام...».

(۱۱۰) بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷، باب ۲۴ «كيفية زيارته صلوات الله عليه».

(۱۱۱) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۱ باب ۱۸ «ذكر من رآه صلوات الله عليه»؛ مهج الدعوات ص ۲۹۶.

(۱۱۲) بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶؛ باب ۴۸ «أنهم خلفاء الله»؛ تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۱۱۰ «دعاء أول يوم من شهر رمضان...»؛ إقبال الأعمال، ص ۶۰ «فصل فيما نذكره من دعاء الافتتاح».

(۱۱۳) تفسير القمي، ج ۲، ص ۱۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷۵، باب ۳۷ «استحباب الصلاة المرغبه».

(۱۱۴) یعنی ما از لطف تو توفیق عبادت یافتیم.

(۱۱۵) مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش بهر مند می کند. اما به جای این که انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکر می کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکر کرده و پاداش می دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.

(۱۱۶) به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می کند. اما زمانی که انسان این حدود را می شکند، می بخشد.

(۱۱۷) بحار الأنوار، ص ۲۱۲ ج ۹۹؛ زیاره أمير المؤمنين عليه السلام جمال الأسبوع ۳۱ زیاره أمير المؤمنين عليه السلام.

(۱۱۸) به این معنا که میوه درخت از نبوت ریشه می گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است و بدون امامت نارس خواهد بود.

(۱۱۹) إقبال الأعمال، ص ۶۴۶ «فصل فيما نذكره من الدعوات»؛ البلد الأمين، ص ۱۷۹ «شهر رجب...». المصباح للكفعمي، ص ۵۲۹ «الفصل الثالث و الأربعون»؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۹۲، باب ۲۳ «أعمال مطلق أيام شهر رجب».

(۱۲۰) مقصود آن است که اهل بیت علیهم السلام در

اثر عبادت و استعدادهای ذاتی تجسم صفات خدا شده اند. از این رو توحید مجسم هستند. یعنی توحید خدا با وجود آن ها آشکار شده است. معنای این سخن که میان شما و خدا تفاوتی غیر از این نیست که شما بندگان او و مخلوق او هستید، آن است که شما هیچ چیزتان از خودتان نیست. همه چیزتان از خداست. اما به جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده اید. خدا با چشمان شما می بیند و با دستانتان کار می کند و با پاهایتان قدم بر می دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی علیه السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را دید و دست خدا تو را زد!

(۱۲۱) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۰، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله علیه».

(۱۲۲) امام علیه السلام این جمله را خطاب به ابو راحج حمّامی فرمودند.

(۱۲۳) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۵، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله علیه».

(۱۲۴) خطاب به یکی از شیعیان وفادارشان فرمودند.

(۱۲۵) حج/۴۰.

(۱۲۶) الغیبه للطوسی، ص ۲۵۳ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۴، باب ۴۳ «ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله علیه».

(۱۲۷) البته به خاطر سستی شیعیان و مهیا نشدن شرایط این مدت تا بیش از هزار و صد و پنجاه سال، افزایش یافته و ممکن است که باز هم افزایش بیابد.

(۱۲۸) طبق تصریح قرآن، سرگردانی قوم بنی اسرائیل چهل سال طول کشیده است.

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده/۲۶).

(۱۲۹) مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۴۴۷ باب ۵۴ «نوادر»؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ج ۲۳۰، «الحکایه الثامنه».

(۱۳۰) خطاب به حسن بن مسلم

که زمین مسجد جمکران را غضب کرده بود.

(۱۳۱) الاختصاص، ۲۵۵ «حدیث فی زیاره المؤمن لله»؛ الغیبه للنعمانی ص ۲۷۹، باب ۱۴ «ما جاء فی العلامات». بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۳۷ باب ۲۵- علامات ظهوره صلوات الله.

(۱۳۲) آل عمران/۳۳ و ۳۴.

(۱۳۳) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹، باب ۲۸ «ما يكون عند ظهوره عليه السلام».

(۱۳۴) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳ باب ۲۷ «سیره و أخلاقه و عدد أصحابه»؛ تفسیر فرات الكوفی ص ۲۷۴.

(۱۳۵) حج/۴۱.

(۱۳۶) عقد الدرر، ص ۱۴۵.

(۱۳۷) الغیبه للنعمانی، ص ۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱ باب ۲۶ «یوم خروجه».

(۱۳۸) شعراء/۲۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹